



جمهوری اسلامی ایران

وزارت امور اقتصادی و دارائی

شماره

تاریخ

پیوست

تبیین پولی تورم در اقتصاد ایران و امکان پزیری حصول اهداف
برنامه پنجساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی
ایران

معاونت امور اقتصادی

سال ۶۹

تاریخ: ...

موضوع: ...

شماره: ...

محل: ...

این گزارش تحت نظر اساتید مشاور:

جناب آقایان: دکتر اکبر کمیجانسی

دکتر بیژن بیدآباد

وبا همکاری کارشناسان:

محسن نظری

فرهاد خدا داد

تهیه شده است.

نقل کلیه مطالب، با ذکر ماخذ مجاز است.

کلیه حقوق مربوطه متعلق به معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارائی میباشد.

انتشار این گزارش به معنی تائید آراء و اندیشه نویسندگان آن نیست.

محل: ...

فصل اول مروری بر ماهیت نقدینگی

- ۱ ■ بررسی وضعیت اجزای عرضه پول و نقدینگی کشوری سالهای ۶۸-۱۳۵۲
- " - مقدمه
- " - پایه پولی
- ۵ - ضریب تکاثری پول و نقدینگی
- ۱۲ - بررسی اهمیت نسبی پایه پولی و ضریب تکاثری پول و نقدینگی در تحولات عرضه پول و نقدینگی
- ۱۴ - کنترل بانک مرکزی بر عرضه پول در کشور
- ۱۵ - نتیجه گیری ، اعمال سیاست
- ۱۶ ■ بررسی منابع و مصارف بانکهای تجاری و تخصصی
- ۱۷ - منابع بانکهای تجاری و تخصصی
- ۱۷ - سپرده های بخش خصوصی
- ۱۸ - منابع مسدود
- ۲۲ - سایر منابع (منابع غیر سپرده ای)

- ۲۳ - مصارف بانکهای تجاری و تخصصی

فصل دوم : بررسی رابطه میان نقدینگی و تورم

- ۲۷ ■ بررسی کسری بودجه و نقدینگی بخش خصوصی
- " - رابطه نقدینگی و کسری بودجه
- " - منابع تامین کسری
- ۲۸ - روند کسری بودجه و علل آن
- ۲۱ - نقدینگی بخش خصوصی و کسری بودجه در طی سالهای ۶۸-۵۳
- ۳۵ ■ تبیین پولی تورم
- " - نظریه مقداری پول

صفحه

۳۷ - معادله مبادله فیشر

۳۸ - معادله کمبریج

۳۸ - تئوری درآمد اسمی

فصل سوم : بررسی سایر علل تورم

۴۱ - مقدمه

" - تولید ناخالص و عرضه کل

۴۲ - واردات و عرضه کالا

۴۴ - صادرات کالا

۴۵ - تورم ناشی از فشار هزینه

۴۶ - افزایش قیمت کالاهای وار داتی

۴۷ - جنگ عراق و ایران و مساله تورم

۴۷ - جنگ و تورم
- عوامل روانی و تورم

فصل چهارم : شبیه سازی

۴۹ * برآورد رابطه نقدینگی و متغیرهای پولی

۵۷ * بررسی متغیرهای پولی بر اساس نرخ تورم متعارف (۶ درصد)

۶۰ * نقدینگی و شاخص قیمتها در برنامه اول

فصل پنجم : خلاصه و نتیجه گیری

۷۱ فهرست منابع

در برنامه اول جمهوری اسلامی در نظر است که رشد نقدینگی بخش خصوصی از ۲۳/۸ در صد در سال ۱۳۶۷ به ۳/۵ در صد در سال ۱۳۷۲ تنزل یابد و در طول برنامه، نقدینگی بطور متوسط از رشد ۸/۲ در صد برخوردار باشد، همچنین در نظر است که رشد شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی از ۲۸ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۸/۹ درصد در سال ۱۳۷۲ کاهش یابد. ایجاد رشد اقتصادی، افزایش تولید سرانه، اشتغال مولد، مهار تورم و اصلاح الگوی مصرف از جمله اهداف کلی برنامه است که تحقق آنها بدون هدایت صحیح بخش پولی امکانپذیر نیست.

تورم همراه رکود خصلت بارز اقتصاد ایران در سالهای اخیر است. در این سالها نقدینگی بخش خصوصی عمدتاً " تحت تاثیر بودجه دولت افزایش یافته است بطوریکه هیچگاه توازنی بین جریان پولی و جریان کالا و خدمات دیده نمیشود و در حقیقت سیاستهای پولی بصورت دنباله رو سیاستهای مالی دولت عمل کرده است و حجم پول بر مبنای ضابطه از قبل تعیین شده ای افزایش نیافته است. در راستای مقابله با روند فوق و بمنظور کاهش نرخ رشد نقدینگی و تورم در برنامه اول پیش بینی شده است که کسری بودجه دولت از ۲۱۴۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ به حدود ۹۲/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۲ کاهش یابد و خالص دارائیهای خارجی در سطح ۷۲۴ میلیارد ریال ثابت بماند.

نقدینگی عظیم بخش خصوصی به چند دلیل موجبات تورم شدید را فراهم آورده است، اول آنکه رشد نقدینگی با رشد تولید همراه نبوده است و ثانیاً " با تمرکز نقدینگی در دست عده ای خاص این امکان برای آنان فراهم شد که بازار بسیاری از کالاهارابه انحصار خود در آورند و با احتکار، قیمت کالاها را افزایش دهند، همچنین سودآوری ناچیز فعالیتهای تولیدی نسبت به امور بازرگانی، و نیز بدلیل حجم زیاد نقدینگی، بخش خدمات و واسطه‌گری بشدت گسترش یافت.

در حال حاضر تورم بمانند مسائلی چون افزایش سریع جمعیت، بیکاری، توزیع ناعادلانه در آمد و ۰۰۰ از مهمترین مشکلات اقتصاد ایران است بطوریکه نادیده انگاشتن این مسائل به تعمیق فقر و استمرار توسعه نیافتگی خواهد انجامید. در برنامه اول به منظور حل این معضلات تمهیداتی نظر گرفته شده است و همانطور که در فوق اشاره شد پیش بینی شده است که رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در سال پایان برنامه (۱۳۷۲) معادل ۸/۹ درصد باشد.

هدف از این گزارش شناخت چگونگی اثر سیاستهای پولی بر شاخص قیمت ها و نهایتاً " تعیین میزان مطلوب رشد حجم پول و نقدینگی و مقایسه آن با اهداف و سیاستهای پیش بینی شده در برنامه

اول است . همچنین در این گزارش امکانپذیری اهداف برنامه و تمهیدات ضروری برای حرکت به سمت تحقق این اهداف بررسی می شود .

این گزارش مشتمل بر ۴ فصل است که در فصل اول اجزاء عرضه پول و نقدینگی و همچنین منابع و مصارف و مازاد منابع بانکهها مورد بررسی قرار گرفته است . در فصل دوم به رابطه نقدینگی و تورم اشاره میشود و سپس براساس یک دیدگاه پولی از تورم، این موضوع بطور نظری مورد بحث قرار میگیرد و سپس از آن به سایر علل تورم در ایران اشاره می شود . در فصل سوم با استفاده از آمار و ارقام شاخص قیمتها و متغیرهای پولی در فاصله سالهای ۶۸-۱۳۵۳ رابطه میان شاخص قیمتها و متغیرهای پولی در قالب ۹ الگو محاسبه شده و سپس در بخش بعد بررسی میشود که مقدار متغیرهای پولی در فاصله سالهای ۷۲-۱۳۶۹ چه میزان باشد تا نرخ تورم متعارفی تحقق یابد و پس از آن نقدینگی و شاخص قیمتها در برنامه اول مورد بررسی قرار میگیرد . در فصل پایانی ضمن اشاره به چکیده ای از فصول قبل توصیه های سیاستی ارائه خواهد شد .

پایانی ز ۶۹

فصل اول : مروری بر ماهیت نقدینگی در ایران

بخش اول : " بررسی وضعیت اجرای عرضه پول و نقدینگی کشور طی سالهای

۶۸-۱۳۵۲ " (۱)

□ مقدمه :

عرضه پول و نقدینگی از متغیرهای مهم اقتصادی ایران است . بسیاری از سیاستهای بکارگرفته شده طی سالهای اخیر نیز در جهت اثرگذاری بر این دو متغیر عمده اقتصادی بوده است و در اولیین برنامه عمرانی مصوب جمهوری اسلامی ایران (۷۲-۱۳۶۸) نیز تاثیر گذاری بر این دو متغیر از اهداف برنامه ذکر شده است . در این گزارش سعی شده است که روند چگونگی تغییرات اجزای این دو متغیر مورد بررسی قرار گیرد .

تغییرات نقدینگی و عرضه پول به دو عامل عمده پایه پولی و ضریب تکاثری پول بستگی دارد که به صورت فرمول زیر بیان می شود :

که در آن :

$M =$ حجم پول یا نقدینگی

$M = m H$

$m =$ ضریب تکاثری پول یا نقدینگی

$H =$ پایه پولی

است .

بنابر این برای شناخت عرضه پول و نقدینگی به بررسی پایه پولی و ضریب تکاثری پول و نقدینگی

می پردازیم .

□ پایه پولی :

پایه پولی طبق تعریف شامل بدهی بانک مرکزی به بخشهای خصوصی (اسکناس و مسکوک در دست مردم) و بانکی (نقدینگی در صندوق بانکها و سپرده های قانونی و آزاد بانکها نزد بانک مرکزی) می شود . با توجه به ترازنامه بانک مرکزی روشن است که پایه پولی را همچنین می توان به صورت حاصل جمع دارائیهای خارجی و داخلی این بانک بیان کرد . به عبارت دیگر پایه پولی را می توان وسیله پرداختی دانست که از طریق آن بانک مرکزی دارائیهای خارجی (ارز ، طلا و غیره) و داخلی (مطالبات از بخش دولتی

(۱) متأسفانه به دلیل عدم دسترسی به آمار سال ۱۳۶۸ دوره مورد بررسی تا سال ۶۷ محدود شده است .

انتشار دیر هنگام آمار لازم برای بررسیهای کارشناسی ، لطمه ای اساسی به برنامه ریزی کشور وارد خواهد کرد .

و شبکه بانکی (خود را خریداری می‌کند)

بعبارت دیگر پایه پولی را می‌توان بصورت منابع و مصارف بشرح زیر تقسیم بندی کرد تا تصویر بهتری از پایه پولی در دست داشته باشیم . منابع پایه پولی عبارتند از : دارائیهای خارجی بانک مرکزی (خالص) ، مطالبات بانک مرکزی از بخش دولتی (خالص) و مطالبات بانک مرکزی از بانکها (ناخالص) . مصارف پایه پولی نیز عبارتند از : اسکناس و مسکوک در دست مردم ، اسکناس و مسکوک نزد بانکها و سپرده‌های قانونی و آزاد بانکها نزد بانک مرکزی .

منابع و مصارف پایه پولی ایران برای سالهای ۱۳۵۲ الی ۱۳۶۷ در جداول شماره ۱ و ۲ بر حسب میلیارد ریال و درصد تشریح شده است .

بررسی منابع پایه پولی نشان می‌دهد که پیش از انقلاب ، افزایش دارائیهای خارجی بانک مرکزی ، مهمترین عامل افزایش پایه پولی بوده است ، بطوریکه خالص دارائیهای خارجی بانک مرکزی از ۱۴۲/۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۲ به ۸۰۶/۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ رسیده و خالص مطالبات بانک مرکزی از بخش دولتی جز در سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۵۶ با ارقام منفی روبرو بوده است که به معنی اثر کاهشی بر پایه پولی است . مطالبات بانک مرکزی از سایر بانکها که همان وجوهی است که بانک مرکزی به بانکها دیگر وام داده نیز پیش از انقلاب افزایش داشته است که به معنی اثر مثبت بر افزایش پایه پولی تلقی می‌شود . بعد از انقلاب مهمترین علت افزایش پایه پولی ، افزایش مطالبات بانک مرکزی از دولت بوده است که این امر نیز به علت کسر بودجه‌های متوالی دولت (جدول شماره ۴) و تامین آن از طریق استقراض از بانک مرکزی بوده است . مطالبات بانک مرکزی از دولت (خالص) از ۲۰۹/۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ به ۸۸۱۴/۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ رسیده است . بعد از انقلاب اسلامی به علت وضعیت نامناسب درآمداری در بیشتر سالها و کسری موازنه پرداختهای خارجی (جدول شماره ۳) — دارائیهای خارجی بانک مرکزی از ۸۰۶/۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ به ۶۱۹/۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ کاهش یافته که اثری کاهشی در رشد پایه پولی داشته است . همچنین به علت اجرای سیاستهای انقباضی دولت و نیز اعمال سیاستهای تحدید اعتباری بانکها ، مطالبات بانک مرکزی از سایر بانکها افزایش چشمگیری طی سالهای بعد از انقلاب نداشته است .

در مجموع می‌توان گفت که افزایش خالص دارائیهای خارجی بانک مرکزی در پیش از انقلاب و افزایش خالص مطالبات بانک مرکزی از بخش دولتی در بعد از انقلاب مهمترین علل افزایش پایه پولی کشور بوده است . بطوریکه در سال ۱۳۶۷ ، بیش از ۹۰ درصد از منابع پایه پولی کشور را مطالبات بانک مرکزی از — بخش دولتی (خالص) تشکیل می‌داده است و تنها ۶/۳ درصد از منابع پایه پولی ، خالص دارائیهای —

منابع و مصارف پایه پولی ایران طی سالهای ۶۷-۱۳۵۲

جدول شماره ۱

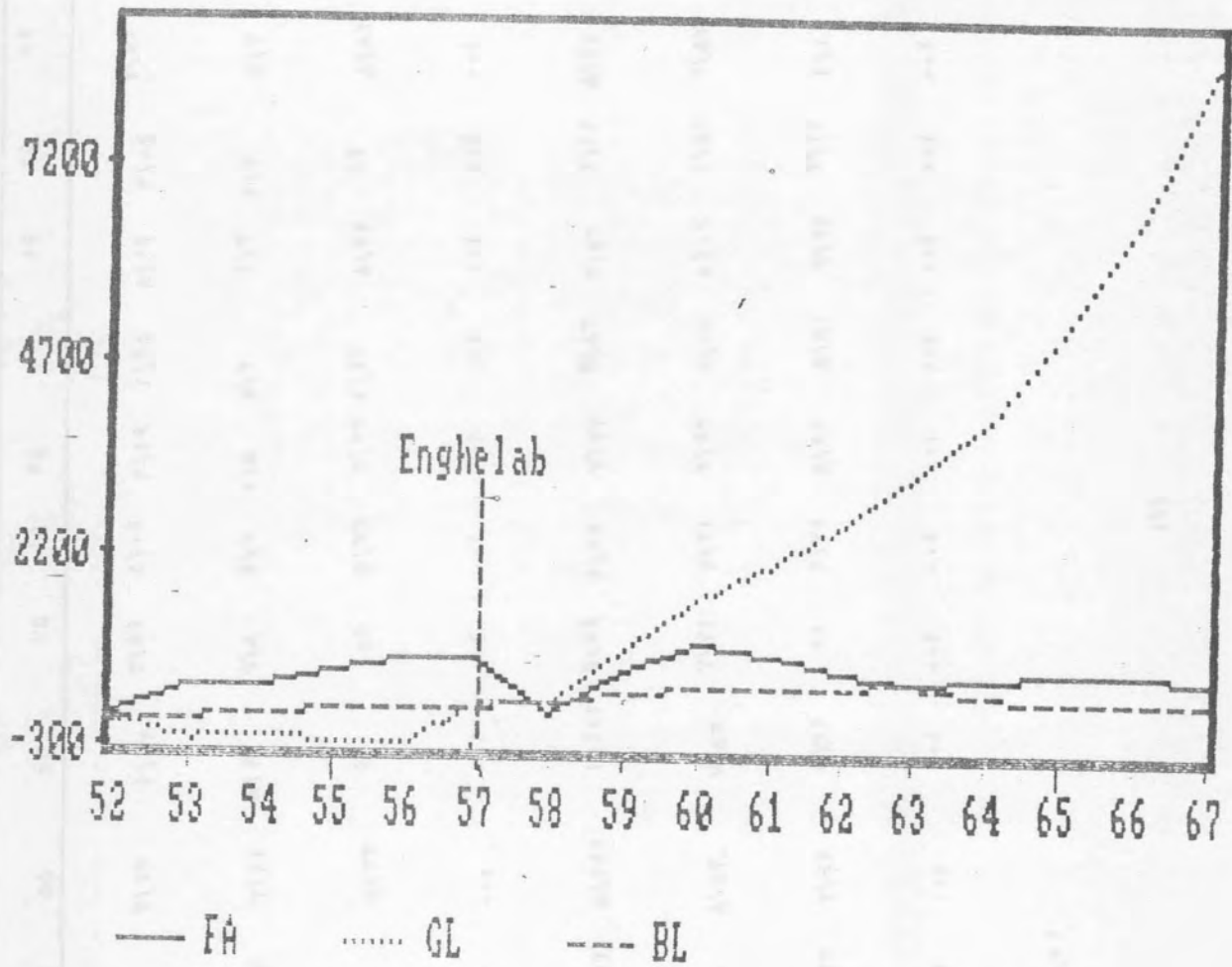
سال	۱۳۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷
منابع و مصارف پایه پولی																
مصارف پایه پولی :																
۱- بانکها و موسسات دولتی	۸۶/۴	۱۳۱/۲	۱۸۲/۲	۲۴۹/۲	۳۲۵/۵	۸۰۳/۷	۹۲۷/۹	۱۲۳۱/۲	۱۲۳۷/۲	۱۶۹۷/۶	۱۹۱۳/۸	۲۰۴۸/۶	۲۱۷۶/۳	۲۶۴۲/۴	۳۰۸۴/۷	۳۶۷۹/۸
۲- بانکها و موسسات خصوصی	۱۸/۸	۲۷/۷	۴۸/۱	۷۰	۷۳/۱	۱۰۴/۵	۹۷	۱۱۳/۸	۷۶/۲	۱۱۱	۱۱۱	۱۱۸/۳	۱۱۸/۲	۱۱۷/۴	۱۰۲/۱	۲۳۲/۲
۳- سایر نهاده بانکها مورد پذیرش دولتی	۸۳/۱	۱۵۲	۱۸۹/۳	۲۳۷/۷	۳۴۰	۳۰۳/۶	۵۱۸/۱	۶۴۳/۹	۱۱۷۱/۵	۱۵۹۷/۳	۱۷۲۸/۹	۲۰۷۲/۶	۲۶۱۴/۷	۳۳۰۲/۳	۴۲۵۷/۳	۵۸۳۹/۷
مجموع	۱۸۸/۳	۳۱۰/۹	۴۱۹/۶	۵۶۶/۹	۷۳۸/۶	۱۲۰۹/۸	۱۵۴۳	۱۹۸۸/۹	۱۹۸۸/۹	۲۶۵۲/۹	۳۴۰۵/۹	۴۳۲۹/۵	۴۹۰۹/۲	۶۰۶۲/۱	۷۵۳۳	۹۷۸۳/۷
منابع پایه پولی :																
۱- بانکها و موسسات دولتی	۱۴۲/۷	۵۰۸	۵۰۶/۵	۶۷۷/۷	۸۳۸/۵	۸۰۶/۷	۱۰۴۷/۷	۶۷۰/۸	۱۰۲۵/۷	۸۸۴/۷	۷۳۳/۴	۵۴۵/۹	۶۴۲/۳	۶۷۳	۶۷۹	۶۱۹/۲
۲- بانکها و موسسات خصوصی	۱۴۲/۷	۵۰۸	۵۰۶/۵	۶۷۷/۷	۸۳۸/۵	۸۰۶/۷	۱۰۴۷/۷	۶۷۰/۸	۱۰۲۵/۷	۸۸۴/۷	۷۳۳/۴	۵۴۵/۹	۶۴۲/۳	۶۷۳	۶۷۹	۶۱۹/۲
۳- مطالبات بانک مرکزی از سایر بانکها (انخالص)	+	-۲۳۴/۳	-۱۸۵/۶	-۳۵۹/۹	-۲۶۴/۸	۲۰۸/۹	۲۲۹/۳	۹۳۲/۲	۱۲۳۷/۶	۲۰۵۵/۸	۳۱۸۷/۵	۳۵۶۲/۲	۳۹۱۰	۵۰۹۳/۱	۶۶۵۰/۱	۸۸۱۴/۶
مجموع	۴۳/۶	۳۷/۳	۹۸/۷	۱۴۹/۱	۱۷۴/۹	۱۹۴/۳	۲۶۵/۹	۲۹۳/۹	۲۲۱/۶	۴۶۵/۲	۴۶۸/۱	۵۰۶/۱	۳۵۵/۹	۲۹۵	۳۱۵	۲۱۹/۹

مستند: گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی سالهای مختلف

۶۷	۶۶	۶۵	۶۴	۶۳	۶۲	۶۱	۶۰	۵۹	۵۸	۵۷	۵۶	۵۵	۵۴	۵۳	۱۳۵۲
۳۷/۷	۴۰/۳	۴۳/۵	۴۴/۳	۴۸/۳	۵۰/۹	۴۹/۸	۵۴/۱	۶۱/۹	۶۰/۱	۶۶/۳	۴۳/۹	۴۳/۴	۴۳	۴۵/۸	۴۶
منابع و معارفنامه پولی															
معارفنامه پولی:															
۱- انگلیس، رسکولدر															
دروست-مردم															
۲- انگلیس، رسکولدر															
بانکیا															
۳- سوره‌های بانکیا															
نیز بانک مرکزی															
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۶/۳	۸/۸	۱۱/۱	۱۳/.	۱۲/۸	۱۹/۳	۲۵/۹	۳۸/۶	۳۳/۷	۶۷/۹	۶۶/۶	۱۱۲/۱	۱۱۹/۵	۱۲۰/۷	۱۶۳/۴	۷۵/۷
منابع پایه پولی:															
۱- دارائینمای خارجی															
بانک مرکزی (خالص)															
۲- مطالبات بانک مرکزی															
از بخش دولتی (خالص)															
۳- مطالبات بانک مرکزی															
از سایر بانکها															
از سایر بانکها															
از بانکها															
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۳/۳	۴/۱	۴/۸	۷/۲	۱۱/۹	۱۲/۴	۱۳/۶	۱۵/۸	۱۹/۸	۱۷/۲	۱۶	۲۳/۶	۲۶/۳	۲۳/۵	۱۱/۹	۲۳/۶
مطالبات بانک مرکزی															
از سایر بانکها															
از بانکها															
جمع															

تنظیم شده بر اساس جدول شماره ۱

(۱) نمودار شماره (۱): روند تغییرات اجزای منابع پایه پولی



(۱) - FA دارائیهای خارجی CL خالص مطالبات بانک مرکزی در بخش دولتی BL بدهی بانکی به بانک مرکزی (ناخالص)

خارجی بانک مرکزی بوده است. در حالیکه این نسبتها در سال ۱۳۵۷ به ترتیب ۱۷/۳ و ۶۶/۶ درصد بوده است.

بررسی مصارف پایه پولی طی سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۶۷ نیز نشان می دهد که سهم اسکناس و مسکوک در مصارف پایه پولی در بعد از انقلاب تا سال ۱۳۶۰ افزایش و برای سالهای بعد از آن کاهش پیدا کرده است. همچنین از سهم اسکناس و مسکوک نزد بانکها کاسته شده ولی به سهم سپرده های بانکها نزد بانک مرکزی اضافه شده است. این امر می تواند بیانگر وجوه مازاد بانکها و افزایش سپرده های قانونی باشد.

میلیون دلار

جدول شماره ۳ موازنه ارزی کشور طی سالهای ۶۷-۱۳۵۷

سال	۱۳۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷
موازنه ارزی کشور	۵۲۹	۵۶۵۱	۲۰۵۱/۱	۲۲۶۱/۱	۱۳۰۴/۶	۵۸۴/۵	۱۱۹۵/۱	۷۰۷/۹	۳۷۴۲/۱	۴۸۳/۱	-۱۷۹۳/۲

ماخذ: ترازنامه و گزارش اقتصادی بانک مرکزی

میلیارد ریال

جدول شماره ۴ کسر بودجه دولت طی سالهای ۶۸-۱۳۵۳

سال	۱۳۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸
کسر بودجه	۱۹۳.۸	۱۶۹.۸	۴۵۸	۶۰۸.۹	۵۲۸.۳	۹۷۲.۵	۹۲۷	۶۶۵.۵	۸۹۸/۶	۶۳۸/۸	۶۴۷	۱۴۴۹/۵	۱۴۶۹/۱	۱۲۶۹/۱	۲۱۲۵.۲	۱۱۴۲.۱

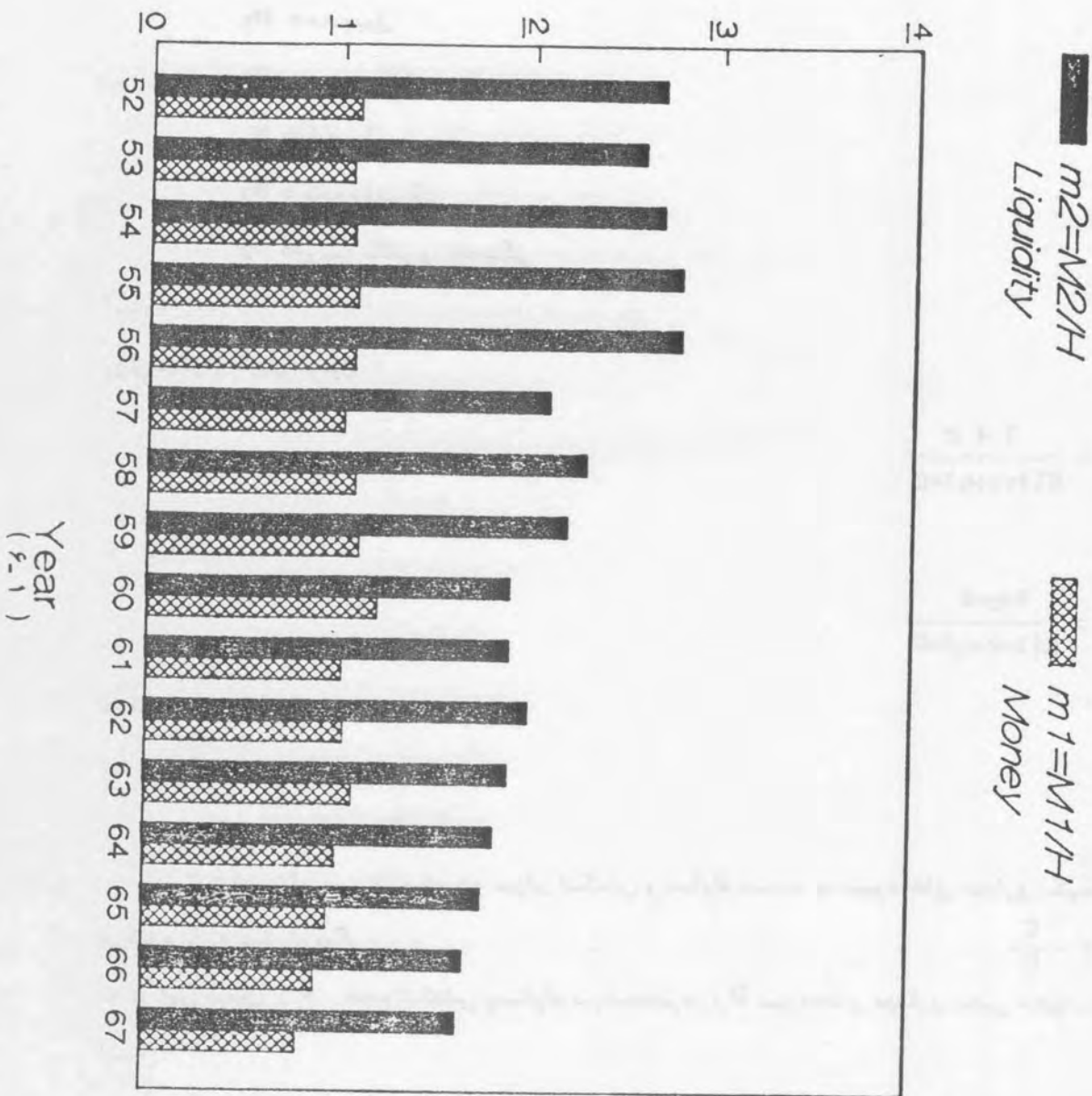
ماخذ: بودجه کل کشور

ضریب تکاثری پول و نقدینگی:

عامل مهم دیگر در افزایش عرضه پول و نقدینگی، ضریب تکاثری و نقدینگی است. ضریب تکاثری پول و نقدینگی نشان می دهد که در ازای افزایش هر واحد پایه پولی، عرضه پول و نقدینگی چه مقدار تغییر می کند.

محاسبه ضریب تکاثری پول و نقدینگی ایران برای سالهای ۶۷-۱۳۵۲ به دو روش در جدول شماره ۵ انجام گرفته است. محاسبات مربوطه نشان می دهد که ضریب تکاثری و نقدینگی طی سالهای مختلف پیش و بعد از انقلاب تغییرات اندکی (در مقایسه با تغییرات پایه پولی) داشته است.

نمودار شماره ۲: فریب تکاثری حجم پول و نقدینگی ، ۱۳۶۷ - ۱۳۸۲



ضریب تکاثر در روش اول از طریق رابطه :

$$M_1 = m_1 H \implies m_1 = \frac{M_1}{H}$$

$$M_2 = m_2 H \implies m_2 = \frac{M_2}{H}$$

محاسبه شده است، که در این فرمول :

$$M_1 = \text{حجم پول}$$

$$m_1 = \text{ضریب تکاثری پول}$$

$$H = \text{پایه پولی}$$

$$M_2 = \text{حجم نقدینگی}$$

$$m_2 = \text{ضریب تکاثری نقدینگی}$$

است .

روش دیگر از طریق فرمول :

$$m_1 = \frac{1 + c}{K(1+t+g)+c}$$

$$m_2 = \frac{1+c+t}{K(1+t+g)+c}$$

محاسبه شده است . که در فرمول فوق

$$m_1 = \text{ضریب تکاثری پول}$$

$$m_2 = \text{ضریب تکاثری نقدینگی}$$

c = که نشان می دهد مردم چه میزان اسکناس و مسکوک نسبت به سپرده های دیداری نگهداری

$$c = \frac{C}{D}$$

می کنند یا به عبارت دیگر :

که در این فرمول C حجم اسکناس و مسکوک در دست مردم و D سپرده های دیداری بخش خصوصی

است .

t = که نشان می دهد سپرده های غیر دیداری بخش خصوصی (سپرده های پس انداز و مدت دار) -

نسبت به سپرده های دیداری بخش خصوصی چه نسبتی را تشکیل می دهد، یا به عبارت دیگر $t = \frac{T}{D}$ که

T سپرده های غیر دیداری بخش خصوصی و D سپرده های دیداری بخش خصوصی است .

g = که نشان می دهد، سپرده های بخش دولتی نسبت به سپرده های دیداری بخش خصوصی چه

$$q = - \frac{G}{D}$$

میزان است یا عبارت دیگر .

که G سپرده‌های بخش دولتی و D سپرده‌های دیداری بخش خصوصی است .

$K =$ که نشان می‌دهد بانکها چه مقدار ذخیره نسبت به کل سپرده‌هایشان (دیداری، غیر دیداری

$$K = \frac{R}{D+I+G}$$

و سپرده‌های دولتی) نگهداری می‌کنند . یا عبارت دیگر

که R کل ذخائر بانکی (اسکناس و مسکوک نرد بانکی و سپرده‌های بانکی نزد بانک مرکزی) است .

برای شناختن اثرات هر کدام از متغیرهای فوق در ضریب تکاثر پول و یا نقدینگی، می‌بایست

مشتق ضریب تکاثر را نسبت به آن متغیر گرفت . با مشتق گیری و تعیین علامت کردن مشخص می‌شود که

افزایش k, t, q باعث کاهش ضریب تکاثری پول می‌شود و افزایش C بستگی به مقدار m دارد. تا

تعیین علامت کنیم که اثری افزایشی یا کاهش بر روی ضریب تکاثری دارد .

مقادیر محاسبه شده اجزای ضریب تکاثری پول و نقدینگی ایران برای سالهای ۱۳۵۲ الی ۱۳۶۷

در جدول شماره ۶ آورده شده است، که در این قسمت به بررسی آنها می‌پردازیم:

۱- نسبت ذخائر بانکی به سپرده‌های آنها (K)

این نسبت نشان می‌دهد که ذخائر بانکی چند درصد سپرده‌های آنها است . مقدار K تا سال ۱۳۶۰

ثابت و به میزان $0/2$ بوده است (به این معنی که ذخائر بانکی به اندازه ۲۰ درصد کل سپرده‌های

آنها بوده است) ولی از سال ۱۳۶۰ به بعد افزایش می‌یابد بطوریکه این نسبت در سال ۱۳۶۷ به 22%

می‌رسد .

ثبات k تا سال ۱۳۶۰ علیرغم افزایش نسبتهای قانونی به دلیل افزایش سهم سپرده‌های غیر-

دیداری بخش خصوصی در کل سپرده‌های بخش خصوصی است . (جدول ۸) . زیرا به دلیل پائین بودن

نسبت قانونی به سپرده‌های غیر دیداری (جدول شماره ۷) افزایش سهم سپرده‌های غیر دیداری تا

اندازه‌ای از اثرات افزایش نسبت قانونی کم کرده است . همچنین به دلیل رشد و گسترش تشدید

فعالیتهای اقتصادی پیش از انقلاب ، از سهم ذخائر آزاد بانکها در کل سپرده‌های بانکی نزد بانک

مرکزی کم شد (جدول شماره ۹) ، که این امر نیز سهم بسزائی در تعدیل اثرات ناشی از افزایش

نسبتهای قانونی بر ضریب K داشته است .

بعد از انقلاب همراه با افزایش نسبت قانونی ، از سهم سپرده‌های غیر دیداری نزد بانکها

کاسته و بر سهم سپرده‌های دیداری بخش خصوصی در کل سپرده‌های بخش خصوصی افزاینده و محدودیتها

اعتباری . به سهم ذخائر آزاد بانکی نزد بانک مرکزی شدت اضافه شد که این امر نیز باعث افزایش K

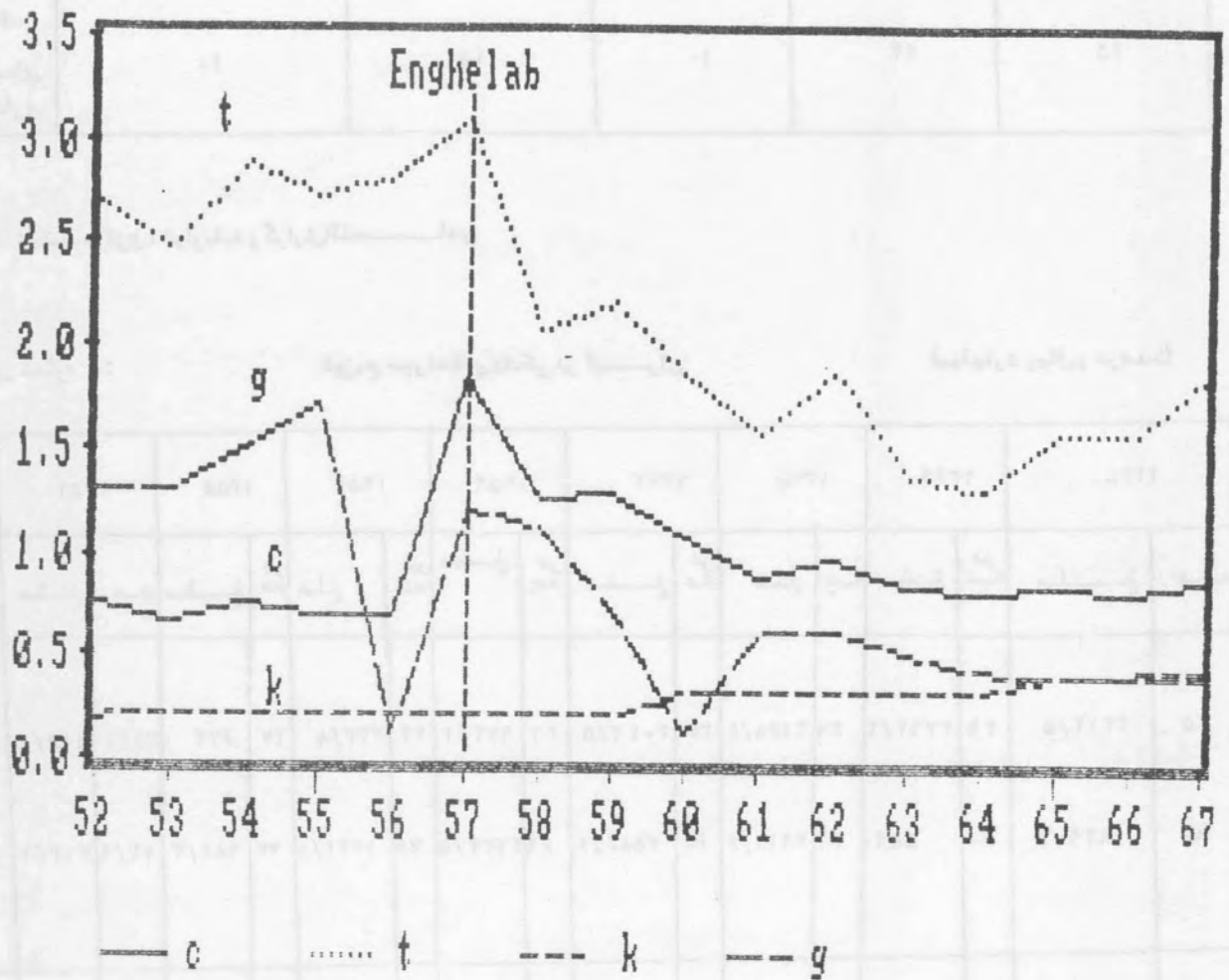
گردید . افزایش K نیز اثری کاهش در ضریب تکاثری پول و نقدینگی داشته است .

جدول شماره ۶: نسبت‌های k, g, t, c (اجزای ضریب تکاثر پول) و μ_1 (ضریب تکاثر پول) و μ_2 (ضریب تکاثر نقدینگی) برای سال‌های ۱۳۵۲-۶۷ (میلیارد ریال)

سال	C	D	$c = \frac{C}{D}$	T	$t = \frac{T}{D}$	G	$g = \frac{G}{D}$	K	μ_1	μ_2
۱۳۵۲	۶۸/۴	۱۱۶/۳	۰/۷۴	۳۱۳/۱	۲/۶۹	۱۵۳	۱/۳	۰/۲	۱	۲/۵
۵۳	۱۳۱/۲	۱۹۶	۰/۶۷	۴۸۲/۹	۲/۴۶	۲۵۹/۵	۱/۳	۰/۲	۱/۰۳	۲/۵
۵۴	۱۸۲/۲	۲۴۳/۳	۰/۷۵	۶۹۹	۲/۸۷	۲۵۹/۶	۱/۵	۰/۲	۰/۹۶	۲/۵
۵۵	۲۴۰/۲	۳۶۲	۰/۶۹	۹۸۲/۳	۲/۷۱	۶۳۱/۸	۱/۷	۰/۲	۰/۹۵	۲/۵
۵۶	۳۳۵/۵	۴۶۵	۰/۷	۱۳۰۶/۵	۲/۸۱	۴۶۲/۹	۰/۱	۰/۲	۱/۱۵	۳
۵۷	۸۰۲/۷	۴۳۳/۸	۱/۸۵	۱۳۴۲/۱	۳۷۰/۹	۵۲۱/۷	۱/۲	۰/۲	۰/۹۸	۲
۵۸	۹۲۷/۹	۷۳۷/۹	۱/۲۶	۱۸۸۴/۲	۲/۰۶	۸۳۷	۱/۱	۰/۲	۱/۰۳	۲/۲
۵۹	۱۳۳۱/۲	۹۷۲/۱	۱/۲۷	۲۱۳۴/۵	۲/۲	۶۹۶/۸	۰/۷	۰/۲	۱/۱۱	۲/۲
۶۰	۱۴۰۷/۲	۱۳۰۰/۳	۱/۰۸	۲۴۰۴/۲	۱/۸۴	۸۷۲/۳	۰/۱	۰/۳	۱/۰۶	۲
۶۱	۱۶۴۲/۶	۱۸۴۱/۳	۰/۸۹	۲۸۶۶/۸	۱/۵۶	۱۰۸۳/۱	۰/۶	۰/۳	۱/۰۳	۱/۹
۶۲	۱۸۵۶/۱	۲۰۱۳/۵	۰/۹۷	۳۵۸۶/۶	۱/۸۷	۱۲۲۰	۰/۶	۰/۳	۰/۹۸	۱/۹
۶۳	۲۰۴۸/۶	۲۵۰/۹	۰/۸۲	۳۴۰۹/۳	۱/۳۶	۱۳۸۳/۲	۰/۵	۰/۳	۱/۰۸	۱/۹
۶۴	۱۲۷۶/۳	۲۷۴۷/۳	۰/۷۹	۴۰۷۸/۵	۱/۲۸	۱۱۷۱	۰/۴	۰/۳	۱/۰۸	۱/۹۵
۶۵	۲۶۴۲/۴	۳۱۶۸/۶	۰/۸۳	۴۹۱۱/۶	۱/۵۵	۱۲۷۹/۹	۰/۴	۰/۴	۰/۹۱	۱/۷
۶۶	۳۰۸۴/۷	۳۷۹۴/۲	۰/۸۱	۵۸۹۰/۴	۱/۵۵	۱۵۳۳/۷	۰/۴	۰/۴	۰/۹۱	۱/۶۷
۶۷	۳۶۷۹/۸	۴۳۱۲/۵	۰/۸۵	۷۲۹۹/۵	۱/۸۴	۱۶۷۲/۲	۰/۳۹	۰/۴۲	۰/۸۴	۱/۶۷

مآخذ: محاسبه شده بر اساس گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی سال‌های مختلف

نمودار شماره (۳): روند تغییرات g و c و k و t طی سالهای ۱۳۵۲-۶۷



جدول شماره ۷: نسبت‌های سپرده‌های قانونی در ایران در سالهای مختلف (درصد)

سال سپرده	نسبت‌های سپرده‌های قانونی در ایران در سالهای مختلف (درصد)			
	۱۳۴۴	۱۳۵۲	۱۳۵۸	۱۳۶۲
سپرده‌های دیداری	۱۵	۲۵	۱۲	۲۴
سپرده‌های غیردیداری	۱۰	۱۵	۱۰	۲۲
(۱)	۱۳۶۴			

ماخذ: بانک مرکزی، ترازنامه و گزارش اقتصادی

جدول شماره ۸: توزیع سپرده‌های بانکی در ایران (میلیارد ریال و درصد)

سال سپرده	۱۳۵۲		۱۳۵۵		۱۳۵۷		۱۳۵۹		۱۳۶۲		۱۳۶۵		۱۳۶۶		۱۳۶۸	
	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد
دیداری	۱۱۶/۱	۲۷/۱	۶۳۲	۲۷	۴۳۳/۸	۲۴	۹۷۲/۱	۳۱	۲۰۱۳/۵	۳۶	۳۹۳۱۶۸/۶	۲۹	۲۷۹۴/۲	۳۹	۴۳۱۲/۵	۳۵
غیردیداری	۱۰۱۱۳/۱	۲۲/۹	۹۸۲/۳	۷۲	۱۲۴۲/۱	۷۶	۱۳۴۵/۵	۶۹	۳۵۸۶/۶	۴۶	۴۹۱۱/۶	۶۱	۵۸۹۰	۶۰	۷۹۲۹/۵	۶۵
جمع کل	۴۲۹/۴		۱۲۴۴/۹	۱۰۰	۱۷۷۵/۹	۱۰۰	۳۱۰۶/۶	۱۰۰	۳۵۸۶/۶	۱۰۰	۸۰۸۰/۲	۱۰۰	۹۶۸۴/۲	۱۰۰	۱۲۲۴/۲	۱۰۰

ماخذ: بانک مرکزی، گزارش اقتصادی و ترازنامه

(۱) لازم به تذکر است که این درصدها مربوط به بانکهای تجاری است، نسبت‌های قانونی سپرده‌های بانکهای تخصصی

بترتیب ۱۵ و ۱۲ درصد است، که در هر حال نسبت قانونی به سپرده‌های غیر دیداری کمتر است.

جدول شماره ۹ : توزیع سپرده‌های بانکها نزد بانک مرکزی به تفکیک قانونی و سایر

(به میلیارد ریال و درصد)

سال سپرده	۱۳۵۲		۵۴		۵۶		۵۷		۵۹		۶۱		۶۳		۶۵	
	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ
اقتانونی	۹۰	۷۴/۹	۸۹	۱۶۸	۸۲	۲۷۹/۵	۵۶	۱۷۴/۲	۴۳	۲۷۹/۶	۳۹	۶۲۴	۶۶	۱۳۶۸/۴	۵۷	۱۸۹۱/۳
۲-سایر دیداری و مدت دار	۱۰	۸/۲	۱۱	۲۱/۳	۱۸	۶۰/۵	۴۴	۱۲۸/۴	۵۷	۳۶۴/۳	۶۱	۹۷۳/۳	۳۴	۷۰۳/۷	۴۳	۱۴۱۱
جمع	۱۰۰	۸۳/۱	۱۰۰	۸۹/۳	۱۰۰	۴۴۰	۱۰۰	۳۰۲/۶	۱۰۰	۶۴۳/۹	۱۰۰	۱۵۹۷/۳	۱۰۰	۲۰۷۲/۶	۱۰۰	۲۳۰۲/۳

ماخذ: ترازنامه و گزارش اقتصادی بانک مرکزی

۲- نسبت میان اسکناس و سپرده های دیداری بخش خصوصی (c)

نسبت c طی دوره پیش از انقلاب در حدود ۷/، تقریباً ثابت بوده است و در سه ساله ۱۳۵۷، ۱۳۵۹ و ۱۳۵۸ به شدت یاد شده است که این امر به دلیل اعتماد به سیستم بانکی و تمایل مردم به نگهداری و مسکوک است که خاصیت نقدینگی بیشتری دارد می باشد. نسبت c از سال ۱۳۶۰ به بعد در حدود ۰/۸ تقریباً ثابت باقی مانده است، که به دلیل اعتماد دوباره به سیستم بانکی بوده است.

نسبت c نیز یکی از عوامل بسیار مهم در ضریب تکاثری پول است که تابعی از تصمیمات بخش خصوصی است. نسبت c نشان میدهد که بخش خصوصی نیز با تغییر رفتار خود مبنی بر کم یا زیاد کردن نسبت c می تواند بر حجم پول و نقدینگی اثر بگذارد.

نسبت c همچنین تابعی از تحولات و ساختار اجتماعی و اقتصادی هر جا میباشد که با گسترش سیستم بانکی و عدم وجود تنشهای شدید اجتماعی، براج کارتهای اعتباری و ... نسبت c کاهش می یابد.

۳- نسبت سپرده های غیردیداری به سپرده های دیداری بخش خصوصی (t)

این نسبت نیز بعد از انقلاب در مقایسه با پیش از انقلاب کاهش داشته است، و کاهش t می دانیم که باعث افزایش ضریب تکاثر پول می شود. افزایش t پیش از انقلاب به دلیل رشد اقتصادی و امکان پس انداز مردم از یک طرف و همچنین وجود نرخهای بهره بیشتر بر سپرده های غیردیداری (که در نتیجه باعث بالا رفتن سهم این سپرده ها در کل سپرده های بخش خصوصی شده) بوده است. بعد از انقلاب به دلیل اعتماد کمتر سپرده گذاران نسبت به تحولات پولی و اقتصادی کشور، سپرده گذاران ترجیح داده اند که سپرده هایشان را بیشتر به صورت دیداری که خاصیت نقد شوندگی بیشتری دارد، نگهداری کنند، در نتیجه عوامل قوق، نسبت t بعد از انقلاب با کاهش روبرو بوده است.

۴- نسبت سپرده های بخش دولتی به سپرده های دیداری بخش خصوصی (9)

این نسبت نیز که بطور کلی تابعی از وضعیت مالی دولت است، بعد از انقلاب به دلیل کسری بودجه دولت، کاهش داشته است.

بررسی اهمیت نسبی پایه پولی و ضریب تکاثری پول و نقدینگی در تحولات عرضه پول و نقدینگی ایران طی سالهای ۶۷-۱۳۵۲

گشتیم که عرضه پول و نقدینگی تابعی از ضریب تکاثری پول و پایه پولی است.

$$\begin{aligned} M_1 &= m_1 H \\ M_2 &= m_2 H \end{aligned}$$

فرمولهای فوق را می توان به صورت درصد رشد (تغییرات) نوشت.

$$\begin{aligned} \dot{M}_1 &= \dot{m}_1 + \dot{H} \\ \dot{M}_2 &= \dot{m}_2 + \dot{H} \end{aligned}$$

که علامت نقطه (۰) در بالای هر کدام از حروف بیانگر درصد رشد است.

محاسبات مربوط به ایران طی سالهای ۶۷-۱۳۵۲ در جدول شماره ۱۰ آورده شده است. جدول فوق نشان میدهد که ضریب تکاثر نقدینگی طی سالهای ۶۷-۱۳۵۲، در فاصله ۱/۶۴ تا ۲/۸۶ تغییر کرده است و اگر چه از لحاظ عددی مقدار این تغییرات کم و در حدود ۱/۲۲ می باشد، اما

جدول شماره ۱۰: پایه پولی، حجم پول نقدینگی، ضریب تکاثری پول و نقدینگی و درمدهای رشد آنها برای سالهای ۱۳۵۲-۶۵ (میلیارد ریال)

سال	پایه پولی H	حجم پول M ₁	حجم نقدینگی M ₂	ضریب تکاثری پول M ₁	ضریب تکاثری نقدینگی M ₂	درصد رشد H	درصد رشد M ₁	درصد رشد M ₂	درصد رشد M ₁	درصد رشد M ₂
۱۳۵۲	۱۸۸/۳	۲۰۲/۷	۵۱۵/۸	۱/۰۸	۲/۷	-	-	-	-	-
۵۳	۳۱۰/۹	۳۳۵/۲	۸۱۳/۷	۱/۲۵	۲/۶۱	۶۵	۶۱/۴	۵۶/۴	۲/۷	-۳/۷
۵۴	۴۱۹/۶	۴۳۹/۵	۱۱۴۹/۵	۱/۰۶	۲/۷۳	۳۵	۳۶/۶	۴۱/۴	۰/۹۵	۳/۸
۵۵	۵۶۶/۹	۶۱۰/۶	۱۶۳۵/۷	۱/۰۸	۲/۸۶	۳۵	۶۶/۹	۳۹/۱	۱/۹	۳/۷
۵۶	۷۳۸/۶	۷۹۰/۴	۲۱۳۹/۴	۱/۰۷	۲/۸۹	۳۰	۳۹/۳	۳۱/۶	۰/۹۲	.
۵۷	۱۲۰۹/۸	۱۲۳۶/۵	۳۵۷۸/۶	۱/۰۲	۲/۱۳	۶۴	۵۶/۴	۲۳	۴/۷	-۲۵
۵۸	۱۵۴۳	۱۶۶۵/۸	۳۶۲۸/۳	۱/۰۸	۲/۳۵	۲۸	۳۴/۷	۳۷/۷	۵/۹	۹/۵
۵۹	۱۹۸۸/۷	۲۲۰۳/۳	۴۵۰۸/۱	۱/۱	۲/۲۶	۲۹	۳۳/۳	۲۲/۲	۱/۹	-۴/۳
۶۰	۲۶۵۴/۹	۲۷۰۷/۵	۵۳۳۶/۸	۱/۰۲	۱/۹۷	۳۳	۳۲/۹	۱۷/۸	-۷/۳	۱۳/۶
۶۱	۳۴۰۵/۹	۳۴۸۳/۹	۶۴۳۰/۷	۱/۰۲	۱/۸۸	۲۸	۲۸/۷	۲۴/۲	.	۴/۳
۶۲	۳۷۵۳/۷	۳۶۹۹/۶	۷۵۱۴/۴	۱/۰۳	۲/۰۰	۱۰/۲	۱۱/۱	۱۸/۳	۰/۹۸	۷/۵
۶۳	۴۲۳۹/۵	۴۵۵۷/۶	۷۹۶۶/۹	۱/۰۸	۱/۸۷	۱۳	۱۷/۸	۶	۴/۹	۵
۶۴	۴۹۰۹/۲	۴۹۲۳/۶	۹۰۰۲/۱	۱	۱/۸۳	۱۶	۸	۱۳	-۷/۴	-۳/۷
۶۵	۶۰۶۲/۱	۵۸۱۱	۱۰۲۲۲/۶	۰/۹۶	۱/۷۶	۲۳	۱۸	۱۸/۹	-۴	-۳/۳
۶۶	۷۵۴۲	۶۷۷۶/۸	۱۳۶۶۸/۲	۰/۹	۱/۶۷	۲۴	۱۷	۱۸	-۶	۵
۶۷	۹۵۱۹/۵	۷۷۵۸/۰	۱۵۶۸۷/۵	۰/۸	۱/۶۴	۲۶	۱۴	۲۴	-۱۱	-۱/۸

$$* m_1 = \frac{M_1}{H}$$

$$** m_2 = \frac{M_2}{H}$$

همین مقدار موجب تغییرات زیادی در حجم نقدینگی شده است. با این وجود می توان گفت که تغییر در حجم نقدینگی از طریق تغییر در پایه پولی بمراتب بیشتر از تغییر در ضریب تکاثر بوده است.

در جدول زیر سهم رشد پایه پولی و ضریب تکاثری پول و نقدینگی در رشد حجم پول و نقدینگی آورده شده است. (۱)

جدول شماره ۱۱-سهم رشد پایه پولی و ضریب تکاثری پول در رشد

حجم پول و نقدینگی ایران (درصد)

سال	۵۴	۵۵	۵۶	۵۸	۵۹	۶۱	۶۲	۶۳
H	۹۶	۹۵	—	۸۳	۹۰	۱۰۰	۹۰	۷۳
m 1	۴	۵	—	۱۷	۱۰	۰	۱۰	۲۷
M 1	۱۰۰	۱۰۰	—	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
H	۸۵	۹۰	۱۰۰	۷۴	—	—	۵۶	—
m2	۱۵	۱۰	۰	۲۶	—	—	۴۴	—
M2	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	—	—	۱۰۰	—

کنترل بانک مرکزی بر عرضه پول در کشور

برای بررسی این مسئله که بانک مرکزی تا چه حد بر عرضه پول کشور کنترل دارد باید به بررسی کنترل بانک مرکزی بر اجزاء عرضه پول کشور پرداخت. همانطوریکه در بخشهای قبلی گفته شد، عرضه پول متاثر از دو جزء مهم پایه پولی و ضریب تکاثر پولی است و بررسی در مورد عرضه پول ایران نشان داد که پایه پولی مهمترین عامل تعیین کننده عرضه پول کشور طی سالهای اخیر بوده است.

بررسی اجزاء پایه پولی (از دید منابع) طی سالهای اخیر نشان داد که دو جزء خالص دارائیهای خارجی و خالص بدهیهای بخش دولتی به بانک مرکزی مهمترین اجزاء (در حدود ۹۰ - ۸۵ درصد) پایه پولی ایران را طی سالهای اخیر تشکیل داده و بدهی بانکها به بانک مرکزی سهم کمی از پایه پولی را تشکیل داده است.

(۱) این جدول برای سالهایی که رشد ضریب تکاثری پول و نقدینگی مثبت بوده، تنظیم شده است و مشخص است که برای سالهایی که این ضرائب منفی بوده، ضریب تکاثری پول نقدینگی اثری کاهشی در افزایش پول نقدینگی جامعه داشته است.

از سه جز، پایه پولی، تنها بدهی بانکها به بانک مرکزی است که در کنترل بانک مرکزی است و بانک مرکزی می‌تواند بر آن اثر بگذارد و دوجز، دیگر (خالص داراییهای خارجی و خالص بدهی بخش دولتی) کاملاً از حیطه کنترل بانک مرکزی خارج است، زیرا بانک مرکزی همه ساله ناگزیر از خرید مقادیر زیادی ارز (عمدتاً از محل صادرات نفت) و اوراق قرضه دولتی (ناشی از کسر بودجه دولت) از طریق انتشار پایه پولی جدید بوده است. از آنجاکه این دو عامل که خارج از کنترل بانک مرکزی است، سهم زیادی در پایه پولی کشور داشته است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، که بانک مرکزی کنترل کمی بر پایه پولی کشور (که مهمترین عامل تغییرات عرضه پول کشور است) دارد.

به دلیل عدم کنترل بانک مرکزی بر پایه پولی، تلاشهای بانک مرکزی در سالهای اخیر در جهت اثر گذاشتن بر ضریب تکاثری پول متمرکز شده است. این کار نیز از طریق افزایش نسبتهای قانونی، افزایش نرخ سود تضمین شده بر سپرده های غیر دیداری و محدودیتهای اعتباری برای بانکها، صورت گرفته است. تلاشهای بانک مرکزی در این مورد نیز به دلیل واکنش رفتار بخش خصوصی خنثی شده است و در نتیجه ضریب تکاثری پول طی سالهای اخیر کاهش چندانی نیافته و نتوانسته است عرضه پول کشور را کم کند و تحت کنترل بانک مرکزی در آورد.

بخش خصوصی با افزایش نسبت اسکناس و مسکوک به سپرده های دیداری (C) و کاهش نسبت سپرده های غیر دیداری به سپرده های دیداری موجبات خنثی کردن تصمیمات دولت در مورد بالا بردن نسبت قانونی و دیگر تصمیمات در مورد کاهش ضریب تکاثری پول را فراهم آورده است

(جدول شماره ۶)

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که بخش دولتی با برخورداری از اختیارات کامل در ارتباط با تصمیمات ارزی (میزان صادرات نفت) و بودجه کشور بعنوان تنها مرجع برای کنترل عرضه پول در ایران باقی مانده است. بعبارت دیگر سیاستهای پولی تابع سیاستهای مالی بوده است.

نتیجه گیری و اعمال سیاست

باتوجه به مباحث ارائه شده در این بخش می‌توان نتیجه گرفت که تصمیم گیری در مورد حجم مناسب پول و نقدینگی کشور (۱) در گرو اقدامات دولت و رفتار بخش خصوصی است. دولت می‌تواند با اعمال سیاستهای صحیح و مناسب بودجه ای و صادرات نفت به تنظیم حجم مناسب و مطلوب پول و نقدینگی کشور بپردازد.

(۱) بررسی حجم مناسب پول و نقدینگی کشور احتیاج به بررسی و تحقیق جداگانه ای دارد که می‌باید باتوجه به متغیرهای اقتصادی کشور در این باره تصمیم گیری کرد.

همچنین دولت می تواند با ایجاد ثبات اقتصادی و اجتماعی و ایجاد انتظارات امید بخش برای آینده اقتصادی و اجتماعی ایران، رفتار بخش خصوصی را در جهت اعمال رفتار صحیح و مناسب برای سیاستهای پولی تغییر دهد. سیاستهای دولت از طریق تغییر رفتار بخش خصوصی در مورد نسبت c (نسبت حجم اسکناس و مسکوک به سپرده های دیداری بخش خصوصی) و t (نسبت سپرده های غیر دیداری به سپرده های دیداری بخش خصوصی) بر ضریب تکاثر پول و نقدینگی تاثیر میگذارد.

عدم توجه به تنظیم سیاستهای مالی توسط دولت و عدم هماهنگی رشد پول و نقدینگی با رشد تولیدات ملی کشور و ظرفیت تولیدی جامعه، موجبات بروز تنگناهای متعدد و ایجاد فشارهای گوناگون بر اقتصاد ملی را فراهم می آورد و در نهایت کشور را در چرخه عقب ماندگی و رشد روزافزون تنگناهای اساسی ننگ خواهد داشت.

بخش دوم: "بررسی منابع و مصارف بانکهای تجاری و تخصصی"

بررسی منابع و مصارف سیستم بانکی نشان می دهد که ترکیب منابع و مصارف بانکهای تجاری و سهم اجزاء آن در دو مقطع ۵۲ و ۵۸ دستخوش تحول شده است. خلصت عمده سیستم بانکی در سالهای قبل و بعد از انقلاب افزایش شدید سپرده های بخش خصوصی است بطوریکه در سالهای ۵۲ و ۵۸ سهم سپرده های بخش خصوصی در کل منابع بانکها بطور قابل ملاحظه ای افزایش یافته است. پس از انقلاب از سهم بدهیهای خارجی بانکهای تجاری و تخصصی کاسته و بر حجم بدهی بانکهای تخصصی به بانک مرکزی افزوده شد و بدلیل تمرکز قسمت اعظم سپرده های بخش خصوصی نزد بانکهای تجاری از نیاز این بانکها به استقراض از بانک مرکزی کاسته شد. در همین راستا لازم بذکر است که در سال ۱۳۶۰، ۹۳ درصد از کل منابع سپرده ای، نزد بانکهای تجاری متمرکز شده بود و تنها ۷ درصد نزد بانکهای تخصصی قرار داشت.

بطور کلی اگر در سالهای قبل و بعد از انقلاب منابع و مصارف بانکها مقایسه شود این خلصت آشکار می شود که در سالهای قبل از انقلاب (۱۳۵۲ به بعد) علیرغم افزایش سپرده های بخش خصوصی، مصارف بانکها فراتر از منابع آزاد آنها بود و لذا همواره بانکها با کسری منابع مواجه بودند، چنانکه بانکها تجاری در سال ۵۵ و ۵۶ بترتیب ۱۹۸/۳ و ۱۴۷/۴ میلیارد ریال کسری داشتند، و در همین راستا بانک مرکزی بعضاً "با اعمال سیاستهای پولی انبساطی دست بانکها را در اعطای اعتبارات باز می کرد. برای مثال در سال ۱۳۵۳ نسبت سپرده های قانونی و نسبت خرید اوراق قرضه از محل سپرده های بخش خصوصی و همچنین نرخ تنزیل مجدد کاهش یافت^(۱)، اما در سالهای پس از آن (در صفحات بعد سیاستهای پولی و وثق به تفصیل مورد بحث قرار می گیرد.

از انقلاب و تا سال ۱۳۶۷ سپرده های بخش خصوصی آنچنان افزایش یافت که حتی با اعمال سیاستهای انقباضی و تعیین حد مجاز اعتباری، منابع آزاد بانکها فراتر از مصارف آنها بوده. و همواره بانکهای تجاری مازاد داشته است، بطوریکه مازاد بانکهای تجاری از ۱۱۲ میلیارد در سال ۱۳۵۷ به ۱۹۸۴/۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ افزایش یافت.

در قسمت بعدی، منابع و مصارف بانکهای تجاری و تخصصی و اجزاء آن در طی سالهای ۵۳ به بعد و باتاکید بیشتر بر سالهای پس از انقلاب بررسی می شود.

۱- منابع بانکهای تجاری و تخصصی

منابع بانکهای تجاری و تخصصی به منابع سپرده ای و غیر سپرده ای تفکیک می شود. منابع سپرده ای حقیقت همان سپرده های بخش خصوصی نزد بانکها است که خود بدو قسمت دیداری و غیر دیداری تقسیم می شود. (۱) سایر منابع بانکها عبارتند از بدهی به بانک مرکزی، سپرده و وجوه بخش دولتی، حساب سرمایه و بدهیهای خارجی

۱-۱- سپرده های بخش خصوصی

از سال ۱۳۵۳ به بعد همراه با افزایش درآمدهای نفتی نقش دولت در امور اقتصادی افزایش یافت و بواسطه آثار تکاثری سیاستهای انبساطی مالی که همواره باکسری نیز توأم بود حجم نقدینگی بخش خصوصی بشدت افزایش یافت. براین اساس سهم سپرده های بخش خصوصی نزد بانکهای تجاری و تخصصی در کل منابع این بانکها افزوده شد. سپرده های بخش خصوصی نزد بانکهای تجاری از ۴۰۷/۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۲ به ۱۶۷۱/۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ افزایش یافت و در همین مدت سپرده بخش خصوصی نزد بانکهای تخصصی از ۲۴ میلیارد ریال به ۱۳۹/۱ میلیارد ریال افزایش یافت. با بروز ناآرامیهای سیاسی در سال ۱۳۵۷ و هجوم صاحبان سپرده ها به بانکها جهت برداشت از حسابها، بشدت از رشد سپرده های بخش خصوصی کاسته شد بطوریکه سپرده های بخش خصوصی نزد بانکهای تجاری بارشده منفی (نزدیک به صفر) از ۱۶۷۶ میلیارد ریال در سال ۵۶ به ۱۶۷۱/۶ میلیارد ریال در سال ۵۷ کاهش یافت. با بازگشت اعتماد عمومی به سیستم بانکی و همسو با افزایش درکسری بودجه بر حجم سپرده ها نقدینگی بخش خصوصی همسو با کسری بودجه افزوده شد چنانکه جدول (۱) نشان می دهد سپرده های

(۱) در سال ۱۳۶۳ با تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا، سپرده ها قرض الحسنه جاری و قرض الحسنه پس انداز و سپرده های سرمایه گذاری کوتاه مدت و بلند مدت تقسیم بندی شد ولی در عین حال تقسیم بندی آنها بر حسب دیداری و غیر دیداری بقوت خود باقی است.

بخش خصوصی نزد بانکهای تجاری در سال ۶۷ بارشده معادل ۴۷ درصد نسبت به سال ۵۷ به ۲۴۶۶/۶ میلیارد ریال رسید و سهم آن در تامین منابع بانکهای تجاری از ۸۴ درصد در سال ۵۷ به ۸۹ درصد در سال ۵۸ رسیده لازم به تاکید مجدد است که در طی این سالها اکثر سپرده های بخش خصوصی نزد بانکهای تجاری متمرکز شده است بطوریکه در جداول شماره (۱) و (۲) دیده می شود در سال ۶۷ میزان آن نزد بانکهای تجاری ۱۱۶۳۳/۲ میلیارد ریال است که ۱۹ برابر حجم سپرده های بخش خصوصی نزد بانکهای تخصصی است (۶۰۸/۸ میلیارد ریال) در سالهای پس از انقلاب بواسطه نیاز هدایت اقتصاد در مسیر رشد و توسعه و تاکید قانون اساسی بر دخالت دولت در امور اقتصادی روند رشد هزینه های دولت ادامه یافت و در همین راستا بر سهم کسری بودجه نسبت به کل هزینه افزوده شد. چنانکه در سال ۱۳۶۷ هزینه های دولت ۲ برابر درآمدها بود و میزان استقرار از سیستم بانکی به ۱۹۷۱ میلیارد ریال افزایش یافت که خود سبب افزایش سریع نقدینه بخش خصوصی و سپرده های این بخش نزد بانکها بخصوص بانکهای تجاری شد.

۲-۱- منابع مسدود

منابع مسدود که در حقیقت، بخشی از مصارف بانکهاست عبارتند از اسکناس و مسکوک نزد بانکها، سپرده قانونی و اوراق قرضه. بانکها موظفند با توجه به مصوبات شورای پول و اعتبار درصدی از مانده سپرده های بخش خصوصی را تحت عنوان سپرده قانونی در بانک مرکزی نگه دارند و درصدی از مانده سپرده های بخش خصوصی را مصرف خرید اوراق قرضه دولتی کنند. بر این اساس بانکها قادر نخواهند بود بر تمامی منابع سپرده ای عملیات اعتباری انجام دهند و صرفاً " بر آن قسمت از منابع که آزاد است قدرت مانور دارند.

همانطور که قبلاً " عنوان شد در سال ۱۳۵۳ سپرده های بخش خصوصی تحت تاثیر هزینه عمرانی و جاری دولت شروع به گسترش کرد و بواسطه رونق اقتصادی و تمایل دولت به افزایش وام و اعتبار به بخش خصوصی، بانک مرکزی سیاست انبساطی پولی را در پیش گرفت بترتیبی که نسبت سپرده قانونی از محل سپرده های دیداری نزد بانکها از ۳۰ درصد به ۲۵ درصد و نسبت سپرده قانونی از محل سپرده های غیر دیداری نزد بانکها از ۱۵ درصد به ۱۲ درصد و نسبت خرید اوراق قرضه از محل سپرده های پس انداز و مدت دار از ۵۰ درصد در سال ۱۳۵۲ به ۳۰ درصد در سال ۵۳ کاهش یافت. اما علیرغم آن منابع اعتباری بانکها قادر به تامین مصارف آنها نبود و بانکها جهت تامین کسری منابع متوسل به استقرار از بانک مرکزی و بازارهای پولی بین المللی می شدند.

در بخش ۱-۱ اشاره شد که در سال ۱۳۵۷ سیستم بانکی با بحران هجوم صاحبان سپرده جهت برداشت - مواجه شد لذا جهت جلوگیری از ورشکستگی بانکها شورای پول و اعتبار در دونوبت نسبتهای قانونی را کاهش داد. ابتدا نسبت سپردههای قانونی از بابت سپردههای دیداری به ۱۵ درصد و از محل سپردههای غیردیداری به ده درصد کاهش داده شد و بر این اساس حدود ۱۲۰ میلیارد ریال از منابع مسدود بانکها آزاد شد و در مرحله بعد نسبت سپرده قانونی از بابت سپردههای دیداری به ۱۲ درصد کاهش یافت. نتیجه اعمال سیاستهای فوق این بود که حجم سپرده قانونی بانکهای تجاری از ۲۷۰/۲ میلیارد ریال در سال ۵۶ به ۱۶۵/۵ میلیارد ریال در سال ۵۷ کاهش یافت و همچنین بواسطه عدم الزام به خرید اوراق قرضه دولتی حجم اوراق قرضه نگهداری شده توسط بانکهای تجاری از ۳۹۸/۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ به ۲۵۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ رسید. در مجموع ۳۳۴ میلیارد ریال از منابع مسدود بانکها آزاد شد و با توجه به درپیش گرفتن سیاست تحدید اعتباری ملاحظه شد که علیرغم رشد سپردههای بخش خصوصی، کسری بانکهای تجاری از ۱۴۷/۴ میلیارد ریال در سال ۵۶ به ۱۱۲/۲ میلیارد ریال در سال ۵۷ کاهش یافت. (۱)

در سالهای پس از انقلاب و بعد از پشت سرگذاشتن بحران فوق حجم سپردههای بخش خصوصی با رشدی فراتر از قدرت جذب اقتصاد افزایش یافت و بر این اساس بانک مرکزی بمنظور جلوگیری از فشارها توری با اعمال سیاستهای انقباضی پولی کوشش نمود که با مسدود کردن منابع بانکها از حجم منابع آزاد و گسترش عملیات اعتباری بانکهای تجاری و تخصصی بکاهد اما علیرغم کوشش فوق منابع آزاد همواره افزایش می یافتند بطوریکه در فاصله سالهای ۵۹ تا ۶۷ حجم منابع آزاد از محل سپردههای بخش خصوصی نزد بانکهای تجاری از ۱۱۴۳/۵ میلیارد ریال در سال ۵۷ به ۲۳۷۶/۲ میلیارد ریال در سال ۶۷ افزایش یافت.

در تاریخ ۱/۶/۱۳۶۰ شورای پول و اعتبار نسبت سپرده قانونی از محل سپردههای دیداری را از ۱۲ درصد به ۱۷ درصد و نسبت مزبور از محل سپردههای غیردیداری از ده درصد به پانزده درصد افزایش داد و دوباره در سال ۱۳۶۲ نسبت مزبور برای سپردههای دیداری نزد بانکهای تجاری از ۱۷ درصد به ۲۷ درصد و در مورد سپردههای غیردیداری از ۱۵ درصد به ۲۵ درصد افزایش یافت. بر این اساس سپردههای قانونی در سالهای بعد از انقلاب از رشد چشمگیری برخوردار شدند بطوریکه حجم سپردههای قانونی بانکهای تجاری نزد بانک مرکزی از ۱۶۵/۵ میلیارد ریال در سال ۵۷ به ۲۸۳۶/۱ میلیارد ریال در سال ۶۷ افزایش یافت. علاوه بر این با توجه به الزام بانکها به خرید اوراق قرضه دولتی (بخصوص بعد از سال ۱۳۶۳) حجم اوراق قرضه نگهداری شده توسط بانکهای تجاری از ۲۵۹ میلیارد ریال در سال ۵۷ به ۱۱۹۳/۵ میلیارد ریال در سال ۶۷ افزایش یافت. در مجموع میتوان اظهار داشت علیرغم افزایش نسبتهای قانونی و الزام بانکها به خرید اوراق قرضه از منابع آزاد بانکها پس از انقلاب فراتر از رشد مصارف نبوده و بانکهای تجاری همواره دارای مازاد بوده اند.

(۱) برای اطلاع بیشتر به گزارش " تحولات اقتصادی کشور بعد از انقلاب " اداره بررسیهای اقتصادی

۱-۳ سایر منابع (منابع غیرسپرده ای)

در صفحات قبل اشاره شد علیرغم افزایش حجم سپرده های بخش خصوصی در سالهای قبل از - انقلاب معهدا بانکها بمنظور پاسخ به تقاضای وام و اعتبار متکی به وجوه و کمکهای دولتی، مجبور به استقراض از بانک مرکزی و استفاده از وامهای خارجی بودند. با توجه به جدول شماره (۱۴) ملاحظه میشود بدهی خارجی بانکهای تخصصی و تجاری از ۷۵/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۳ به ۲۶۸/۶ میلیارد ریال در سال ۵۷ افزایش یافت و در همین مدت بدهی بانکهای تخصصی به بانک مرکزی از ۴/۴ میلیارد ریال به ۱۳۱/۴ میلیارد ریال رسید و بدهی بانکهای تجاری از ۳۳/۷ میلیارد ریال به ۶۲/۸ میلیارد ریال افزایش یافت.

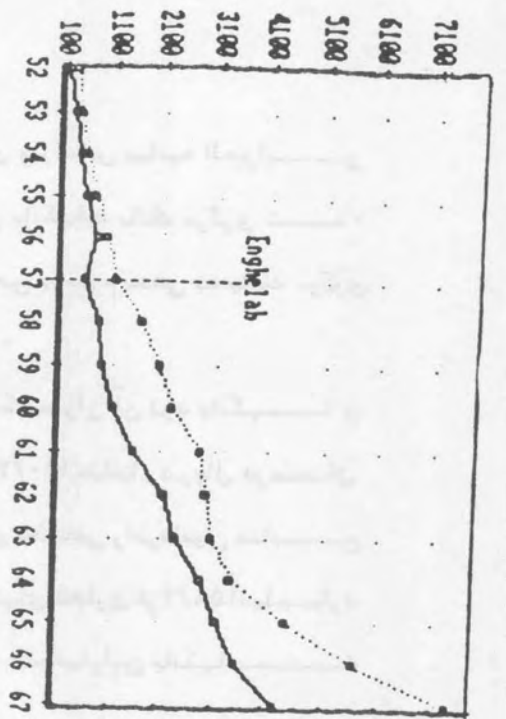
جدول شماره (۱۴) - وضعیت بدهی بانکهای تخصصی و تجاری

میلیارد ریال					سال	نوع بدهی
۵۷	۵۶	۵۵	۵۴	۵۳		
۲۶۸/۶	۲۵۲/۲	۲۰۰/۱	۱۲۷	۷۵/۵	بدهی خارجی بانکهای تخصصی و تجاری	
۱۳۱/۴	۹۰/۵	۵۲/۹	۲۶	۴/۴	بدهی بانکهای تخصصی به بانک مرکزی	
۶۲/۸	۸۴/۴	۹۶/۲	۷۲/۷	۳۳/۷	بدهی بانکهای تجاری به بانک مرکزی	

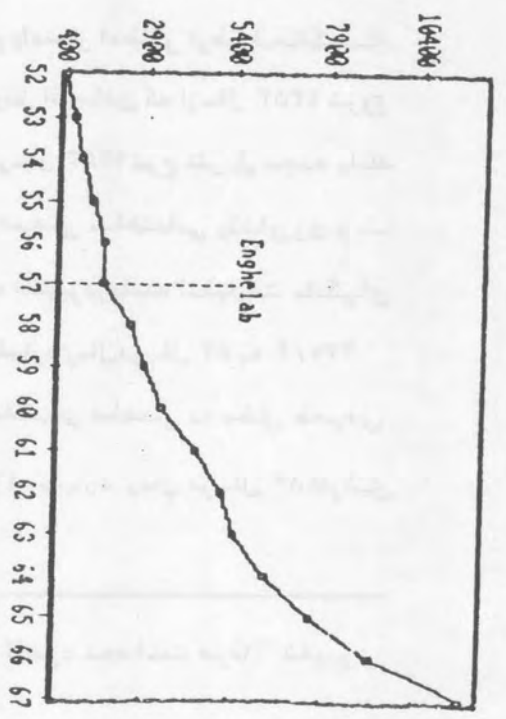
ماخذ: سالنامه آماری کشور سالهای ۵۶/۵۹/۶۲ سازمان برنامه و بودجه مرکز آمار ایران
روند مزبور در مورد بانکهای تخصصی در سالهای پس از انقلاب ادامه یافت بطوریکه حجم بدهی آنها به بانک مرکزی در سال ۱۳۶۳ به ۴۱۹/۸ میلیارد ریال رسید، که این امر عمدتاً " بخاطر کاهش استفاده از وامهای خارجی و افزایش نقش بانک مرکزی در ارائه کمک به بانکهای تخصصی جهت رشد و توسعه فعالیتهای تولیدی بود." (۱)

در سالهای پس از انقلاب بواسطه درپیش گرفتن سیاست عدم وابستگی به منابع پولی بین المللی از سهم بدهیهای خارجی در کل منابع بانکها بمرور کاسته شد بطوریکه بدهیهای خارجی بانکهای تخصصی که در سال ۱۳۵۷ برابر با ۱۷۵/۵ میلیارد ریال بود در سال ۱۳۶۴ معادل صفر شد.

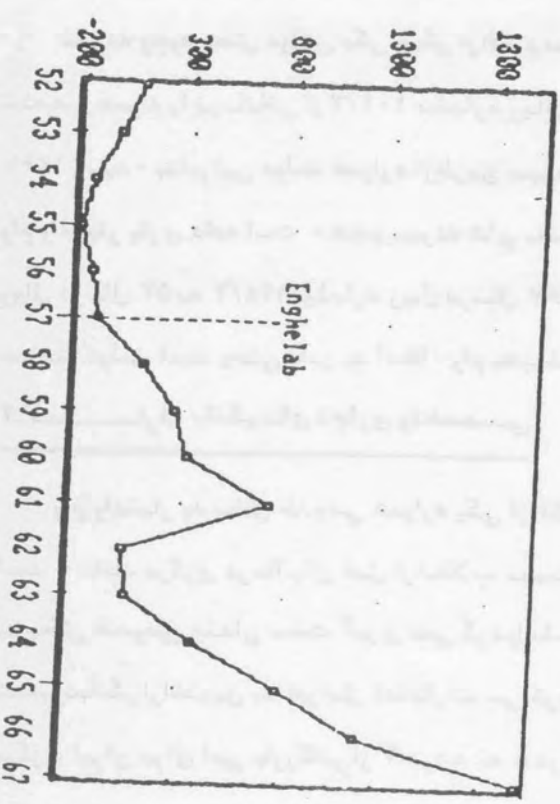
(۱) به جدول شماره ۱۴ مراجعه کنید.



نمودار شماره (۵) : روند تغییرات منابع مسترد و منابع آزاد بانکیهای تجاری از محل سپرده های بخش خصوصی



نمودار شماره (۴) : روند تغییرات سپرده های بخش خصوصی نزد بانکیهای تجاری



نمودار شماره (۶) : روند تغییرات مازاد منابع بانکیهای تجاری

بدهیهای خارجی بانکهای تخصصی از محل منابع ارزی بانک مرکزی و براساس بیانیه الجزایر — امکانپذیر شد. این امر همانطور که نکرشد منجر به افزایش بدهی این بانکها به بانک مرکزی شد. در مجموع میتوان اظهار داشت که همراه با کاهش سهم بدهیهای خارجی بر سهم بدهی به بانک مرکزی و سپرده های بخش خصوصی در کل منابع بانکهای تخصصی افزوده شد.

سپرده وجوه بخش دولتی یکی دیگر از اقلام منابع بانکها است که میزان آن نزد بانکهای تخصصی همراه با نوساناتی از ۱۰۱/۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ به ۱۴۰/۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ رسید. بنابراین دولت همواره از طریق سپرده گذاری، بانکهای تخصصی را در تامین منابع وام و اعتبار یاری داده است. حجم سپرده های بخش دولتی نزد بانکهای تجاری از ۱۵۸/۱ میلیارد ریال در سال ۵۷ به ۱۳۸/۷ میلیارد ریال در سال ۶۷ رسید که خود موجد عدم نیاز این بانکها به حمایت دولت است و حتی قادر به اعطاء وام به بخش دولتی نیز است.

۲- مصارف بانکهای تجاری و تخصصی

وام و اعتبار به بخش خصوصی همواره یکی از اقلام عمده مصارف بانکهای تجاری و تخصصی بود — است. بانک مرکزی در سالهای قبل از انقلاب نسبت به اعطاء وام و اعتبار اعطایی از طرف بانکها به بخش خصوصی چندان سخت گیری نمی کرد و اساساً "بواسطه رونق اقتصادی که از سال ۱۳۵۳ شروع شده بود بانکها را تشویق به افزایش اعتبارات می کرد. برای مثال در سال ۱۳۵۳ نرخ تنزیل مجدد بانک مرکزی ایران برای امور بازرگانی از ۹ درصد به ۸ درصد و برای امور صنعتی، ساختمانی و کشاورزی و صادرات از ۸ درصد به ۷ درصد کاهش یافت. و این امر موجب شد که تغییر در مانده اعتبارات بانکهای تجاری به بخش خصوصی بارشده معادل ۸۴/۵ درصد از ۱۵۰/۲ میلیارد ریال در سال ۵۳ به ۲۷۷/۲ میلیارد ریال در سال ۵۴ افزایش یابد و تغییر در مانده اعتبارات بانکهای تخصصی به بخش خصوصی بارشده برابر ۸۳ درصد از ۶۳/۲ میلیارد ریال در سال ۵۳ به ۱۱۵/۸ میلیارد ریال در سال ۵۴ افزایش یافت." (۱)

(۱) باید توجه داشت ارقام وام و اعتبارات بانکهای تخصصی که در بالا اشاره شده است صرفاً "تغییر

در مانده اعتبارات است و نه مانده اعتبارات.

جدول شماره ۱۵ - تغییر درمانده اعتبارات بانکهای تخصصی و تجاری به بخش ، میلیارد ریال

خصوصی

۵۷	۵۶	۵۵	۵۴	۵۳	
۹۵/۵	۱۶۱	۱۵۵/۵	۱۱۵/۸	۶۳/۲	بانکهای تخصصی
۲۳۸/۴	۲۱۰/۷	۲۹۱/۱	۲۷۷/۲	۱۵۰/۲	بانکهای تجاری

ماخذ: (۱) - سالنامه آماری کشور سالهای ۵۶، ۵۹، ۶۱، ۶۲، ۶۴، ۶۷، سازمان برنامه و بودجه - مرکز آمار ایران (۱)

(۲) - " بررسی تحولات اقتصادی کشور بعد از انقلاب " اداره بررسیهای اقتصادی بانک مرکزی .
 در سالهای نزدیک به انقلاب جهت مقابله با فشارهای تورمی ، بانک مرکزی سیاست تحدید اعتباری را در پیش گرفت و بر این اساس در سال ۵۵ حد مجاز افزایش اعتبارات بانکهای تجاری به بخش خصوصی از ۴۰ درصد به ۳۰ درصد تقلیل داده شد و در سال ۵۶ رقم مزبور به ۲۰ درصد کاهش یافت . علاوه بر این در سال ۵۵ ۱۳ نرخ تنزیل مجدد از ۸ درصد به ۹ درصد و سپس در سال ۵۶ از ۹ درصد به ۱۰ درصد افزایش پیدا کرد . بواسطه اعمال سیاستهای فوق بشدت از رشد وام و اعتبار بانکهای تخصصی و تجاری کاسته شد بطوریکه تغییر درمانده وامهای تجاری به بخش خصوصی از ۲۹۱/۱ - میلیارد ریال در سال ۵۵ به ۲۱۰/۷ میلیارد ریال در سال ۵۶ کاهش یافت و تغییر درمانده اعتبار بانکهای تخصصی به بخش خصوصی بارشده معادل ۳ درصد از ۱۵۵/۵ میلیارد ریال در سال ۵۵ به ۱۶۱ میلیارد ریال در سال ۵۶ افزایش یافت .

بانک مرکزی در سالهای اول پس از انقلاب بمنظور ایجاد انگیزه برای سرمایه گذاری تا اندازه ای سیاست انبساطی در پیش گرفت بطوریکه در سال ۱۳۵۷ نرخ تنزیل مجدداً از ۹ درصد به ۹ درصد کاهش یافت . ولی با وجود این ، تغییر در مانده اعتبارات بانکهای تخصصی از ۱۶۱ میلیارد ریال در سال ۵۶ به ۹۵/۵ میلیارد ریال در سال ۵۷ رسید که این دقیقاً ناشی از شرایط عدم اطمینان سالهای پس از انقلاب است . پس از گذشت سالهای اول انقلاب شورای پول و اعتبار جهت مقابله با فشارهای تورمی تصمیم به اعمال سیاستهای انقباضی گرفت و با افزایش نسبت های قانونی ترمزی - در مقابل رشد منابع آزاد بانکها قرار داد و در همین راستا در چند نوبت اقدام به کاهش حد مجاز افزایش اعتبارات کرد . مصوبات شورای پول و اعتبار در خصوص حد مجاز افزایش اعتبارات برای

(۱) ارقام مربوط به بانکهای تخصصی از سالنامه آماری استخراج شده است .

برای سالهای مختلف بترتیب زیر است .

جدول شماره ۱۶ : حد مجاز افزایش اعتبارات واحد: درصد

۶۷	۶۶	۶۵	۶۴	۶۳	۶۰	
						بخشهای اقتصاد
۲۳/۴	۲۰	۲۰	۲۰	۲۳	۴۴	۱- کشاورزی
۸/۳	۸	۱۲/۴	۲۰	۲۳	۳۰	۲- صنعت
۱۰/۶	۸	۱۲/۴	۱۰	۱۰	۲۵	۳- ساختمان و مسکن
صفر	صفر	صفر	صفر	صفر	۱۰	۴- بازرگانی داخلی و خارجی
صفر	صفر	صفر	صفر	صفر	صفر	۵- متفرقه
۸/۸	۷	۹/۷	۹/۷	۱۰	۱۰	کل ۲۰

ماخذ: گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی سالهای ۶۰ تا ۶۵

باتوجه به جداول شماره (۱۲) و (۱۳) ملاحظه میشود که مانده اعتبارات بانکهای تجاری از ۱۵۶۲/۲ - میلیارد ریال در سال ۵۷ به ۱۸۴۴ میلیارد ریال در سال ۵۸ افزایش یافته و میزان آن در سال ۶۷ به ۵۲۸۸/۳ میلیارد ریال می رسد و مانده اعتبارات بانکهای تخصصی به بخش خصوصی از ۶۹۳/۲ میلیارد ریال در سال ۵۷ به ۲۲۶۹/۷ میلیارد ریال در سال ۶۷ افزایش می یابد .

بدهی بخش دولتی یکی دیگر از اقلام عمده مصارف بانکها بخصوص بانکهای تجاری است . بدهی بخش دولتی به بانکهای تجاری از ۱۱۴/۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۰ به ۳۰۵/۶ میلیارد ریال در سال ۶۷ افزایش یافت . از آنجا که سهم بیشتری از سپرده های بخش خصوصی نزد بانکهای تجاری است لذا دولت جهت دریافت وام و اعتبار به بانکهای تجاری بیشتر از بانکهای تخصصی متکی بوده است تا بانکهای تخصصی . در مجموع میتوان اظهار داشت که در سالهای قبل از انقلاب همگام با افزایش نقدینسه بخش خصوصی منابع سپرده ای بانکها نیز افزایش یافت اما وام و اعتبار بانکها به بخش خصوصی از رشدی بمراتب بیشتر برخوردار بود . ولی در سالهای پس از انقلاب بواسطه خصلت تورمی - رکودی که بر اقتصاد حکمفرما بود لزوم کنترل اعتبار بیشتر احساس می شد . در این سالها بواسطه کسریهای مداوم بودجه

دولت و اثرات تکاثری آن، نقدینگی و سپرده های بخش خصوصی نزد بانکها بشدت افزایش یافت و با توجه به شرائط رکودی - تورمی و عدم رشد ما بازا، تولیدی متناسب با رشد نقدینه و بمنظور مقابله با فشارهای تورمی، بانک مرکزی با اعمال سیاستهای انقباضی پولی درصدد مسدود کردن منابع بانکها برآمد. در سالهای پس از انقلاب رشد منابع سپرده ای بخش خصوصی بمراتب فراتر از رشدوام و اعتبارات بوده است و علیرغم اقدامات بانک مرکزی، بانکهای تجاری در سالهای پس از انقلاب برخلاف قبل از آن، همواره با مازاد روبرو شده بطوریکه میزان آن در سالهای ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ - بترتیب معادل ۷۹۰/۹، ۸۱۹۵/۸ و ۱۹۷۴/۷ میلیارد ریال بوده است. در برنامه اول پیش بینی شده است جهت تحقق اهداف کمی برنامه نیاز به ۲۶۴۵۲ میلیارد ریال سرمایه گذاری است که میتوان پروژه های مربوطه را با استفاده از مازاد منابع بانکها تامین مالی کرد. اما در استفاده از مازاد منابع بانکها باید دقت و مطالعه کافی صورت پذیرد تا مبادا با کاهش حدمجاز اعتباری بر شدت فشارهای تورمی بصورت غیر قابل کنترلی افزوده شود.

فصل دوم : بررسی رابطه میان نقدینگی و تورم

بخش اول : کسری بودجه و نقدینگی بخش خصوصی

رابطه نقدینگی و کسری بودجه

دربخشهای قبل ملاحظه شد که عرضه پول در اقتصاد ایران با تغییر پایه پولی دچار نوسان شده است . تغییرات پایه پولی خود تحت تاثیر تغییرات خالص دریافتیهای ارزی است که میزان آن با نوسان قیمت جهانی نفت و صادرات کشور ، نسیبیری می یابد . علاوه بر این بدهی دولت به بانک مرکزی و فعالیتهای اعتباری بانکهای تجاری و تخمومی از عوامل موثر در شکل گیری حجم پایه پول است . نقدینه بخش خصوصی در ایران بشدت تحت تاثیر دو عامل اول و دوم یعنی خالص دریافتیهای ارزی و بدهی دولت به سیستم بانکی است و از آنجاکه بخش قابل توجهی از استقراض سالیانه دولت از بانکها و بخصوص بانک مرکزی بمنظور پوشش کسری دریافتیهای نسبت به پرداختها است . بنابراین میتوان اظهار داشت که درصد قابل توجهی از تغییرات نقدینگی بخش خصوصی بعلت کسری بودجه بوده است .

منابع تامین کسری

منابع تامین کسری بودجه عمدتاً " عبارتند از وام و اعتبارات داخلی ، وام و اعتبارات خارجی ، برکشتی از بودجه سال یا سالهای قبل و مواردی چون پیش دریافت فروش نفت ، قبل از انقلاب وام و اعتبارات خارجی و فروش اوراق قرضه و استقراض از سیستم بانکی مجموعاً " کسری دریافتیهای بودجه دولت را تامین می کرد ، ولی بعد از انقلاب بواسطه خطمشی دولت در زمینه استقلال از بازارهای پولی خارجی تصمیم گرفته شد که از وامهای خارجی استفاده نشود و بر این اساس انکاء دولت به وام و اعتبارات داخلی و بخصوص استقراض از سیستم بانکی افزایش یافت . در این ارتباط قسمتی از مطالب را از " بررسی تحولات اقتصادی کشور بعد از انقلاب " عیناً^(۱) ذکر میکنیم . " بررسی منابع تامین کسری بودجه دولت نشان دهنده تغییرات عمده در ترکیب این منابع است ، بدین ترتیب که سهم وامها و اعتبارات داخلی در تامین کسری بودجه عمومی دولت که در چهار سال بعد از انقلاب معادل

(۱) " بررسی تحولات اقتصادی کشور بعد از انقلاب " اداره بررسیهای اقتصادی ، بانک

مرکزی جمهوری اسلامی ایران ، ۱۳۶۳ .

۴۱/۶ درصد (۴۹۰ میلیارد ریال) بود در چهار سال بعد از انقلاب به ۷۴/۳ درصد (۲۳۸۴/۹

میلیارد ریال) رسید!

همچنین در سالهای پس از انقلاب بدلیل کوشش دولت در جهت حذف ربا از سیستم اقتصادی از انتشار اوراق قرضه جدید ممانعت بعمل آمد^(۱) و لذا یکی دیگر از شقوق تامین کسری دریافتها نسبت به پرداخت ها موضوعیت خود را از دست داد و با راعتبارات خارجی و اوراق قرضه در تامين کسری بودجه دولت به سایر منابع بخصوص استقراض از سیستم بانکی منتقل شد.

روند کسری بودجه و علل آن

بودجه دولت در سالهای قبل و بعد از انقلاب ، خصوصاً " بعد از انقلاب بطور دائم دچار عدم تعادل بوده است ، بطوریکه همواره پرداختها فراتر از دریافتها و بودجه عمومی همراه با کسری بوده است . با ملاحظه طرف دریافتها مشخص میشود که درآمدهای دولت از ترکیب و یافت ناسالم و غیر منطقی برخوردار است . اساساً " دریافتهای عمده بودجه عمومی درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز و درآمدهای مالیاتی و انحصارات دولتی است که در این میان سهم درآمدهای نفتی قابل توجه بوده در حالیکه درآمدهای مالیاتی نیز تاکنون در حد مورد انتظار نبوده است . کسری بودجه دولت از سال ۱۳۵۳ به بعد همراه بانوساناتی دارای روند صعودی بوده . بطوریکه میزان آن از ۱۱۶/۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۳ به ۶۰۸/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ افزایش یافته است . از سال ۱۳۵۳ با افزایش قیمت جهانی نفت درآمدهای دولت افزایش یافت و بدنبال آن نقش دولت در امور اقتصادی بیشتر شده بر این اساس پرداختهای بودجه عمومی و سطح هزینه های دولت نیز رشد یافت و لذا علیرغم رشد درآمدهای نفتی ، بدلیل رشد بیشتر هزینه ها ، همواره طرف پرداختها فراتر از طرف دریافتها بوده است . به عبارت دیگر رشد هزینه های دولت اثر افزایش درآمدهای نفتی در کاهش کسری بودجه را خنثی می کرد و بدین ترتیب کسری بودجه بیشتر از آنکه تحت تاثیر طرف دریافتها باشد متاثر از هزینه های دولت بوده است که این روند با شدت بیشتری پس از انقلاب ادامه یافت . ارقام جدول شماره ۱ موید این ادعا است بطوریکه مشاهده میشود کسری بودجه از ۱۱۶/۸ در سال ۱۳۵۳ به ۴۵۸/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ افزایش یافته است در حالیکه در همین فاصله

(۱) البته در سالهای پس از انقلاب صرفاً " جهت بازپرداخت اصل و بهره اوراق موعود

رسیده اوراق جدید منتشر شده است .

جدول شماره ۱، سیر کسری بودجه و درآمد ناشی از نفت و گاز (میلیارد ریال)

سال	۱۳۵۳	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷
کسری بودجه	۱۱۶/۸	۱۹۳/۸	۱۶۹/۸	۴۵۸	۶۰۸/۹
درآمد حاصل از فروش نفت و گاز	۱۲۰۵/۲	۱۲۴۶/۸	۱۳۲۹/۰	۱۵۹۰/۳	۱۰۱۳/۲

ماخذ: (۱) " بررسی تحولات اقتصادی کشور بعد از انقلاب " اداره بررسیهای اقتصادی، بانك مرکزی ج ۱۰، ایران ۱۳۶۳.

(۲) گزارش اقتصادی و ترازنامه سالهای ۵۳ تا ۵۷ بانك مرکزی جمهوری اسلامی ایران

درآمد های حاصل از فروش نفت و گاز از ۱۲۰۵/۲ به ۱۵۹۰/۳ میلیارد ریال افزایش یافته بود . پس از انقلاب بمنظور حفظ ثروت ملی از حجم صادرات نفت کاسته شد و براین اساس علیرغم افزایش قیمت های جهانی نفت دریافتهای بودجه عمومی از بابت نفت نسبت به قبل از انقلاب کاهش یافت، بطوریکه میزان آن از ۱۵۹۰/۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ (یکسال قبل از انقلاب) به ۸۸۸/۸ میلیارد ریال در سال ۵۹ تنزیل یافت . لذا کاهش درآمدهای نفتی در سالهای پس از انقلاب بر عمق شکاف بین پرداختها و دریافتهای دولت افزود، ارقام جداول شماره ۱ و ۲ مبین آن است که کسری بودجه دولت از ۴۵۸/۳ میلیارد ریال در سال ۵۶ به ۹۷۲/۵ میلیارد ریال در سال ۵۹ رسید . خملت بارز بودجه عمومی در سالهای پس از انقلاب عدم تحقق دریافتهای پرداختهای پیش بینی شده بود و همواره هزینه های تحقق یافته فراتر از هزینه های پیش بینی شده و همچنین دریافتهای تحقق یافته کمتر از دریافتهای پیش بینی شده بود . برآیند این دو جریان بر شدت افزایش کسری بودجه در سالهای پس از انقلاب افزود ، برای مثال کسری پیش بینی شده سال ۱۳۵۹ معادل ۵۲۹/۵ میلیارد ریال بود که در عمل ۹۷۲/۵ میلیارد ریال تحقق یافت . علت این امر همانطور که قبلاً اشاره شد ناشی از عدم انعطاف پذیری بودجه دولت و بافت ناسالم آن و اتکاء بیش از حد آن به درآمد نفتی بود .

جدول شماره ۲: سیر کسری بودجه و درآمد ناشی از نفت و گاز
میلیارد ریال

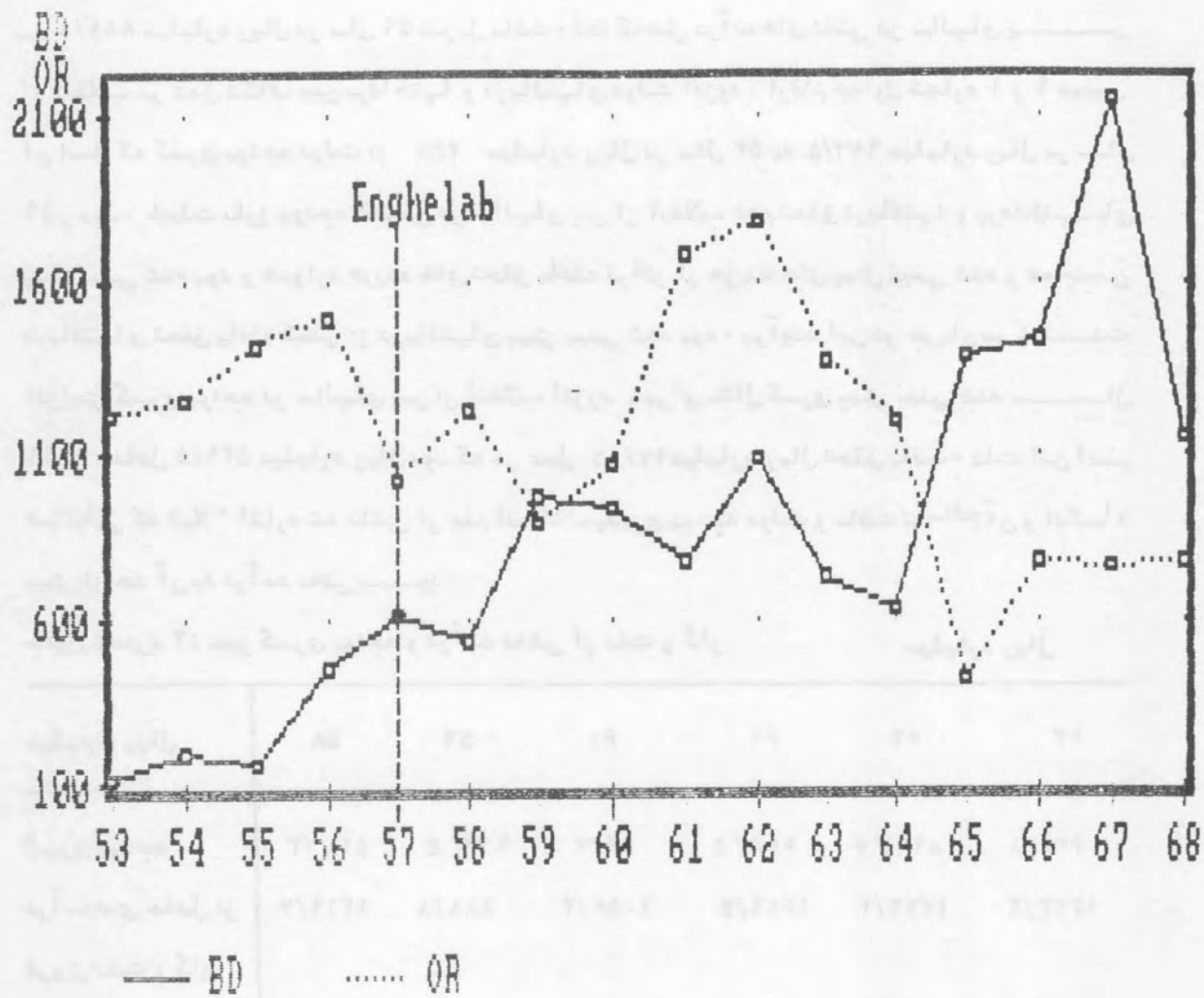
میلیارد ریال	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳
کسری بودجه	۵۲۸/۳	۹۷۲/۵	۹۳۷	۶۶۵/۵	۸۹۸/۶	۶۳۸/۸
درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز	۱۲۱۹/۷	۸۸۸/۸	۱۰۵۶/۴	۱۶۸۹/۵	۱۷۷۹/۴	۱۳۷۳/۲

ماخذ: همان ماخذ ذکر شده در جدول شماره ۱

لذا با بروز اختلال در صادرات نفتی کشور بواسطه تحریم اقتصادی و یا کاهش قیمت های جهانی نفت، درآمدهای دولت بشدت در سطح پائینتری نسبت به مقادیر پیش بینی شده قرار میگرفت و بر وسعت کسری بودجه افزوده می شد . برای مثال در سال ۱۳۶۵ با کاهش اساسی در قیمت های جهانی نفت درآمدهای نفتی دولت از رقم ۱۱۸۸/۷ میلیارد ریال در سال ۶۴ به ۴۱۶/۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۵ کاهش یافت و در همین مدت کسری بودجه از ۶۴۷/۹ میلیارد ریال به ۱۴۴۹/۵ میلیارد ریال افزایش یافت .

نمودار شماره (۱): روند تغییرات کسری بودجه (BD) و درآمد حاصل از فروش نفت (OR)

طی سالهای ۶۸ - ۱۳۵۳



در سالهای پس از انقلاب در چند نوبت درآمدهای نفتی دولت بطور اساسی کاهش یافت که این امر عمدتاً ناشی از کاهش قیمت جهانی نفت و تحریم خرید نفت ایران از طرف کشورهای خریدار بود. ارقام جداول شماره ۱ تا ۳ نشان می دهد که بعد از انقلاب هیچگاه درآمدهای نفتی دولت به مرز قبل از انقلاب نرسیده است و این در حالی است که مخارج دولت بعد از انقلاب بدلیل افزایش دخالت دولت در امور اقتصادی، مخارج جنگ تحمیلی و مهاجرت جنگی و افغانی، ایجاد ارگانهای جدید، افزایش کارکنان بخش دولتی و ۰۰۰ بسیار فراتر از قبل از انقلاب بوده و لذا در مجموع، عملکرد نیروهای فوق منجر به افزایش شکاف پرداختها و دریافتهای دولت و تعمیق کسری بودجه در این سالها شده است. کسری بودجه تقریباً در سال ۱۳۶۷ به بالاترین حد خود یعنی ۲ / ۲۱۲۵ میلیارد ریال رسید در حالی که مجموع درآمدهای عمومی همین سال معادل ۶ / ۲۰۹۸ میلیارد ریال بود و به عبارت روشنتر در سال ۶۷ کسری بودجه تقریباً " معادل درآمدهای عمومی و $\frac{1}{4}$ مجموع هزینه ها بود. در سال ۱۳۶۸ بدلیل افزایش درآمد حاصل از فروش ارز کسری بودجه به ۱ / ۱۱۴۲ میلیارد ریال کاهش یافت و در این سال کسری تحقق یافته تقریباً " معادل رقم پیش بینی شده بود. (۱)

جدول شماره ۳: سیر کسری بودجه و درآمد ناشی از نفت و گاز،

میلیارد ریال

۶۸	۶۷	۶۶	۶۵	۶۴	
۱۱۴۲/۱	۲۱۲۵/۲	۱۴۶۹/۱	۱۴۴۹/۵	۶۲۷	کسری بودجه
۷۷۲	۶۶۷/۹	۷۶۶/۲	۴۱۶/۸	۱۱۸۸/۷	درآمدهای حاصل از فروش نفت، گاز

ماخذ: همان ماخذ جدول شماره ۱

نقدینگی بخش خصوصی و ارتباط آن با کسری بودجه

همانطور که بارها در این گزارش اشاره شد از میان عوامل تعیین کننده عرضه پول در اقتصاد

ایران، خالص دریافتیهای ارزی و خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی از اهمیت بیشتری

(۱) - " ارزیابی اثرات سیاستهای اخیر ارزی " گزارش منتشر نشده، گروه ارز و ذخائر ارزی -

معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی - تیر ماه ۱۳۶۹.

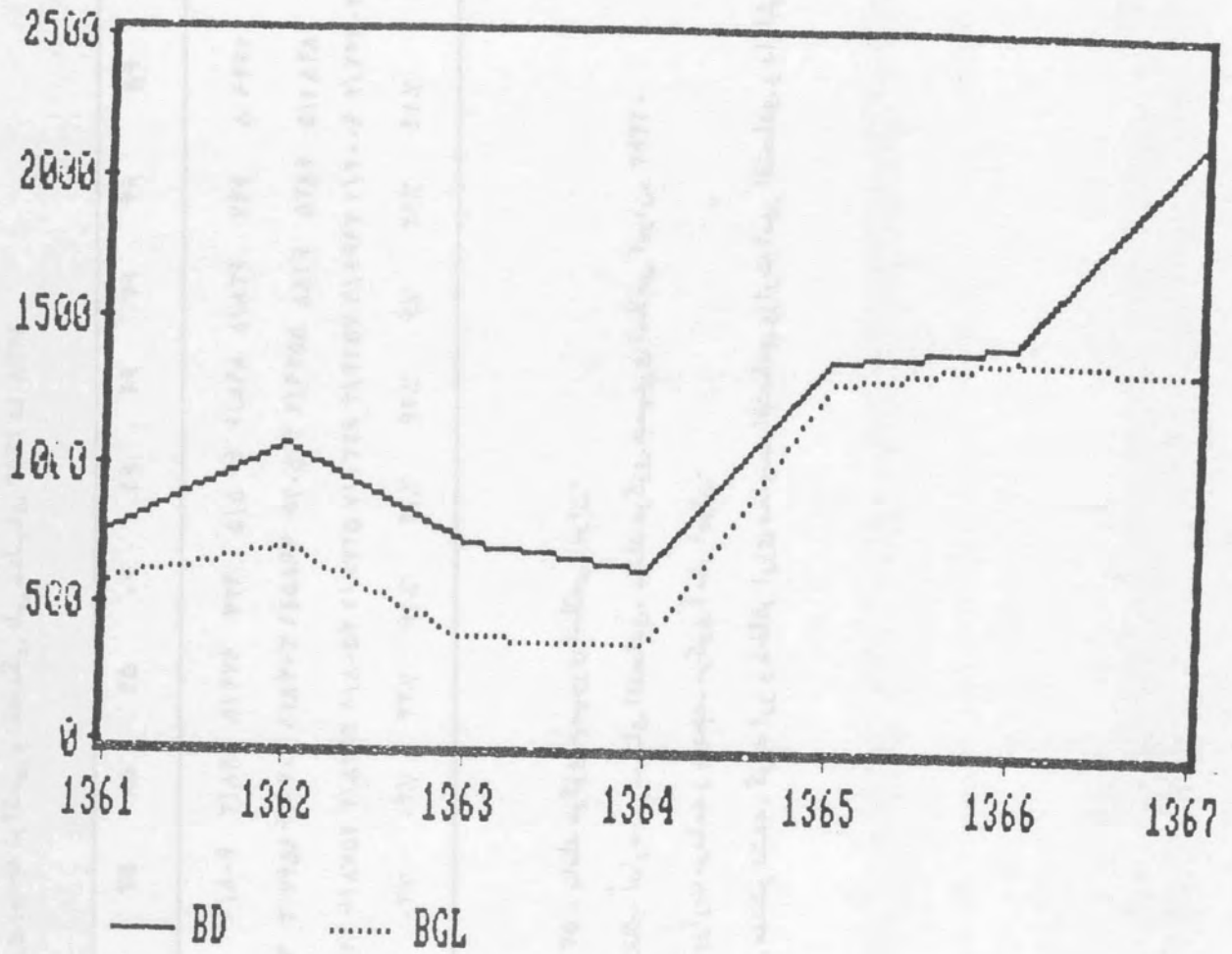
نسبت به دیگر اجزاء تعیین کننده عرضه پول برخوردار است. از سال ۱۳۵۳ به بعد همراه با افزایش درآمدهای ارزی و گسترش نقش دولت در امور اقتصادی و اعمال سیاستهای انبساطی مالی نقدینگی بخش خصوصی از افزایش قابل توجهی برخوردار شد. بررسی علل تغییرات نقدینگی بخش خصوصی در فصل اول مورد بحث قرار گرفت و لذا در این بخش در صدد تبیین تغییرات نقدینگی بخش خصوصی نمی باشیم و صرفاً " در نظر است که رابطه تغییرات نقدینگی بخش خصوصی و کسری بودجه دولت مورد بررسی قرار گیرد. نقدینگی بخش خصوصی با رشد متوسط سالیانه‌ای معادل ۵۴/۵۷ درصد از ۸۱۳/۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۳ به ۲۵۷۸/۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ افزایش یافت و در طی این مدت بودجه عمومی مجموعاً " با ۱۵۴۷/۲ میلیارد ریال کسری روبرو بود. از آنجا که همواره استقراض از سیستم بانکی یکی از منابع عمده تامین کسری بودجه دولت بوده و میباشد لذا سهم قابل توجهی از تغییرات حجم پول را می توان توسط کسری بودجه عمومی تبیین کرد. در طی سالهای پس از انقلاب اگرچه نرخ رشد نقدینگی دارای نوسان بوده ولی در مجموع نقدینگی بطور چشمگیری افزایش یافته است بطوریکه حجم آن در سال ۶۸ نسبت به سال ۸۴۵۷ برابر شده و در طی این سالها از ۲۵۷۸/۶ میلیارد ریال به ۱۸۷۵۳/۳ میلیارد ریال رسیده است و در همین مدت بودجه عمومی مجموعاً " با کسری معادل ۹۹۷۲/۸ میلیارد ریال روبرو بوده است. با مراجعه به جدول شماره ۴ و ملاحظه ارقام کسری بودجه می توان به تاثیر آن در انبساط نقدینگی آگاه شد. بخصوص اینکه در سالهای پس از انقلاب، کسری بودجه دولت عمدتاً " بوسیله استقراض از سیستم بانکی تامین شده و سایر منابع چون وام و اعتبارات خارجی و فروش اوراق قرضه کار برد خود را از دست داده است. در جدول زیر میزان توسل دولت به سیستم بانکی جهت تامین کسری طی سالهای ۶۱ تا ۶۷ درج شده است. چنانکه مشاهده میشود همواره بیش از ۵۰ درصد کسری بودجه بواسطه استقراض از سیستم بانکی تامین شده است و در بعضی از سالها مثل ۶۶ و ۶۷ بیش از ۹۰ درصد کسری از طریق استقراض تامین شده است و با توجه به حجم کسری در این سالها می توان به اهمیت جدول شماره ۴: کسری بودجه و استقراض از سیستم بانکی

میلیارد ریال - درصد	۶۷	۶۶	۶۵	۶۴	۶۳	۶۲	۶۱
کسری بودجه	۲۱۲۵/۲	۱۴۲۹/۱	۱۴۴۹/۵	۶۴۷	۶۳۸/۸	۸۹۸/۶	۶۶۵/۵
استقراض از سیستم بانکی	۲۰۲۴/۵	۱۳۷۴/۷	۱۲۸۴	۵۵۴/۷	۴۵۴	۶۹۵/۳	۵۶۷/۲
درصد تامین کسری از طریق استقراض	۹۵/۳	۹۶/۲	۸۸/۶	۸۵/۷	۷۱/۱	۷۷/۴	۸۵/۲

ماخذ: همان جدول شماره ۱

نمودار شماره ۲: تغییرات کسری بودجه (BD) و استقراض دولت از سیستم بانکی (BGL)

طی سالهای ۶۱ تا ۶۷



میلیارد ریال

جدول ششم - کسری بودجه و کسری تراکمی و نقدینگی طی سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۶۸

سال	۱۳۵۲	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	
کسری بودجه	۱۱۶/۸	۱۹۳/۸	۱۶۹/۸	۴۵۸	۶۰۸/۹	۵۲۸/۳	۹۷۲/۵	۹۳۷	۶۶۵/۵	۶۶۵/۶	۸۹۸/۶	۶۳۸/۸	۶۲۷	۱۴۴۹/۵	۱۴۴۹/۱	۲۱۲۵/۲	۱۱۴۲/۱
کسری بودجه تراکمی/٪	۱۱۶/۶	۳۱۰/۶	۴۸۰/۴	۹۳۸/۴	۱۲۰۸/۵	۱۶۲۷/۳	۲۰۸۵/۶	۲۰۸۵/۱	۳۰۸۵/۱	۴۶۵۰/۶	۵۵۴۹/۲	۶۱۸۸	۶۸۳۵	۸۲۸۴/۵	۹۷۵۳/۶	۱۱۸۷۸/۸	۱۳۰۲۰/۹
نقدینگی	۸۱۳/۷	۱۱۴۹/۵	۱۶۲۵/۷	۱۶۲۹/۴	۲۱۳۹/۴	۲۵۷۸/۶	۳۶۲۸/۳	۴۵۰۸/۱	۴۵۰۸/۱	۵۲۳۶/۱	۶۴۳۰/۷	۷۵۱۴/۴	۷۹۶۶/۹	۹۰۰۲/۱	۱۰۷۲۲/۶	۱۵۴۸۷/۵	۱۸۷۵۲/۳
رشد نقدینگی	٪۵۷	٪۴۱	٪۴۱	٪۳۱	٪۳۰	٪۴۰	٪۲۴	٪۱۶	٪۲۲	٪۱۶	٪۶	٪۱۲	٪۱۹	٪۱۸	٪۲۳	٪۱۹	

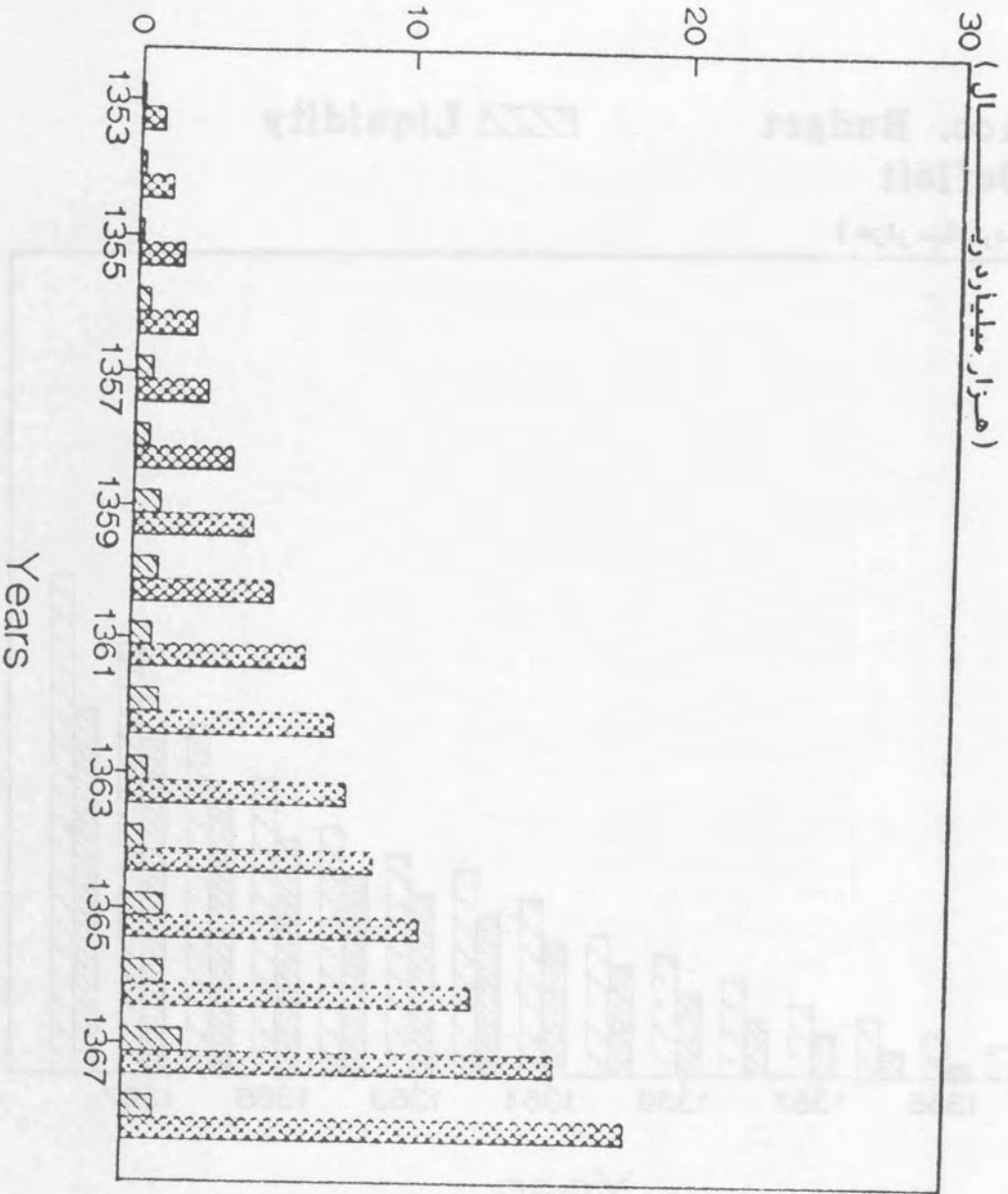
ساخت:

- ۱- گزارش اقتصادی و تراز نامه سالهای ۶۸ - ۵۳ ، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- ۲- " بررسی تحولات اقتصادی کشور بعد از انقلاب " اداره بررسیهای اقتصادی ، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ، ۱۳۶۳.
- ۳- سالنامه آماری کشور سالهای ۵۳ تا ۶۷ ، وزارت برنامه و بودجه- مرکزی آمار ایران.
- ۴- " ارزیابی سیاستهای اخیر ارزی " گزارش منتشر نشده ، گروه ارز و نخبان ارزی معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارائی - تیر ماه ۱۳۶۹.

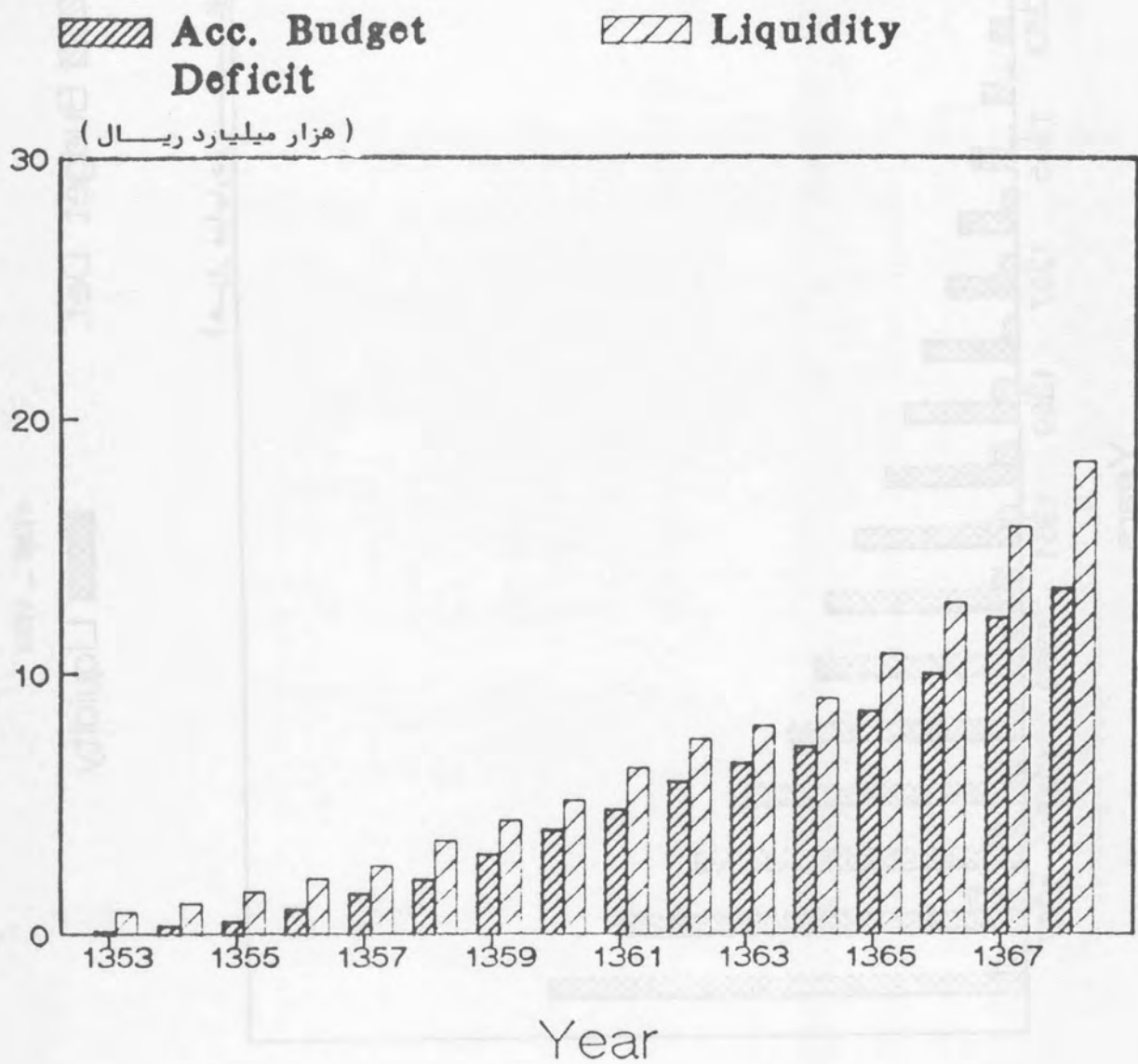
نمودار شماره ۳: روند کسری بولج و نقدینگی

۱۳۵۳ - ۱۳۶۸

Budget Def.
 Liquidity



نمودار شماره ۴: روند کسری بودجه تراکمی و نقدینگی



تاثیر کسری بودجه در گسترش نقدینگی بخش خصوصی واقف شد. در همین راستا در برنامه اول جمهوری اسلامی در نظر گرفته شده است که با کاهش کسری بودجه، رشد نقدینگی بخش خصوصی در طی سالهای اجراء برنامه (۷۲-۱۳۶۸) از ۲۳/۸ درصد به ۴/۵ درصد کاهش یابد و برای تحقق این هدف، پیش بینی شده است که کسری بودجه از ۲/۱۲۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ به ۵/۹۲ میلیارد ریال در سال پایان برنامه تنزل یابد. اساساً "کاهش کسری بودجه از طریق کاهش هزینه ها و یا افزایش درآمدهای دولت و یا هر دو امکانپذیر است. با توجه به نقشی که قانون اساسی در امور اقتصادی به دولت داده و همچنین دخالت وسیعی که تا کنون اعمال کرده است و از آنجا که در سالهای اخیر نسبت کسری بودجه به کل پرداختهای دولت قابل ملاحظه است بنظر می رسد که تحقق هدف فوق بسختی امکان پذیر باشد.

در راستای ادعای فوق لازم با اشاره است که بدلیل بافت نامناسب ترکیب درآمدها، امکان افزایش دریافتها متناسب بارشد پرداختهای دولت فراهم نیست. اگرچه درآمدهای مالیاتی در سالهای اخیر از رشد برخوردار بوده است ولی میزان آن در حدی نیست که قادر به پوشش کسری باشد. برای روشن تر شدن موضوع لازم به اشاره است که از کل پرداختهای بودجه مصوب سال ۱۳۶۸ (۴۷۳۴/۷ میلیارد ریال) در نظر بود که تنها ۶/۲۹ درصد آن (معادل ۶/۱۴۰۵ میلیارد ریال) از طریق درآمدهای مالیاتی تامین شود، در صورتیکه عملکرد بودجه نشان داد که رقم مزبور نیز میسر نگردید و درآمدهای مالیاتی به ۹/۱۱۸۷ میلیارد ریال محدود شد^(۱).
جمع بندی مطالب این بخش ناظر بر این است که کسری بودجه دولت از عوامل موثر در افزایش نقدینگی بخش خصوصی بوده است منتها شدت تاثیر آن در سالهای بعد از انقلاب فزونی یافته است و با توجه به حجم دخالت دولت در امور اقتصادی و ترکیب فعلی درآمدهای بودجه تحقق اهداف برنامه در زمینه کاهش کسری بودجه و کنترل رشد نقدینگی بسختی امکان پذیر است.

(۱)- ارقام بودجه سال ۱۳۶۸ از گزارش منتشر نشده "ارزیابی آثار سیاستهای اخیر ارزی"، گروه ارز و ذخائر ارزی معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارائی، استخراج شده است.

تبیین پولی تورم

تورم موضوع بسیاری از تحقیقات و بحثهای علم اقتصاد است، معمولاً "واژه تورم در بیان عامه مترادف با افزایش قیمتها در نظر گرفته می شود ولی در واقع امر افزایش ملایم و کوتاه مدت سطح قیمتها تورم نیست. بهترین تعریف تورم که مورد تائید اکثریت علمای اقتصاد همچون فریدمن می باشد عبارت است از "افزایش دائمی سطح عمومی قیمتها". این تعریف تمامی جنبه های تورم مثل ابر تورم، تورم خزنده و تورم همراه با رکود را شامل می شود. (۱) تورم يك پدیده جدید اقتصادی نیست و شواهد تاریخی فراوانی در مورد افزایش قیمتها در تاریخ ضبط شده است. بعد از جنگ جهانی دوم نقطه نظرات و تئوریهای بسیاری در خصوص تورم ارائه شد که بعضی از آنها مطالب و مباحث جدیدی را در بر داشت و بعضی دیگر صرفاً "تفسیر نویسی از تئوریهای قبلی بود و اساساً" به منظور رفع معایب آنها مطرح شد.

در تبیین تورم و بررسی علل آن هر يك از تئوریها دلائل خاص و مربوط به خود را ارائه میدهد و بر این اساس نمی توان يك نتیجه گیری واحد و هماهنگ از مجموعه این نظریات داشت. علت این عدم هماهنگی در تنوع منشاء تورم است. اساساً "تورم منوط به وجود حداقل یکی از شرایط زیر است، اول اینکه مخارج و هزینه های کل سریعتر از جریان کالا و خدمات رشد کند و دوم وجود مازاد تقاضای کل که این خود ناشی از افزایش هزینه های دولت و هزینه های بخش خصوصی است و سوم عرضه پول با نرخ رشدی بمراتب بیشتر از تقاضای معاملاتی پول افزایش یابد که این خود نهایتاً "منجر به اضافه تقاضای کل میشود. بنابراین باید اظهار داشت که نمی توان پدیده تورم را برای کشورهای مختلف و با ساختارهای متفاوت از طریق يك نظریه واحد توصیف کرد.

با توجه به اینکه در سالهای پس از انقلاب به سبب کسری های مداوم بودجه دولت، حجم پول بطور سالیانه از رشد قابل توجهی برخوردار بوده است لذا بجاست که تورم بر اساس برداشت پولی مورد بحث قرار گیرد. در همین راستا ابتدا نظریه مقداری پول در قالب معادله تبدیل فیشر و معادله کمبریج بیان شده و سپس به تئوری درآمد اسمی اشاره می شود.

۱- نظریه مقطری پول :

نظریه مقداری پول که تغییرات سطح قیمتها را به تغییر در حجم پول منتسب می کند

1-R. Jackman, C. Mulvey and J. Trevithick. "The Economics of Inflation"

MARTIN ROBERTSON . OXFORD , 1982.

اولین تئوری است که ارتباط رشد قیمت‌ها و تورم را به نحو مقبولی بیان کرده است. این عقیده که تورم ناشی از افزایش مقدار پول است به قرن‌های گذشته برمی‌گردد، اقتصاد دانان کلاسیک چون دیوید هیوم، آدام اسمیت، ریکاردو و میل معتقد بودند که تورم کاملاً از طریق تغییرات حجم پول قابل توجیه است و روش آنها به تئوری مقداری موسوم شده این تئوری در قرن اخیر با آثار فیشر و تحقیقات آلفرد مارشال و دیگر استادان مکتب کمبریج و همچنین نظریه تقاضای پول فریدمن به اوج خود رسید.

بنابراین نظریه، حجم پول عامل تعیین کننده ارزش آن (پول) است و تورم دائمی انعکاسی از افزایش دائمی حجم پول است و بر این ادعا شواهد تأیید کننده فراوانی وجود دارد. فیلیپ کاگان^(۱) در تبیین علل تورم اظهار می‌دارد: "معتقد هستم که در بلند مدت، حجم پول علت اصلی تغییر در سطح قیمت‌ها است." حجم پول نیز به نوبه خود توسط عوامل دیگر تبیین می‌شود. گسترش حجم پول در زمان‌های مختلف بدلائل متفاوتی صورت گرفته است برای مثال در قدیم الایام حکومتها با تنزل میزان فلز قیمتی در هر واحد مسکوک، حجم پول را افزایش می‌دادند و در حال حاضر بانکهای مرکزی با انتشار اسکناس و ضرب مسکوک و دیگر بانکها از مجرای سپرده‌ها و اعتبارات بر حجم پول در گردش می‌افزایند.

در کشورهایی که سیستم پولی پایه آنها طلا است همواره میزان طلا و تولیدات آن علت اصلی و تعیین کننده حجم پول در بلند مدت بوده است و با تنزل ارزش پول بر ارزش پولی طلای موجود افزوده می‌شد که این عمل دقیقاً "مشابه بسط حجم پول از طریق تنزل در صد فلز قیمتی در هر واحد مسکوک بوده است. اگرچه در سیستم پایه طلا افزایش حجم پول بواسطه عدم کشف معادن جدید با مانع روبرو می‌شد ولی باز در چنین حالتی ظهور تورم از طریق تنزل ادواری ارزش پول امکانپذیر بود. بنابراین در سیستم پایه طلا افزایش حجم پول به سه روش امکان پذیر است که عبارتند از افزایش مقادیر فیزیکی طلا، افزایش ارزش پولی طلا از طریق تنزل ارزش پول و افزایش حق برداشت اعضا، صندوق بین المللی پول (SDR)، البته در حال حاضر تبیین تورم از طریق تنزل ارزش پول و کشف معادن جدید طلا از مقبولیت عامه برخوردار نیست، بخصوص اینکه از سال ۱۹۷۱ به بعد ذخائر طلا نقش خود را از دست داد.

پس از بیان مطالب فوق بهتر است نظریه مقداری پول را از ابعاد گوناگون مورد بررسی

1) Cagan- Philip "Persistent Inflation : Historical and Policy essay"
Columbia university Press, 1979.

قرار دهیم. بر اساس اعتقاد کلاسیکها پول چیزی بیش از وسیله مبادله و سنجش ارزش کالا نبوده و در اشتغال و تولید هیچگونه نقشی ندارد. اعتقاد فوق منطبق بر قانون سه است^(۱)، قانون سه می گوید: تولید، تقاضای خود را بوجود می آورد. این قانون ناظر بر این است که در سیستم اقتصادی کشش در جهت اشتغال کامل کلیه عوامل تولید است و پول نمی تواند تاثیری بر جریان حقیقی اقتصاد داشته باشد و تغییر در عرضه پول موجب تغییر در سطح قیمتها و ارزش پول خواهد شد.

معادله مبادله فیشر:

برداشت سنتی نظریه مقداری پول کلاسیکها را میتوان در قالب نظریه "قدرت خرید پول" ایروینگ فیشر توصیف کرد. بنا بر عقیده فیشر پول به مثابه پلی است که جریان درآمدی و هزینه های افراد را به هم متصل می کند و بر این اساس معادله مبادله زیر را ارائه نمود.

$$(۲) \quad MV = PT$$

M حجم پول در گردش، V سرعت گردش پول، P سطح عمومی قیمتها و T حجم مبادلات است. دو طرف معادله فوق همواره برابر است زیرا هر دو بیانی از ارزش کل معاملات است. رئوس مطالب این نظریه را به ترتیب زیر میتوان خلاصه کرد.

- ۱- سرعت گردش پول ثابت است و متاثر از تغییرات حجم پول نیست.
- ۲- تغییر در حجم پول تاثیری بر حجم تولیدات و مبادلات نخواهد داشت. اگر چه در کوتاه مدت پدیده های پولی بر متغیرهای حقیقی مثل درآمد واقعی تاثیر می گذارد ولی در بلند مدت رشد درآمد واقعی وابسته به عوامل حقیقی چون رشد جمعیت، انباشت سرمایه و پیشرفت تکنولوژی است.

۳- عرضه پول تحت کنترل عواملی است که مستقل از تقاضای پول است و در معادله تبدیل فیشر جهت تاثیر همواره از حجم پول به سمت قیمتهاست و نه بر عکس.

بررسی فیشر معطوف به یک دیدگاه بلند مدت است و بنا بر نظر وی تاثیر متناسب تغییر در حجم پول بر سطح قیمتها یک تاثیر انتهائی پس از گذران دوره انتقالی است. او قبول کرد

(۱) - Say's Law

(۲) - طرف چپ رابطه فوق را می توان بر حسب پول نوشت یعنی $M_1V_1 + M_2V_2 = PT$ که در آن

M_1 حجم پول، M_2 سپرده های بانکی، V_1 سرعت گردش پول و V_2 سرعت گردش سپرده های بانکی است.

که در دوره انتقالی با تغییر حجم پول تغییراتی در عوامل دیگر رخ میدهد که پایدار نخواهد بود و آنچه که اهمیت دارد تغییرات انتهائی است که تنها در سطح قیمتها منعکس میشود.
نظریه مقداری پول را میتوان بر حسب نرخ رشد نیز بیان کرد بطوریکه :

$$۲) \dot{M} + \dot{V} = \dot{P} + \dot{y}$$

$$۳) \dot{P} = \dot{M} + \dot{V} - \dot{y}$$

بنابرفروض ۱ و ۲ سرعت گردش پول و درآمد در طی دوره مورد بررسی ثابت است و لذا نرخ رشد آنها برابر صفر است و با استعانت از فرض ۳ در می‌یابیم عواملی که موجب رشد عرضه پول (و در عین حال مستقل از تقاضای پول) است تغییرات نرخ تورم را نیز توجیه می‌کند .

۲- معادله کمبریج : (۱)

معادله کمبریج بیان دیگر نظریه مقداری پول است که توسط استادان دانشگاه کمبریج، مارشال، پیگو، کنیر و رابرتسون پرورانده شد . این معادله بلحاظ ریاضی صورت دیگر معادله فیشر است . نظریه مقداری پول مکتب کمبریج در حقیقت تقاضای پول است و نشان می‌دهد که افراد چه کسری از مخارج خود را بصورت پول نقد نگهداری میکنند .

$$۴) M^d = KY^s P$$

K نسبت پول نگهداری شده به حجم معاملات افراد است و مقدار آن تحت تاثیر نهادهای ساختاری اقتصاد و تکنولوژی مالی اقتصاد است و از آنجا که نهادهای ساختاری در دوره مورد بررسی ثابت می‌باشند بنابراین K نیز ثابت است . همانطور که اشاره شد در این نظریه کشش کلی در جهت اشتغال کامل است و بدلیل اینکه در کوتاه مدت امکان تشکیل سرمایه و ابداعات نیست بنابراین y^s نیز ثابت است .

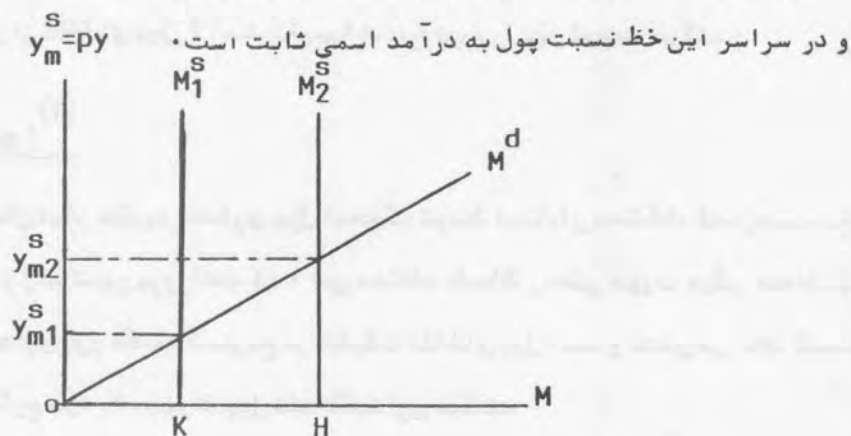
۳- تئوری درآمد اسمی :

فرید من در راستای برداشت سنتی نظریه مقداری پول عقیده دارد که پول و تغییرات حجم آن تاثیری بر مقادیر حقیقی اقتصاد ندارد . بین فرید من و کلاسیکها يك وجه تمايز وجود دارد و آن این است که وی معتقد است تغییرات حجم پول ممکن است در کوتاه مدت متغیرهای حقیقی و درآمد واقعی را متاثر سازد ولی در بلند مدت تاثیر تغییرات آن بر درآمد واقعی غیر

1) cash balance approach

محسوس است و صرفاً "درآمد اسمی را تغییر می‌دهد."

اگر بپذیریم که سرعت گردش پول ثابت است می‌توان نتیجه گرفت تغییر در درآمد اسمی در ارتباط مستقیم با تغییر در حجم پول است. اگر مسئله تغییر در درآمد را از کانال نظریه مقداری پول بررسی کنیم این سوال مطرح خواهد شد که چند درصد از تغییرات آن مربوط به تغییر در سطح قیمت‌ها و چند درصد ناشی از تغییر واقعی درآمد و افزایش مقادیر فیزیکی است. با استعانت از معادله کمبریج و شرط تعادل تراز پولی و به کمک تحلیل هندسی موضوع فوق را بررسی میکنیم. معادله کمبریج نشان میدهد که در هر سطحی از درآمد اسمی، جامعه چه نسبتی از درآمد اسمی را بصورت پول نقد نگه می‌دارد. در شکل (۱) M^d تقاضای پول است



این نسبت تمایل افراد را در نگهداری پول نقد نشان میدهد. در درآمد اسمی y_{m1}^s عرضه و تقاضای پول برابر و مقدار آن معادل OK است. حال اگر حجم پول افزایش یابد بازار پول دچار اختلال می‌شود و جامعه بیشتر از نیاز، پول، در دسترس دارد و به عبارت دیگر تراز پولی واقعی از تراز پولی مطلوب تجاوز کرده است (۱)

در درآمد اسمی y_{m1}^s تراز پولی مطلوب OK می‌باشد در حالیکه مقدار واقعی آن به OH افزایش یافته است. بازگشت تعادل به بازار پول به این ترتیب است که با افزایش حجم پول، مردم بر مخارجشان می‌افزایند. افزایش مخارج از مجرای اثر ثروتی افزایش حجم پول تحقق می‌یابد ولی از آنجا که بوسیله اشتغال کامل، درآمد واقعی ثابت است، اقتصاد با مسازاد تقاضا برای محصولات مواجه میشود و این مسازاد تقاضا در افزایش سطح قیمت‌ها متبلور میشود.

(۱) - نباید از نظر دور داشت که در تحلیل فوق فرض بر این است که حجم پول کاملاً "توسط بانک

مرکزی قابل کنترل است.

این موضوع از طریق معادله فیشر $M \cdot v = p y$ می توان نشان داد.

طرف راست این معادله بیانگر میزان مخارج است و چنانچه حجم پول افزایش یابد و سرعت گردش پول و مقادیر فیزیکی ثابت باشد معادله فوق تنها از طریق افزایش سطح قیمتها برقرار خواهد بود.

بر این اساس درآمد اسمی تحت تاثیر افزایش سطح عمومی قیمتها از y_{m1}^s به y_{m2}^s افزایش می یابد از طرف دیگر با مراجعه به معادله تقاضای پول کمبریج $M^d = KPy$ مشخص می شود که افزایش قیمت منجر به افزایش تقاضای پول شده است و در نهایت در درآمد اسمی y_{m2}^s بازار پول به تعادل میرسد. افزایش درآمد اسمی را می توان در قالب نرخ رشد به نرخ رشد قیمت (تورم) و درآمد واقعی مرتبط کرد.

$$\dot{Y} = \dot{y} + \dot{P}$$

در رابطه فوق \dot{Y} نرخ رشد درآمد اسمی، \dot{y} نرخ رشد درآمد واقعی و \dot{P} نرخ رشد سطح قیمتها است. بنابر عقیده پولیون (Monetarists) تغییر در تقاضای کل مربوط به تغییر حجم پول است و تغییر در حجم پول اگر چه در کوتاه مدت تولید را متاثر می سازد ولی در بلند مدت بدون اینکه بر حجم تولید تاثیر بگذارد صرفاً " سطح قیمتها را دگرگون میسازد. بنابراین تغییرات نرخ تورم در بلند مدت از طریق تغییرات نرخ رشد حجم پول تبیین میشود.

فصل سوم: " بررسی سایر علل تورم "

مقدمه

علت تورم بطور کلی عدم تطابق عرضه و تقاضا است، کاهش عرضه یا افزایش تقاضا هر کدام به شرط ثابت ماندن دیگری باعث افزایش قیمت‌ها می‌شود. کاهش عرضه و یا افزایش تقاضا هم علل واقعی دارد و هم علل روانی. در بخش " بررسی وضعیت اجزای عرضه پول و نقدینگی کشور طی سالهای ۶۷ - ۱۳۵۲ " روشن شد که افزایش شدید عرضه پول و نقدینگی کشور طی سالیان اخیر، باعث افزایش شدید تقاضای جامعه شده است. در این گزارش به بررسی سایر علل تغییر دهنده عرضه و تقاضا می‌پردازیم، تا با علل دیگر تورم بیشتر آشنا شویم.

تولید ناخالص ملی و عرضه کالا

" تورم نتیجه عدم تطابق دو جریان پول و کالا است. " (۱)

نگاهی به جریان پول و کالا طی سالیان اخیر بخوبی حکایت از عدم هماهنگی این دو جریان دارد. تولید ناخالص ملی به قیمت ثابت که معرف عرضه کالا در کشور است از سال ۱۳۵۳ الی ۱۳۶۸ بمیزان بسیار کمی افزایش یافته است و حتی در سال ۱۳۶۸ هنوز به رقم سال ۱۳۵۶ نرسیده است (جدول شماره ۱)، کاهش تولید ناخالص ملی کشور بعد از انقلاب، به همراه افزایش شدید نقدینگی (تقاضا) از علل اساسی تورم موجود در ایران است.

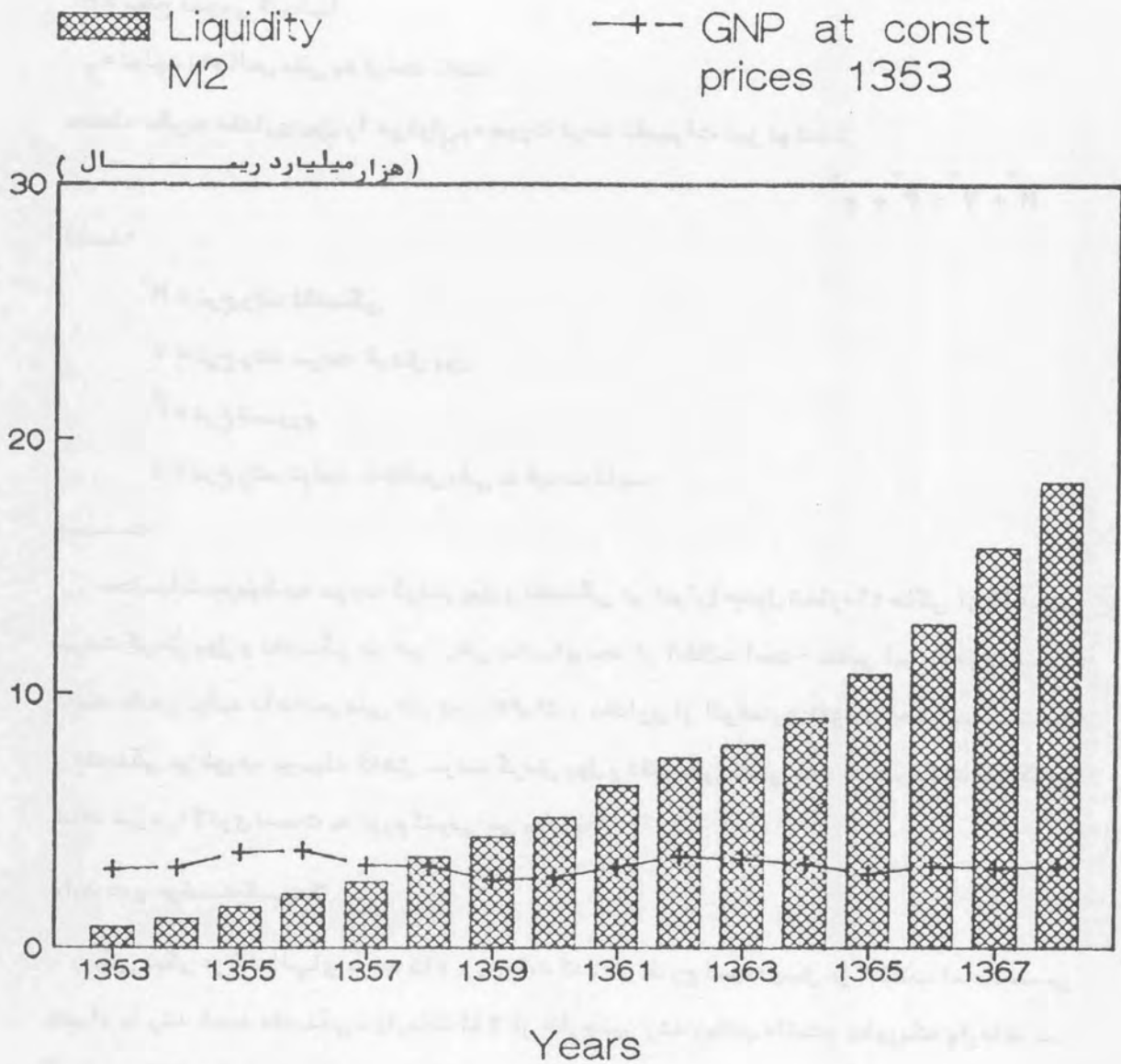
جدول ۱: تولید ناخالص ملی طی سالهای ۶۸ - ۱۳۵۳ بر حسب قیمت‌های ثابت سال ۱۳۵۳

میلیارد ریال																
سال	۱۳۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸
تولید ناخالص ملی	۲۰۷۹/۶	۲۱۴۲/۴	۲۷۵۸/۹	۲۸۲۵/۹	۲۲۳۷/۷	۲۲۰۲/۲	۲۶۷۲/۵	۲۷۵۲/۱	۲۱۷۲/۵	۲۵۷۱/۵	۲۶۷۶/۴	۲۲۸۱/۷	۲۹۰۷/۹	۲۲۰۲/۴	۲۱۴۲/۴	۲۰۷۹/۶
- به قیمت ثابت	۲۰۷۹/۶	۲۱۴۲/۴	۲۷۵۸/۹	۲۸۲۵/۹	۲۲۳۷/۷	۲۲۰۲/۲	۲۶۷۲/۵	۲۷۵۲/۱	۲۱۷۲/۵	۲۵۷۱/۵	۲۶۷۶/۴	۲۲۸۱/۷	۲۹۰۷/۹	۲۲۰۲/۴	۲۱۴۲/۴	۲۰۷۹/۶

ماخذ: بانک مرکزی، تراز نامه و گزارش اقتصادی.

(۱) - پول و سیاست‌های پولی، دکتر قدیری، انتشارات فروردین، صفحه ۲۴۹.

نمودار شماره ۱: روند تولید ناخالص ملی حقیقی و نقدینگی ۱۳۴۸-۱۳۵۳



با استفاده از نظریه مقداری پول می توان تبیین بهتری از بحث فوق داشت شکل ساده نظریه مقداری پول به صورت:

$$MV = Py$$

است، که:

M = نقدینگی

V = سرعت گردش پول

P = سطح عمومی قیمتها

y = تولید ناخالص ملی به قیمت ثابت

معادله نظریه مقداری پول را می توان به صورت درصد تغییرات نیز نوشت:

$$\dot{M} + \dot{V} = \dot{P} + \dot{y}$$

که:

\dot{M} = نرخ رشد نقدینگی

\dot{V} = نرخ رشد سرعت گردش پول

\dot{P} = نرخ تورم

\dot{y} = نرخ رشد تولید ناخالص ملی به قیمت ثابت

است.

محاسبات مربوط به سرعت گردش پول و نقدینگی در ایران (جدول شماره ۲) حاکی از کاهش سرعت گردش پول و نقدینگی در ایران طی سالهای بعد از انقلاب است. بنابر این با توجه به ثابت ماندن تولید ناخالص ملی طی دوره ۵۲-۶۷، مقداری از اثرگذاری افزایش حجم پول و نقدینگی بر تورم، بوسیله کاهش سرعت گردش پول و نقدینگی خنثی شده است، وگرنه ما اکنون شاهد تورم بالاتری نسبت به تورم کنونی می بودیم.

واردات و عرضه کالا

یکی دیگر از کانالهای عرضه کالا، واردات کالا از خارج است. پیش از انقلاب اسلامی همراه با رشد شدید نقدینگی، واردات کالا از خارج نیز رشد زیادی داشت، بطوریکه واردات ایران از ۳/۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۲ به ۱۴/۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ رسید. بعد از انقلاب اسلامی در ابتدا بعلت تحریم اقتصادی و جنگ تحمیلی و بعداً " به علت کاهش درآمدهای ارزی کشور، امکان واردات کالا به شدت کاهش یافت و بنابراین عرضه کالا

جدول شماره ۲

سرعت گردش پول و نقدینگی ایران طی سالهای ۶۷ - ۱۳۵۲

۶۷	۶۶	۶۵	۶۴	۶۳	۶۲	۶۱	۶۰	۵۹	۵۸	۵۷	۵۶	۵۵	۵۴	۵۳	۱۳۵۲	سال
۳۷/۸	۲۱۳۳۱/۱۱۸۱۰۶	۸۱۵۲۷/۲	۵۱۵۰/۸	۱۳۷۴۲/۸	۱۰۷۵۶/۱	۸۳۵۵/۸	۶۹۳۲/۴	۶۳۹۰/۸	۵۰۴۷/۲	۵۳۴۷/۶	۴۶۹۱/۷	۲۵۷۳/۷	۳۰۷۹/۴	۱۸۲۵/۵		تولید ناخالص ملی (G.N.P)
۷۷۵۸	۶۷۷۶/۸	۵۸۱۱	۴۹۳۳/۶	۳۵۵۷/۶	۳۸۶۹/۶	۳۴۸۳/۹	۲۷۰۷/۵	۲۲۰۳/۳	۱۶۶۵/۸	۱۳۳۶/۵	۷۹۰/۴	۶۱۰/۶	۴۳۹/۵	۳۵۲/۲	۲۰۲/۷	حجم پول (M1)
۶/۵	۱۳۶۶۸۴	۱۰۷۳۲/۶	۹۰۰۲/۱	۷۹۶۶/۹	۷۵۱۴/۴	۶۴۳۰/۷	۵۳۳۶/۱	۴۵۰۸/۱	۳۶۲۸/۳	۲۱۳۹/۴	۱۶۲۵/۷	۱۱۴۹/۵	۸۱۳/۷	۵۱۵/۸		نقدینگی (M2)
۲	۳/۱	۳/۱	۳/۱	۳/۳	۳/۶	۳/۱	۳/۱	۳/۱	۳/۸	۴/۱	۶/۸	۷/۷	۸	۹/۴	۹	$V_2 = \frac{G.N.P}{M_1}$
۱/۵	۱/۷	۱/۷	۱/۷	۱/۹	۱/۸	۱/۷	۱/۶	۱/۶	۱/۸	۱/۹	۲/۶	۲/۹	۳/۲	۳/۸	۳/۵	$V_2 = \frac{G.N.P}{M_2}$

ماخذ: جداول قبلی در همین گزارش

در کشور نیز کم شد .

جدول شماره ۳ کل واردات و واردات سرانه کشور را طی سالهای ۶۸ - ۱۳۵۲ نشان می‌دهد این ارقام حاکی از کاهش شدید (با توجه به افزایش جمعیت کشور) در واردات کشور است .

جدول شماره ۳ : واردات و واردات سرانه کشور طی سالهای ۶۷ - ۱۳۵۲

(میلیون دلار سیلیون نفر)

سال	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷
واردات	۱۴۶۲۶	۱۰۳۷۲	۹۶۹۵	۱۰۸۴۴	۱۳۵۱۵	۱۱۸۴۵	۱۸۱۰۳	۱۴۴۹۴	۱۱۴۰۸	۹۳۵۵	۹۳۶۹	۸۱۷۷
جمعیت کل کشور	۳۴/۶	۳۵/۵	۳۶/۴	۳۷/۷	۴۰/۹	۴۲/۳	۴۴	۴۵/۷	۴۷/۵	۴۹/۲	۵۱/۳	۵۳/۴
واردات سرانه	۴۲۳	۲۹۲	۲۶۶	۲۸۸	۳۳۰	۲۸۰	۴۱۱	۳۱۷	۲۴۰	۱/۸۹	۱۸۳/	۱۵۲

ماخذ : ترازنامه و گزارش اقتصادی بانک مرکزی .

صادرات کالا

صادرات کشور نیز می‌تواند از طریق تنبیر در عرضه کل کالا در داخل کشور بر تورم اثر بگذارد . با کمبود درآمدهای ارزی حاصل از نفت . طی سالهای اخیر تاکید زیادی بر صادرات کالا به خارج از کشور شد، و این در شرایطی بود که برای بعضی از کالاها در داخل کشور کمبود وجود داشت .

همچنین اجازه ورود بعضی از کالاها از طریق ارز حاصل از صادرات کالاها و معافیت قیمت‌گذاری این قبیل کالاها، و عرضه این کالاها به قیمت‌های آزاد نیز اثرانی بر تورم موجود در کشور داشته است .

تورم ناشی از فشار هزینه

تورم ناشی از فشار هزینه به علت افزایش قیمت یکی از عوامل تولید است. در این قسمت به مسئله افزایش هزینه دستمزد می‌پردازیم و در قسمت بعدی کد افزایش کالاهای وارداتی را بررسی خواهیم کرد، مسئله افزایش قیمت مواد اولیه وارداتی کارگاههای ایرانی مورد بررسی قرار خواهد گرفت (۱).

از آنجاکه هزینه حقوق و دستمزد، ۳۱ درصد از ارزش تولیدات سرانه کارگاههای بزرگ صنعتی کشور را تشکیل می‌دهد است، افزایش حقوق و دستمزد، اثر زیادی بر قیمت تمام شده کالاهای و در نتیجه قیمت کالاهای مصرفی مردم خواهد داشت. ولی آنچه که در مورد افزایش حقوق و دستمزد در ایران باید گفت این است که در ایران همراه با افزایش قیمتها که ناشی از تورم فشار تقاضا (به علت افزایش درآمدهای نفتی و بودجه دولت) بوده است، دستمزدها نیز در جهت حفظ قدرت خرید کارگران و کارمندان در مقاطعی خاص زیاد شده است. بنابراین می‌توان گفت که در ایران تورم ناشی از فشار هزینه حقوق و دستمزد بطور مستقل نداشته‌ایم، بلکه تورم ناشی از فشار هزینه دستمزد و حقوق، همیشه بدنال تورم ناشی از فشار تقاضا ایجاد شده است. علت این امر نیز، عدم وجود اتحادیه‌ها، سندیکاها و نهادهای مستقل کارگری و کارمندی در ایران است.

می‌دانیم که اگر بخواهیم افزایش دستمزدها، منجر به تورم نشود، می‌باید درصد رشد دستمزدها برابر با درصد رشد بهره‌وری کارگران باشد. اثبات مسئله به این شکل است:

$$\frac{W}{P} = MP_L \quad \text{از شرط تعادل بازار نیروی کار در بازار رقابتی داریم:}$$

که در آن:

$$W = \text{دستمزد اسمی کارگران}$$

$$P = \text{سطح عمومی قیمتها}$$

$$MP_L = \text{تولید نهایی کارگران مساوی بهره‌وری کارگران}$$

(۱) درصد وابستگی به مواد اولیه خارجی در کارگاههای بزرگ صنعتی بسیار بالا است، در سال ۵۸، ۶۲ درصد در سال ۵۷، ۶۳ درصد، در سال ۲۹، ۶۲ درصد و در سال ۳۸، ۶۵ درصد از مواد اولیه کارگاههای بزرگ صنعتی وارداتی بوده است، در نتیجه افزایش قیمت مواد اولیه وارداتی، اثر زیادی بر هزینه تولید این کارگاهها خواهد داشت.

با دیفرانسیل گرفتن از طرفین معادله فوق و تقسیم آن بر خود معادله شرط تعادل را می‌توان

به شکل زیر نوشت:

$$\dot{P} = \dot{W} - \dot{M} P_L$$

که:

$$\dot{P} = \text{نرخ تورم}$$

$$\dot{W} = \text{نرخ رشد دستمزدها}$$

$$\dot{M} P_L = \text{نرخ رشد بهره روی کارگران است.}$$

آمار موجود برای کارگاههای بزرگ صنعتی در ایران نشان می‌دهد که در بیشتر سالها رشد مزد و حقوق سالانه بیشتر از رشد تولید سرانه (بهره وری) کارگران و کارکنان بوده است، که در نتیجه به رشد قیمتها در ایران منجر شده است. (جدول شماره ۴)

جدول شماره ۴: تغییرات سالانه شاخصهای مزد و حقوق و تولید سرانه کارگاههای بزرگ

صنعتی کشور

سال	۱۳۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴
مزد و حقوق سرانه کارکنان	۳۰/۲	۲۸/۹	۲۴/۷	۲۴/۱	۵۳	۱۴/۹	۵/۹	۵/۹	۸/۱	۶/۹	۱۱/۴
تولید سرانه (بهره وری)	۳/۷	۹/۸	۹/۷	-۱۹/۴	-۸	-۱۰/۸	۸/۶	۱۰/۱	۱۳/۴	۲/۶	-۵/۹

ماخذ: ترازنامه و گزارش اقتصادی بانک مرکزی.

افزایش قیمت کالاهای وارداتی

به دلیل وابستگی ایران به واردات کالا و مواد اولیه، تورم داخلی متأثر از تورم جهانی است. شاخص بهای کالاهای وارداتی کشور که یکی از گروههای عمده تشکیل دهنده شاخص بهای عمده فروشی کالاهای در ایران است، طی دوره ۶۵-۱۳۵۱ از ۷۷/۹ به ۳۵۸/۷ افزایش یافته است، بعبارت دیگر طی ۱۵ سال ۳۶۰ درصد و سالانه بطور متوسط ۲۴ درصد رشد داشته است. با احتساب ضریب اهمیت کالاهای وارداتی^(۱) در شاخص کل بهای عمده فروشی که تا سال

(۱) - سالنامه آماری کشور.

۱۳۶۰، معادل ۲۹ درصد و مطابق تجدید نظر سال ۱۳۶۰ معادل ۲۷/۹ درصد است، تورم جهانی باعث افزایش سالانه بهای عمده فروشی کالاها در ایران تا حدود ۶/۷ درصد بوده است.^۱

تحریم اقتصادی و جنگ تحمیلی نیز از دیگر عواملی بود که موجب شد کالاهای وارداتی گرانتر به دست ایران برسد. براساس برآوردهای مقدماتی بانک مرکزی افزایش قیمت خرید ناشی از تحریم اقتصادی برای کالاهای مجاز بخش خصوصی حدود ۳۰ درصد و برای بخش دولتی در مورد مواد غذایی و کالاهای اساسی حدود ۳ درصد و در مورد سایر کالاها ۳۰ درصد بوده است.^(۱)

جنگ عراق و ایران و مساله تورم

جنگ عراق و ایران هم به لحاظ روحی و روانی و هم بعلت کاهش عرضه و افزایش تقاضا باعث رشد قیمتها در ایران شد. بعلت جنگ بسیاری از ظرفیتهای تولیدی کشور در بخش کشاورزی و صنعتی و معدنی در مناطق جنگی و غیر جنگی از بین رفت و یا از خط تولید خارج شد. از طرف دیگر جنگ باعث انتقال بسیاری از منابع و امکانات تولیدی به سوی جنگ شد، مجموعه عوامل فوق باعث کاهش عرضه در کشور گردید.

همچنین از دید هزینه های جنگی چه در بُعد پرسنلی و چه در بُعد خرید لوازم دفاعی باعث افزایش حجم پول و نقدینگی در جامعه از یکطرف و سوق درآمدهای ارزی از بخشهای تولیدی به سمت لوازم جنگی شد و از بعد نیروی انسانی نیز بسیاری از متخصصین به سمت تامین نیازهای جنگی سوق داده شدند. اختلال در حمل و نقل، تخریب بنادر، اختلال در سیستم برق کشور و ۰۰۰ همه از آثار جنگ تحمیلی بود که افزایش تقاضا و کاهش عرضه کالا در کشور را فراهم آورد.

همچنین جنگ به لحاظ روانی و روحی، آثاری بر رشد قیمتها در ایران داشته است، احتکار، خرید زودرس، جلوگیری از تقاضاها، بالابردن قیمتها بطور مصنوعی، بیکاری ناشی از جنگ و سوق بیکاران به فعالیتهای بورس بازی و دلالتی همه و همه از آثار جنگ بر افزایش قیمتها در ایران بوده و می باشد.

عوامل روانی تورم

همانطور که در قسمت قبلی گفتیم، بعلت جنگ تحمیلی و کمبود کالا در کشور و بی ثباتی کشور، عوامل روانی نیز در افزایش قیمتها در ایران نقش داشته است. افزایش چند برابر

(۱) - گزارش ریشه یابی اصول تورم در ایران، اداره بررسیهای اقتصادی بانک مرکزی ایران، بهمن

قیمت‌بعضی از کالاها در طول سالهای اخیر، جدای از عوامل حقیقی و عینی، متأثر از کارکرد عوامل روحی و روانی و سوء استفاده سوداگران و سفته‌بازان از بازار آشفته و انتظارات تورمی است.

البته باید متذکر شد که عوامل روانی تشدید کننده تورم است و باید زمینه تورمی در یک اقتصاد وجود داشته باشد، تا عوامل روانی بتواند موثر باشد.

فصل چهارم : شبیه سازی

برآورد رابطه نقدینگی و متغیرهای پولی

در فصل دوم اشاره شد که در تبیین تورم و بررسی علل آن هر تئوری دلیل خاص و مربوط به خود را ارائه میدهد و اساساً " نمیتوان تورم را به یک عامل نسبت داد زیرا تورم منشاء و علل گوناگون دارد و بسته به شرایط ویژه و موقعیت اقتصادی هر کشور ممکن است یک یا دسته‌ای از علل نقش موثرتری داشته باشد. با توجه به اینکه در ایران در سالهای پس از انقلاب نقدینگی بخش خصوصی و اجزاء آن از رشد سالیانه قابل توجهی برخوردار بوده لذا تاثیر آن بر رشد سالیانه شاخص قیمتها غیر قابل انکار است. بر اساس ^{این} نظر گرفته شد که در چارچوب یک برداشت پولی از تورم تغییرات سطح قیمتها در فاصله سالهای ۱۳۲۸ تا ۱۳۶۸ بررسی شود. بدین ترتیب که در قالب سه الگو شاخص قیمتها بطور جداگانه در ارتباط با نقدینگی بخش خصوصی، حجم پول و اسکناس و مسکوک قرار داده شد و با استفاده از ارقام مربوط به متغیرهای مزبور در فاصله سالهای ۱۳۶۸-۱۳۲۸ سه الگو ذیل بر اساس روش حداقل مربعات معمولی تخمین زده شود.

در ذیل ابتدا به مقادیر متغیرها اشاره میشود و سپس تک تک مدلهای مورد بررسی قرار

میگیرد.

جدول شماره ۱: متغیرهای پولی و شاخص قیمت در سالهای ۱۳۲۸-۶۸

میلیارد ریال

obs	CPI	M1	M2	CU	D	D1
1338	54.80000	40.30000	51.60000	17.30000	1.000000	1.000000
1339	59.10000	41.60000	53.90000	17.00000	1.000000	1.000000
1340	60.00000	41.30000	57.50000	17.90000	1.000000	1.000000
1341	60.60000	44.30000	69.10000	19.80000	1.000000	1.000000
1342	61.20000	49.00000	81.50000	22.60000	1.000000	1.000000
1343	63.90000	53.90000	92.30000	24.10000	1.000000	1.000000
1344	64.00000	60.30000	105.5000	25.40000	1.000000	1.000000
1345	64.60000	66.30000	120.7000	27.40000	1.000000	1.000000
1346	65.10000	77.10000	144.3000	30.80000	1.000000	1.000000
1347	66.10000	87.90000	175.3000	34.10000	1.000000	1.000000
1348	68.40000	90.40000	207.5000	37.10000	1.000000	1.000000
1349	69.40000	97.40000	235.0000	40.00000	1.000000	1.000000
1350	75.30000	117.0000	296.3000	49.50000	1.000000	1.000000
1351	77.90000	153.7000	399.4000	66.40000	1.000000	1.000000
1352	86.60000	202.7000	515.8000	80.40000	1.000000	1.000000
1353	100.0000	327.2000	810.1000	131.0000	1.000000	1.000000
1354	109.9000	446.5000	1140.500	182.2000	1.000000	1.000000
1355	123.1000	611.2000	1593.500	249.2000	1.000000	1.000000
1356	160.2000	790.5000	2097.000	325.5000	1.000000	1.000000
1357	176.2000	1236.500	2573.600	602.7000	0.000000	0.000000
1358	196.3000	1665.800	3550.000	927.2000	0.000000	1.000000
1359	242.5000	2203.300	4337.300	1231.200	0.000000	1.000000
1360	297.2000	2707.500	5111.700	1407.200	0.000000	1.000000

Obs	CPI	M1	M2	CU	D	D1
1361	355.2000	3483.900	6350.700	1642.600	0.000000	1.000000
1362	418.1000	3869.600	7456.200	1856.100	0.000000	1.000000
1363	462.1000	4557.600	7966.900	2048.600	0.000000	1.000000
1364	480.7000	4923.600	9002.100	2176.300	0.000000	1.000000
1365	581.0000	5938.900	10722.60	2770.300	0.000000	1.000000
1366	747.2000	6776.700	12668.10	3012.100	0.000000	1.000000
1367	953.1000	8037.500	15687.60	3725.000	0.000000	1.000000
1368	1148.200	9272.400	18734.40	3930.000	0.000000	1.000000

ماخذ : گزارش اقتصادی و تراز نامه های بانک مرکزی و سالنامه های آماری - سازمان برنامه و بودجه - مرکز آمار ایران.

الگوی اول :

$$CPI = -0.71/76 + 0.129 M1$$

$$R^2 = 0.993 \quad DW = 1/202$$

$$S.E \quad 364/2 \quad 0.18 \quad F = 2036/9$$

CPI شاخص قیمتهای خرده فروشی و M1 حجم پول است که خود شامل اسکناس ، مسکوک و سپرده های دیداری است .

الگوی دوم :

$$CPI = -0.36/5 + 0.063 M2$$

$$R^2 = 0.997 \quad DW = 1/782$$

$$S.E \quad 201/10 \quad 0.05 \quad F = 4580/8$$

M2 نقدینگی بخش خصوصی است .

الگوی سوم :

$$CPI = 0.37/08 + 0.265 CU$$

$$R^2 = 0.98 \quad DW = 1/459$$

$$S.E \quad 62/67 \quad 0.24 \quad F = 694/27$$

CU اسکناس و مسکوک در جریان است. مقدار R^2 و آزمون F در هر سه مدل مبین این است که در سه الگو، رگرسیون دارای قابلیت توضیح تغییرات شاخص قیمتها بتبع تغییرات متغیر مستقل است. و همچنین با توجه به مقدار عددی ملاک آزمون t مشخص میشود که حضور متغیر توضیحی M_1 در مدل اول، M_2 در مدل دوم و CU در مدل سوم قابل توجیه است. (۱) به عبارت دیگر آزمون t مؤید حفظ متغیرهای مزبور در الگوهای مربوطه است. با مقایسه سه مدل فوق مشخص میشود که اسکناس و مسکوک در گردش، تاثیر تورم زایی بیشتری نسبت به حجم پول و نقدینگی بخش خصوصی دارد برای مثال مدل یک تا سه بیانگر این است که یک واحد (یک میلیارد ریال) افزایش در حجم پول موجب افزایش شاخص قیمتها بمیزان ۰/۱۲۹ واحد میشود و در عین حال یک واحد (میلیارد ریال) افزایش در نقدینگی بخش خصوصی منجر به افزایش شاخص قیمتها بمیزان ۰/۶۳ واحد میشود، در صورتیکه یک واحد (یک میلیارد ریال) افزایش در حجم اسکناس و مسکوک در جریان، شاخص قیمتها را به میزان ۰/۲۶۵ واحد افزایش میدهد. توجه این موضوع به این ترتیب است که افزایش در حجم اسکناس و مسکوک بطور مستقیم و با سرعت بیشتری نسبت به افزایش در حجم M_2 موجب افزایش تقاضا برای کالا و خدمات و نهایتاً "منجر به تورم شده است. در حالیکه برای مثال در الگوی دوم بدلیل حضور سپرده دیداری و غیر دیداری در مقایسه با الگوی سوم از میزان تاثیر متغیر توضیحی بر شاخص قیمتها کاسته شده و این ناشی از این است که سپرده های غیر دیداری و دیداری در مقایسه با اسکناس و مسکوک در جریان با تاخیر بیشتری در مجرای تقاضای کالا و خدمات قرار میگیرد و در مجموع اسکناس و مسکوک از قدرت تورم زایی بیشتری برخوردار بوده است. مقدار R^2 در الگوی دوم نسبت به دو الگوی دیگر بیشتر است و به عبارت دیگر خط رگرسیونی در الگوی دوم تغییرات شاخص قیمتها بصورت بهتری تبیین شده، زیرا که در این الگو نقدینگی بخش خصوصی بعنوان متغیر توضیحی در نظر گرفته شده است در حالیکه متغیرهای توضیحی دو الگوی دیگر یعنی حجم پول (سپرده دیداری + اسکناس و مسکوک = M_1) و اسکناس و مسکوک در جریان (CU) تنها جزئی از نقدینگی بخش خصوصی است و لذا

(۱) - در سطح احتمال ۹۵ درصد با درجه آزادی ۲ و ۲۷ مقدار تابع F برابر ۱۳/۲۵ است و با همین سطح احتمال و درجه آزادی ۲۷ مقدار تابع t دو طرفه برابر با $\pm ۲/۰۵۲$ میباشد.

خطرگرسیون (۲) و (۳) در مقایسه با الگوی دوم توانسته بخشی از اثرات تغییرات نقدینگی بخش خصوصی را بر شاخص قیمتها تبیین کند.

با توجه به کمیت‌های آماری دوربین واتسن (D.W.) وجود خود همبستگی بین جملات اخلال مشاهده شد که با اعمال روش کوکران - اورکات این نقیصه در الگوهای مورد نظر بر طرف شد.

از سال ۱۳۵۷ باین طرف اقتصاد ایران و بخشهای مختلف آن تحت تاثیر نا آرامیهای سیاسی و جنگ ایران و عراق قرار گرفت و لذا بمنظور لحاظ کردن عوامل کیفی فوق در تبیین تغییرات شاخص قیمتها، ورود یک متغیر مجازی در مدل ضروری بنظر میرسید. بر این اساس و با فرض اینکه برای سالهای قبل از ۱۳۷۵ مقدار D برابر یک و برای سالهای پس از ۱۳۵۷، $D = 0$ باشد سه الگوی قبل همراه با یک متغیر مجازی تخمین زده شد. نا گفته نماند که در این بررسی فرض بر این است که متغیر مجازی صرفاً "عرض از مبدا را متاثر میسازد و شیب خطرگرسیون بدون تغییر باقی میماند. نتایج حاصل از تخمین سه الگوی همراه با متغیر مجازی بترتیب ذیل است.

الگوی چهارم:

$$CPI = -47/93 + 0/129 M_1 + 44/14 D \quad R^2 = 0/994 \quad DW = 1/23$$

$$S \cdot E \quad 145/06 \quad 0/015 \quad 24/81 \quad F = 1468$$

الگوی پنجم:

$$CPI = -16/98 + 0/062 M_2 + 16/12 D \quad R^2 = 0/997 \quad DW = 1/84$$

$$S \cdot E \quad 99/4 \quad 0/004 \quad 16/65 \quad F = 3023/4$$

الگوی ششم:

$$CPI = -105/41 + 0/293 CU + 159/33 D \quad R^2 = 0/987 \quad DW = 1/56$$

$$S \cdot E \quad 27/97 \quad 0/019 \quad 36/697 \quad F = 623/7$$

مقادیر R^2 ، F در هر سه الگو مبین خوبی خطرگرسیون است. آزمون t بر این امر اشاره دارد که ورود متغیر مجازی در الگوهای (۴) و (۵) غیر ضروری است و اصولاً "الگوهای (۲) با (۴) از یک سو و (۳) با (۵) از سوی دیگر تفاوت محسوسی ندارد. اما آزمون t در الگوی (۶) موید اهمیت متغیر مجازی D و حفظ آن در الگو است و برای اولین بار در میان (۶)

الگوی مورد بررسی، عرض از مبدا، معنی دار است. در قالب همین الگو برای سالهای قبلی از انقلاب و با فرض $D = 1$ خطرگرسیون بصورت ذیل خواهد بود.

$$CPI = 43/9 + 0/293 D$$

همچنین برای سالهای پس از ۱۳۵۷ خطرگرسیون بصورت $CPI = -105/11 + 0/293 D$ است. که در واقع با مقایسه این دو مشخص می شود که خطرگرسیون در سالهای پیش از انقلاب در سطح بالاتری قرار داشته است. بنابراین تاثیر عواملی کیفی باین صورت که از قرار گرفتن شاخص قیمتها در سطح بالاتر از مقادیر مربوط به سالهای پس از انقلاب ممانعت بعمل آورده و خط رگرسیون پس از سال ۱۳۵۷ به پائین منتقل شده است. این موضوع با توجه به نوع برداشت از تورم و اینکه در الگو عوامل غیر پولی مورد توجه قرار نگرفته اند توجیه پذیر است. در تکمیل این بررسی یکبار نیز متغیر مجازی برای تمامی سالها باستثناء سال ۵۷ بصورت $D_1 = 1$ و برای سال ۵۷ بصورت $D_1 = 0$ تعریف شد و نتایج حاصل از تخمین الگوها بصورت ذیل است.

الگوی هفتم:

$$CPI = -24/91 + 0/129 M_1 + 3/03 D_1 \quad R^2 = 0/993 \quad DW = 1/18$$

S.E 277/5 0/019 17/75 F = 1309/17

الگوی هشتم:

$$CPI = -46/03 + 0/063 M_2 - 13/58 D_1 \quad R^2 = 0/997 \quad DW = 1/7$$

S.E 295/8 0/005 11/43 F = 3106

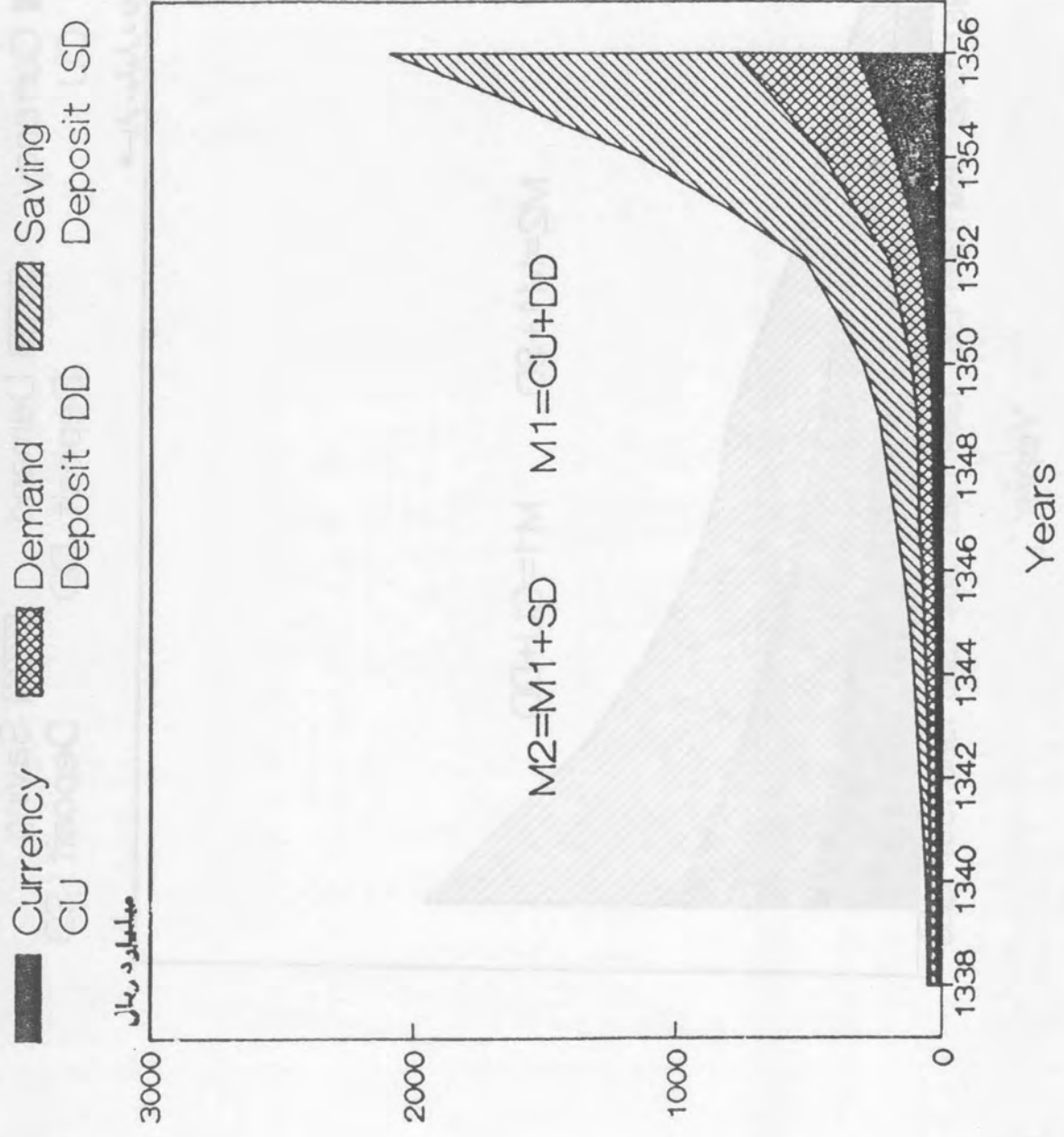
الگوی نهم:

$$CPI = -15/9 + 0/261 CU + 48/32 D_1 \quad R^2 = 1/982 \quad DW = 1/28$$

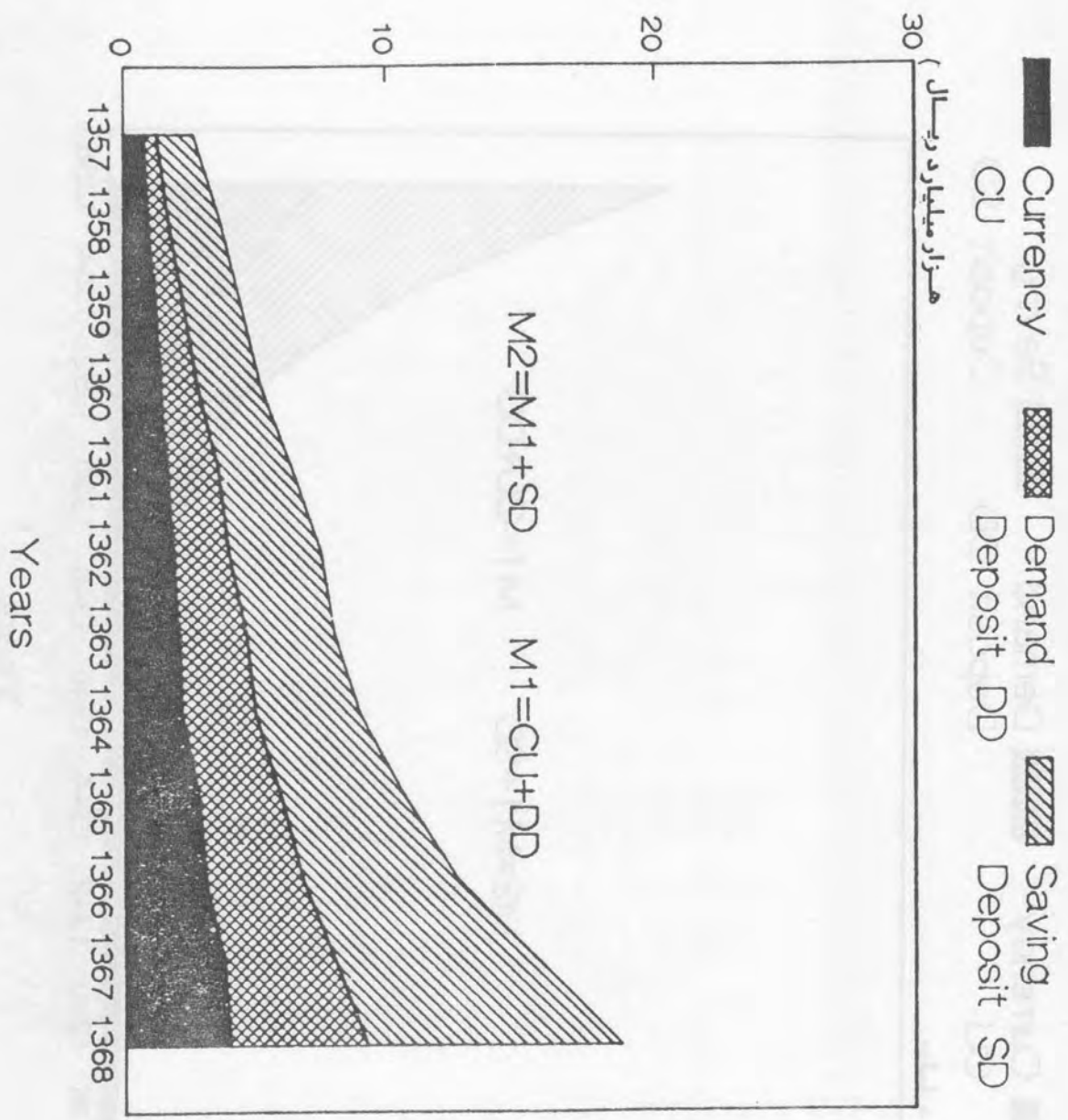
S.E 85/1 0/039 32/24 F = 489/93

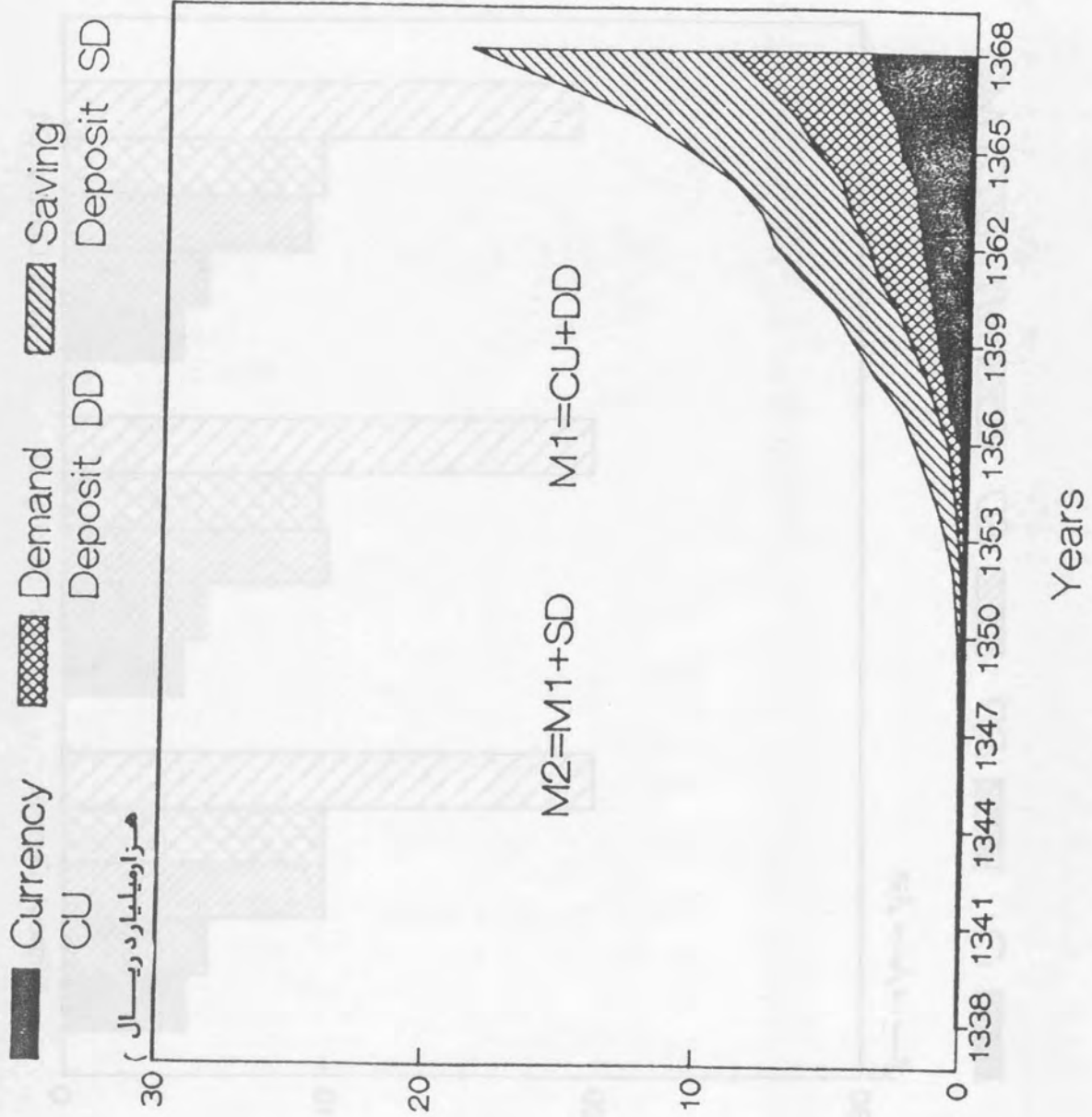
مقادیر R^2 و F بیانگر خوبی هر سه خطرگرسیون فوق است ولی آزمون فرضیه t مشابه حالتها قبل R^2 و F بیانگر عدم اهمیت متغیر مجازی D میباشد.

در مجموع با مطالعه الگوهای ۹ گانه میتوان اظهار داشت اولاً "قدرت تورم زایی اسکناس و مسکوک در جریان، نسبت به حجم پول و نقدینگی بخش خصوصی بیشتر بوده و ثانیاً "عوامل کیفی مربوط به سالهای پس از انقلاب موجب انتقال شاخص قیمتها به پائین شده است. این مساله را میتوان اینطور توجیه کرد که در سالهای پس از انقلاب سیاستهای انقباضی پولی

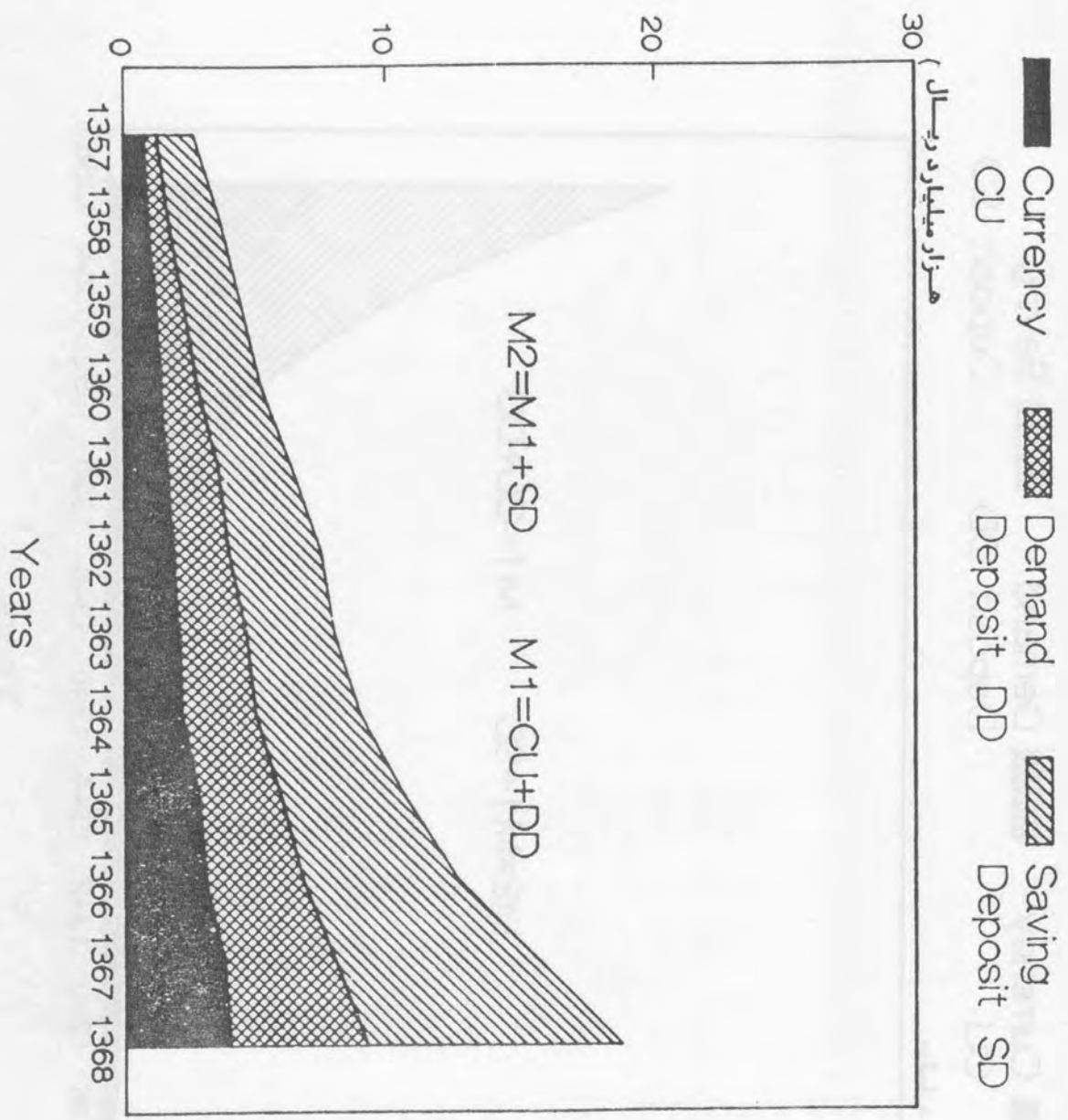


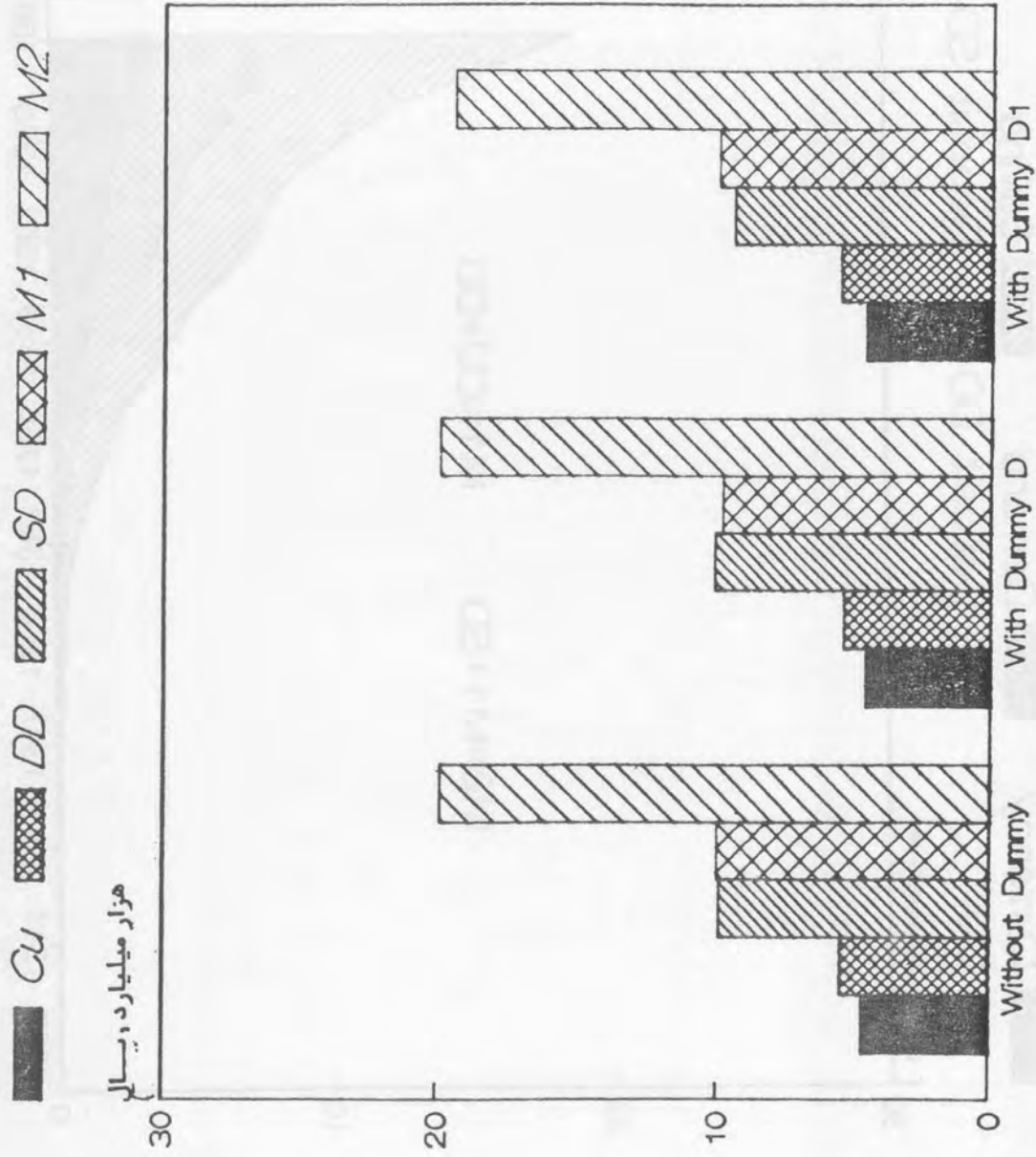
نمودار شماره (۴)، روند اجزا حجم پول و نقدینگی، ۱۳۳۸ - ۱۳۶۸





نمودار شماره (۴)، روند اجزا حجم پول و نقدینگی، ۱۳۳۸ - ۱۳۶۸

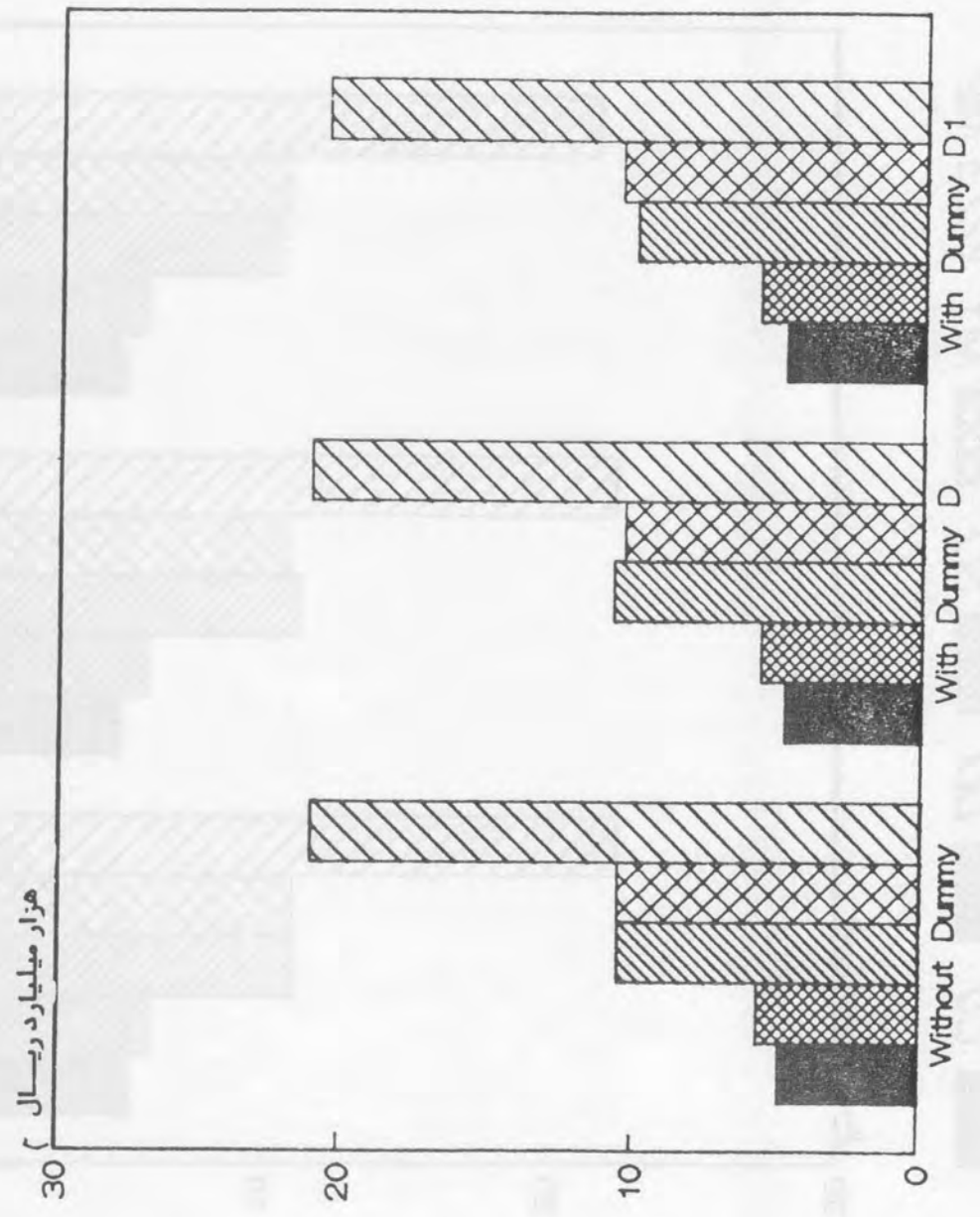
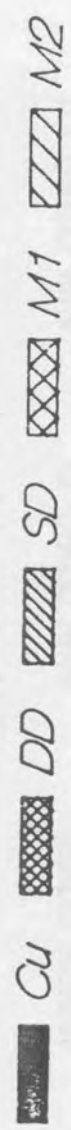




Different Models

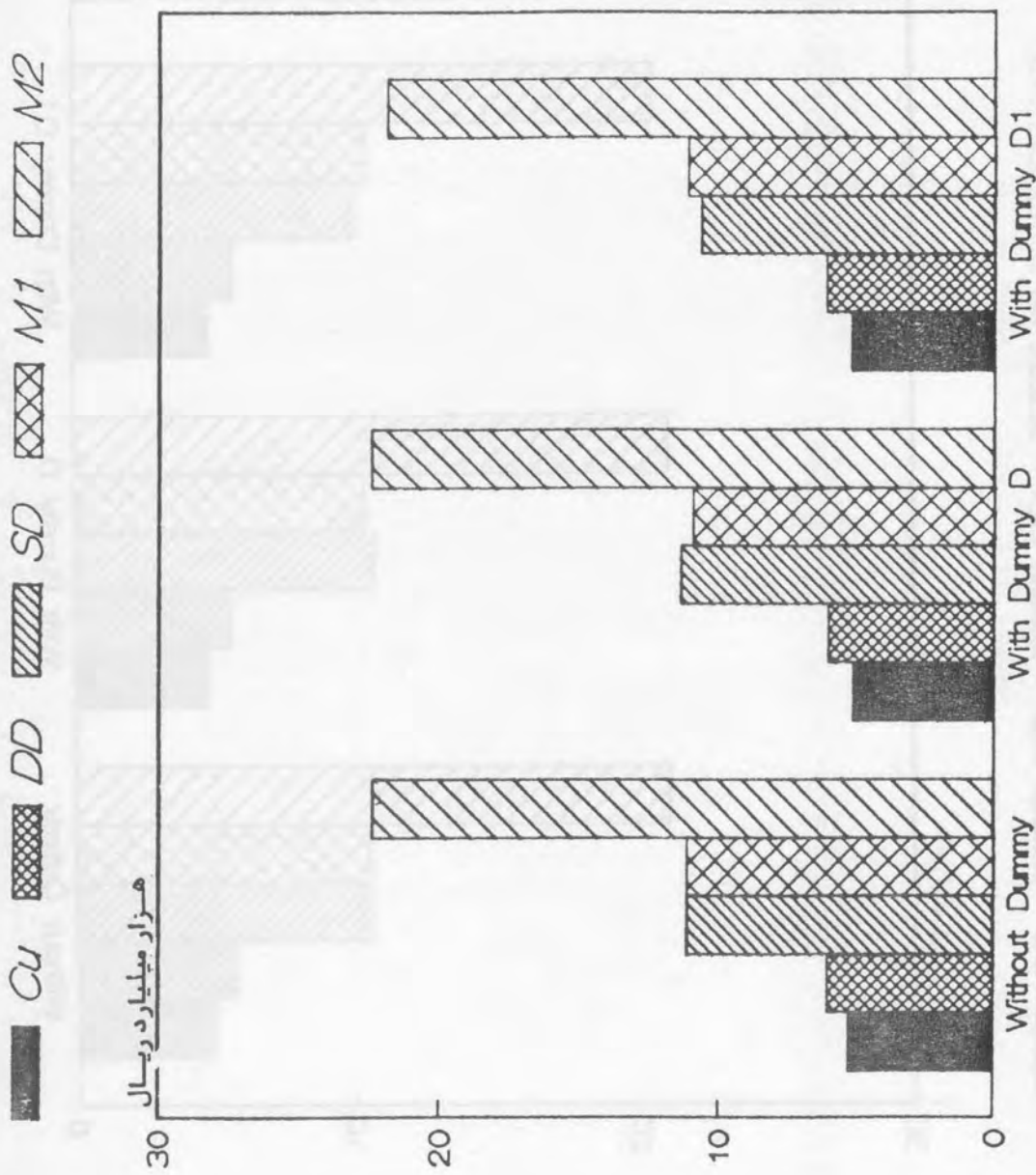
نمودار شماره ۴، پیش بینی اجزاء نقدینگی در سال ۱۳۷۰ براساس نرخ تورم ۶ درصد

1370



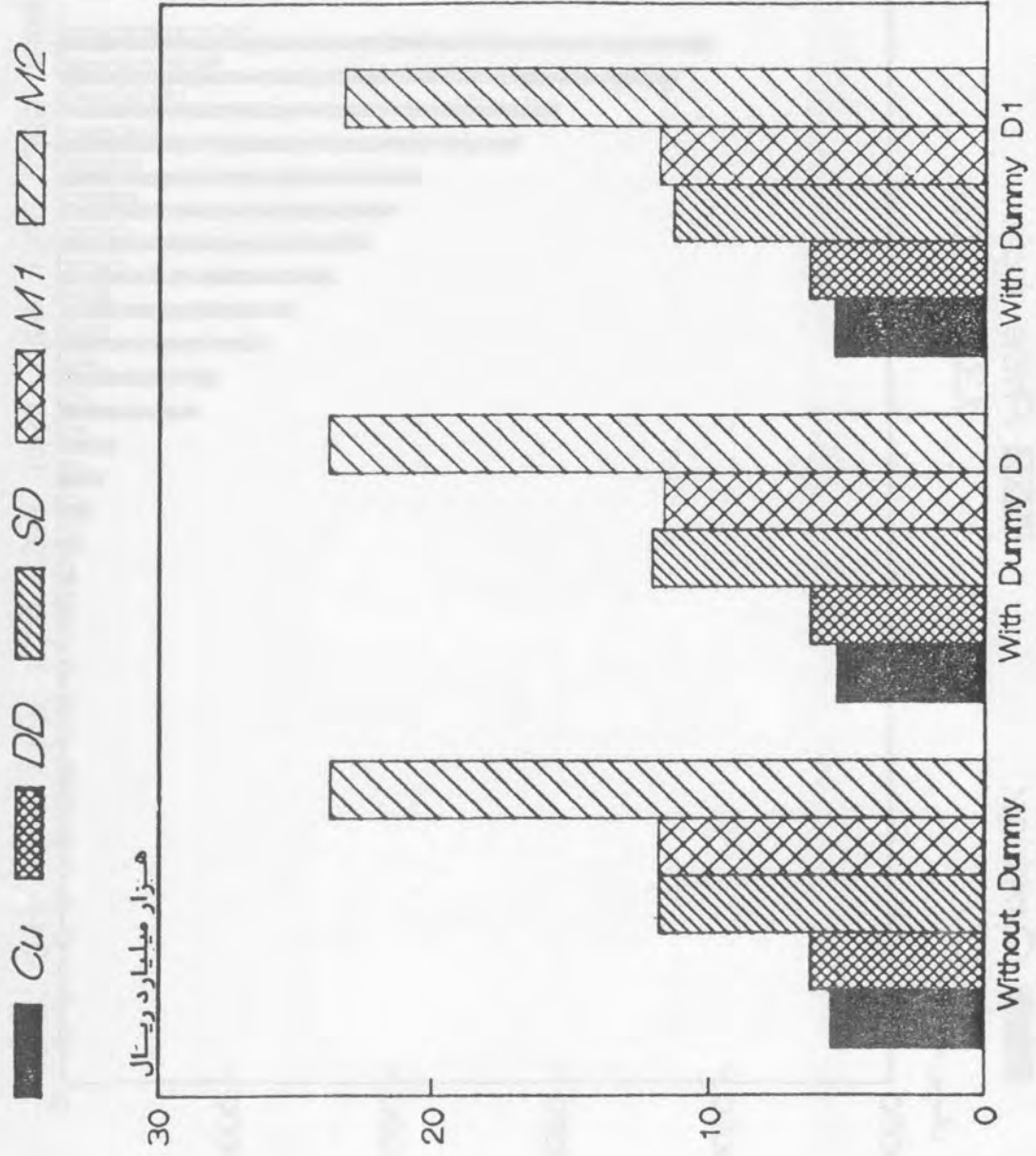
Different Models

نمودار شماره ۵، پیش بینی اجزاء نقدینگی در سال ۱۳۷۱ بر اساس نرخ تورم ۶ درصد



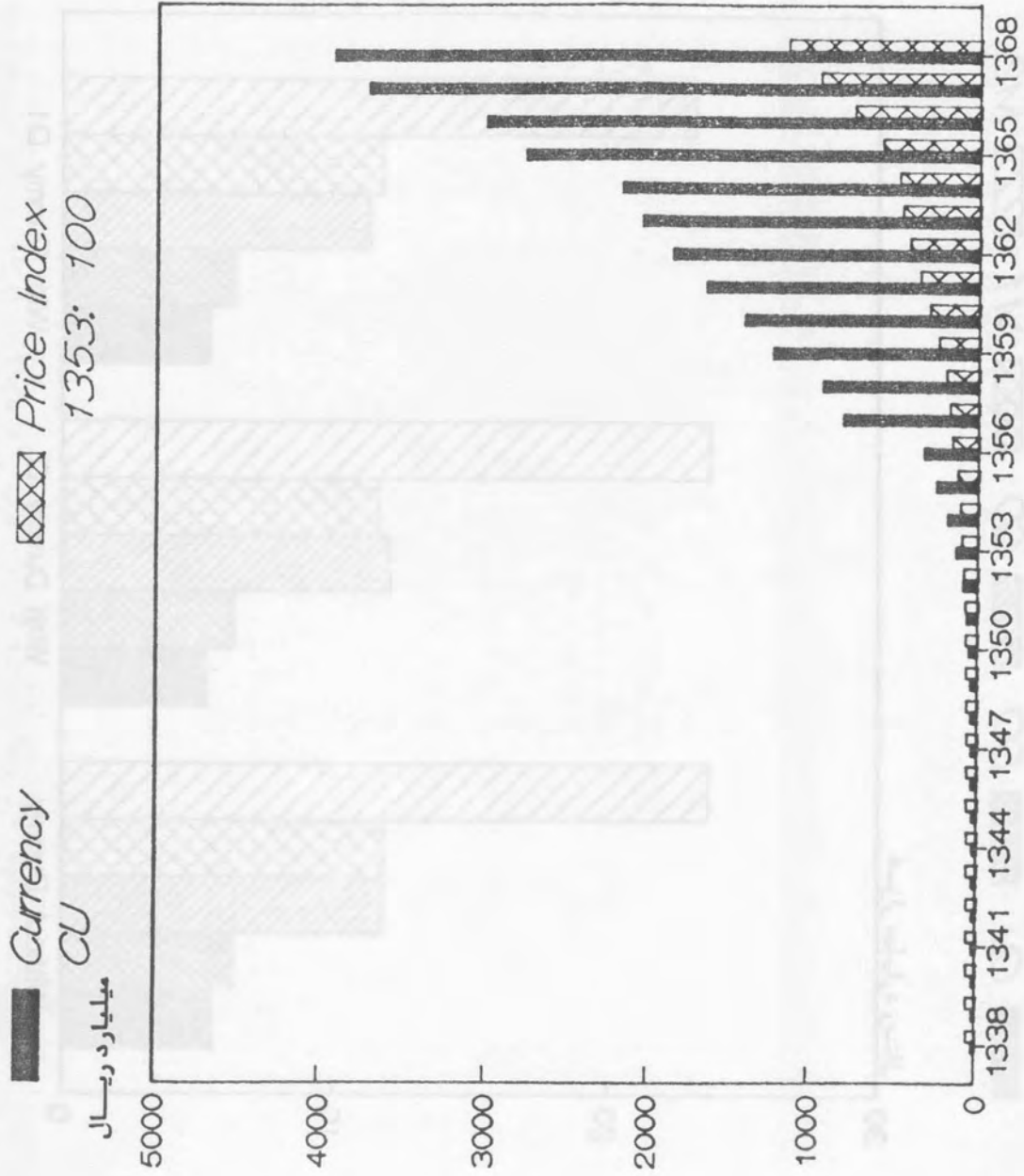
Different Models

نمودار شماره ۵، پیش بینی اجزاء نقدینگی در سال ۱۳۷۲ بر اساس نرخ تورم ۶ درصد



Different Models

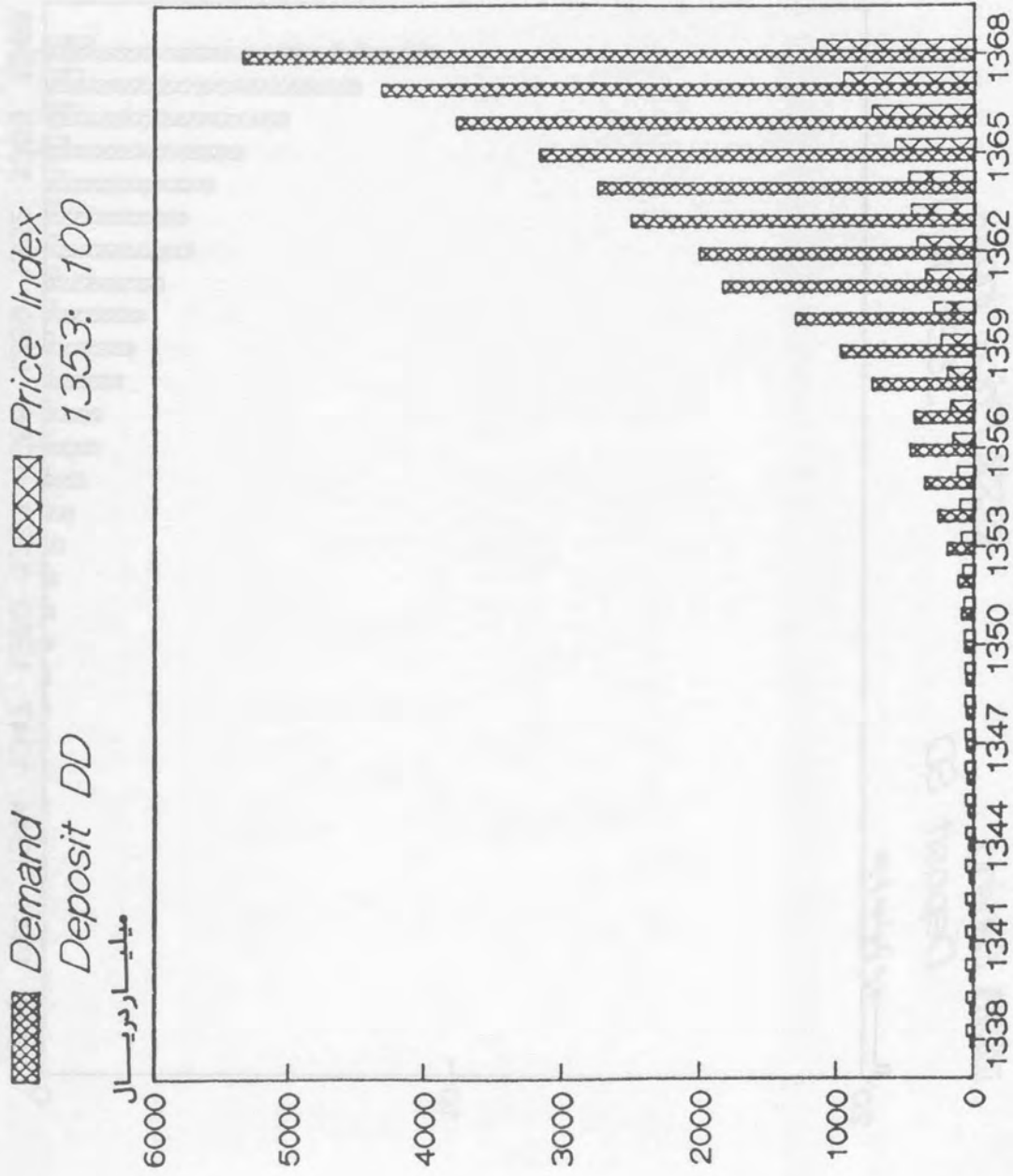
نمودار شماره ۸، رابطه میان اسکناس و مسکوک و شاخص قیمت ۱۳۳۸-۱۳۶۸



Years

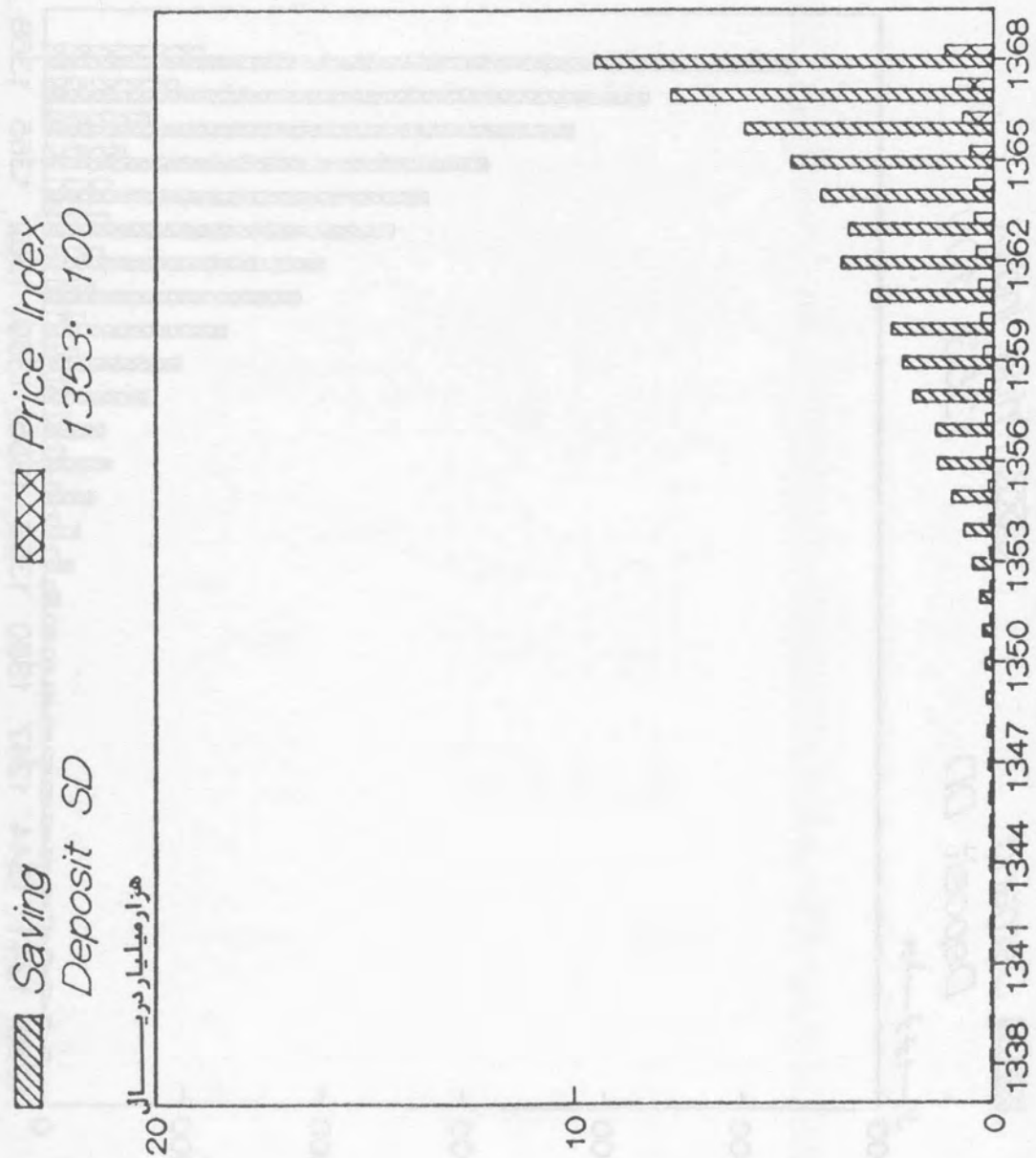
نمودار شماره ۹، رابطه میان سپرده میداری و شاخص قیمت

۱۳۳۸-۱۳۶۸



Years

نمودار شماره ۱۰، رابطه میان سپرده های پس انداز شاخص قیمت ۱۳۳۸-۱۳۶۸



Years

(۵۶-۳)

بررسی متغیرهای پولی بر اساس نرخ تورم (۶ درصد)

ملاحظه شد که نقدینگی بخش خصوصی و بعضی از اجزاء آن یعنی حجم پول اسکناس و مسکوک در جریان، بخوبی قادر به تبیین تغییرات شاخص قیمتها در فاصله بین سالهای ۱۳۳۸ تا ۱۳۶۸ است. حال با فرض اینکه نرخ تورم متعارف در طول برنامه اول معادل ۶ درصد باشد بررسی میکنیم که متغیرهای توضیحی یعنی اسکناس و مسکوک در جریان (CU)، حجم پول (سپرده دیداری + اسکناس و مسکوک = M_1) و نقدینگی بخش خصوصی (سپرده های غیر دیداری + حجم پول = M_2) چه میزان باشد تا نرخ سالانه تورم ۶ درصد محقق شود. بر این اساس شاخص قیمتها را با فرض نرخ ۶ درصد در طی سالیان برنامه محاسبه کرده و با قرار دادن مقادیر آن در مدلهای ۹ گانه فوق نتایج زیر حاصل شد:

جدول شماره ۲، بیش بینی نقدینگی بخش خصوصی و اجزاء آن بر اساس نرخ تورم ۶ درصد میلیارد ریال

سال	CPI (۲)	متغیر مجازی (۱)	CU	M_1	M_2	DD	SD
۱۳۶۹	۱۲۱۷/۰۹۲	ندارد	۴۶۰۹/۴۲۳	۹۹۹۱/۱۰۱	۱۹۸۹۸/۲۹	۵۳۸۱/۶۸	۹۹۰۷/۱۹
		D	۴۵۱۳/۶۶۲	۹۸۰۶/۳۷۲	۱۹۹۰۴/۳۹	۵۲۹۲/۷۱	۱۰۰۹۸/۰۲
		D_1	۴۵۳۸/۹۷۷	۹۹۹۲/۰۳۰	۱۹۴۱۳/۵۴	۵۴۵۳/۰۵	۹۴۲۱/۵۱
۱۳۷۰	۱۲۹۰/۱۱۷	ندارد	۴۸۹۴/۶۷۷	۱۰۵۵۷/۱۹	۲۱۰۵۷/۴۲	۵۶۶۲/۵۲	۱۰۵۰۰/۲۳
		D	۴۷۶۲/۸۹۵	۱۰۳۷۲/۴۶	۲۱۰۸۲/۲۲	۵۶۰۹/۵۷	۱۰۷۰۹/۷۶
		D_1	۴۸۱۸/۷۶۴	۱۰۵۵۸/۱۲	۲۰۵۷۲/۶۷	۵۷۳۹/۳۶	۱۰۰۱۴/۵۵
۱۳۷۱	۱۳۶۷/۵۲۴	ندارد	۵۱۹۷/۰۴۸	۱۱۱۵۷/۲۴	۲۲۲۸۶/۱۰	۵۹۶۰/۱۹	۱۱۱۲۸/۸۶
		D	۵۰۲۷/۰۸۳	۱۰۹۷۲/۵۲	۲۲۳۳۰/۷۲	۵۹۴۵/۴۴	۱۱۳۵۸/۲۰
		D_1	۵۱۱۵/۳۴۲	۱۱۱۵۸/۱۷	۲۱۸۰۱	۶۰۴۲/۸۳	۱۰۶۴۲/۸۳
۱۳۷۲	۱۴۴۹/۵۷۶	ندارد	۵۵۱۷/۵۶۱	۱۱۷۹۳/۳	۲۳۵۸۸/۵	۶۲۷۵/۷۴	۱۱۷۹۵/۲
		D	۵۳۰۷/۱۲۲	۱۱۶۰۸/۵۷	۲۳۶۵۴/۱۳	۶۳۰۱/۴۵	۱۲۰۴۵/۵۶
		D_1	۵۴۲۹/۷۱۵	۱۱۷۹۴/۲۳	۲۳۱۰۳/۷۶	۶۳۶۴/۵۲	۱۱۳۰۹/۵۳

(۱) - مقادیر فوق یکبار در الگو بدون متغیر مجازی و یکبار با متغیر مجازی D و بار دیگر با متغیر مجازی

D_1 محاسبه شده است .

(۲) - شاخص قیمتها در طول سالهای برنامه پنجساله به ترتیب ذیل محاسبه میشود . ادامه زیر نویس در صفحه بعد

اگر در چارچوب الگویی که متغیر مجازی D در آن وارد شده است بحث را ادامه دهیم ملاحظه میشود که تحقق نرخ تورم ۶ درصد در طول سالهای برنامه ایجاب میکند مقامات پولی سیاستهای پولی را چنان تنظیم کنند که حجم اسکناس و مسکوک از ۴۵۱۳/۶۶۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۱ به ۵۳۰۷/۱۲۲ میلیارد ریال در سال پایان برنامه افزایش یابد و در طی همین دوره حجم پول (M_1) از ۹۸۰۶/۳۷۲ میلیارد ریال به ۱۱۶۰۸/۵۷ میلیارد ریال و نقدینگی بخش خصوصی از ۱۹۹۰۴/۳۹ میلیارد ریال به ۲۳۶۵۴/۱۳ میلیارد ریال افزایش یابد و در همین راستا در طی مدت مزبور میباید حجم سپرده های دیداری (DD) از ۵۲۹۲/۷۱ میلیارد ریال به ۶۳۰۱/۴۵ میلیارد ریال و حجم سپرده های غیر دیداری از ۱۰۰۹۸/۰۲ میلیارد ریال به ۱۲۰۴۵/۵۶ میلیارد ریال افزایش یابد.

حال برای درک بهتر رابطه بین شاخص قیمتها و متغیرهای پولی مناسب است که تغییرات زمانی این متغیرها را در فاصله سالهای ۶۸-۱۳۳۸ در قالب نمودارهای زیر مطالعه کنیم:

CPI_{68-69}	$CPI_{68-69} \times 100 = 6$	$CPI_{68-69} = 1148/2$	$CPI_{69} = 1217/092$
CPI_{68}	$- 1217/092$	$1148/2$	
CPI_{70}	$\times 100 = 6$		$CPI = 1290/117$
	$1217/092$		70
CPI_{71}	$- 1290/117$		$CPI = 1367/524$
	$\times 100 = 6$		71
	$1290/117$		
CPI_{72}	$- 1367/524$		$CPI = 1449/576$
	$\times 100 = 6$		72
	$1367/524$		

با ملاحظه نمودارهای صفحات قبل و با توجه به مطالب بخش اول این فصل مشخص می‌شود که در فاصله سالهای ۱۳۳۸ تا ۱۳۶۸ رابطه همسوئی بین شاخص قیمتها از یک طرف و متغیرهای پولی از طرف دیگر وجود دارد و علاوه بر این تغییرات نرخ رشد این متغیرها، یکسان و از روند مشابهی برخوردار است و در مجموع قرائن موجود در نمودارهای فوق این ادعا^{را که} " در طی سالهای ۶۸ - ۱۳۳۸ تغییرات شاخص قیمتها توسط تغییرات متغیرهای پولی تبیین می‌شود " حمایت می‌نماید.

همانطور که ملاحظه شد ارقام جدول (۲) مقادیر نقدینگی بخش خصوصی و اجزاء آن—را در طول برنامه اول و با توجه به نرخ تورم ۶ درصد نمایش می‌دهد و بر همین اساس نرخ رشد نقدینگی در فاصله زمانی ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۲ در جدول زیر آورده شده است.

جدول شماره (۳) - نقدینگی خصوصی و رشد سالیانه آن بر اساس نرخ سالانه تورم ۶ درصد

	متغیر مجازی	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲
نقدینگی - بخش خصوصی و رشد آن (۱)	ندارد	۱۸۷۳۴/۴	۱۹۸۹۸/۲۹	۲۱۰۵۷/۴۲	۲۲۲۸۶/۱	۲۳۵۸۸/۵
			۶/۲	۵/۸	۵/۸	۵/۸
	D	۱۸۷۳۴/۴	۱۹۹۰۴/۳۹	۲۱۰۸۲/۲۲	۲۲۳۳۰/۷۲	۲۳۶۵۴/۷۳
			۶/۲۴	۵/۹	۵/۹	۵/۹
	D ₁	۱۸۷۳۴/۴	۱۹۴۱۳/۵۴	۲۰۵۷۲/۶۷	۲۱۸۰۱	۲۳۱۰۳/۷۶
			۳/۶	۵/۹	۵/۹	۵/۹

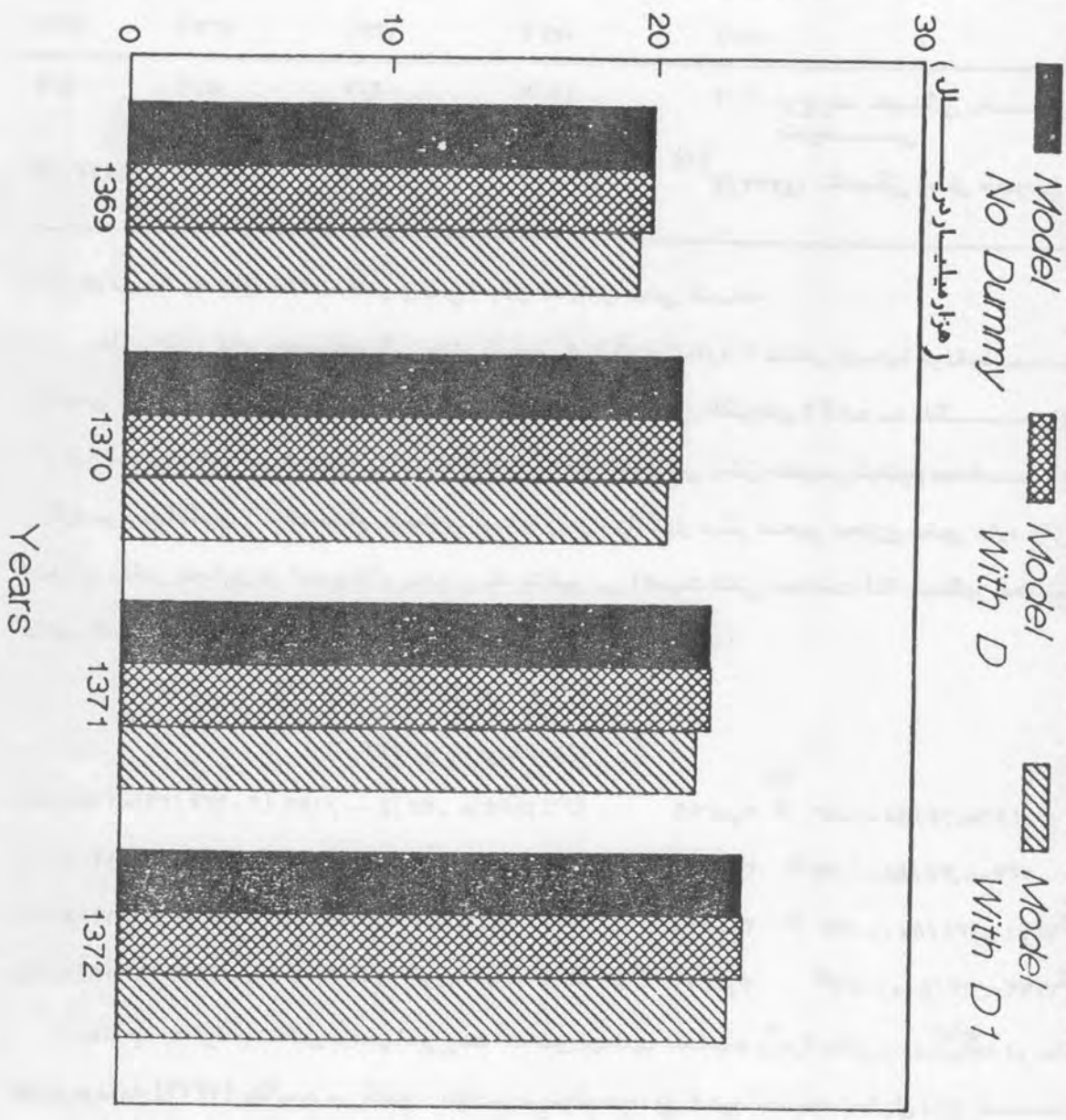
(۱) - در جدول فوق مقادیر نرخ رشد در زیر نمایش داده شده است.

پس نرخ تورم ۶ درصد ایجاب می‌کند که نقدینگی بخش خصوصی در طول برنامه اول نیز سالیانه ۶ درصد رشد داشته باشد و این در حالی است که از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۸ با استثنای سال ۱۳۶۳ نقدینگی بخش خصوصی با نرخ رشد دو رقمی افزایش یافته است و لذا تحقق نرخ رشد ۶ درصد در نقدینگی بخش خصوصی بسیار خوشبینانه است مگر آنکه سیستم پولی بمعنای واقعی استقلال یابد و از شدت متابعت سیاست پولی سیاست مالی کاسته شود تا از آثار انبساطی سیاست های مالی و اثرات تکاثری آن بر نقدینگی بخش خصوصی جلوگیری شود. نمودارهای ذیل نمایانگر مسیر زمانی متغیرهای نقدینگی بخش خصوصی و شاخص قیمتها با نرخ رشد ۶ درصد می‌باشد.

(۱) - در واقع نتایج فوق بر اساس این فرض ضمنی است که تولید واقعی کل و سرعت گردش پول ثابت

است.

نمودار شماره ۱۱، پیش بینی نقدینگی برای سالهای ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ براساس نرخ تورم ۴ درصد



با انجام عمل فوق برای سالهای ۷۰ تا ۷۲ نقدینگی بخش خصوصی را بر اساس پیش بینی تحقق یافته سال ۶۸ و اعمال نرخ های رشد پیش بینی شده در برنامه برای بقیه سالها محاسبه کرده که مقادیر آن در جدول ذیل نمایش داده شده است.

(میلیارد ریال)

جدول شماره ۵ - پیش بینی نقدینگی بخش خصوصی در فاصله سالهای ۶۸-۷۲

	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲
نرخ رشد نقدینگی بخش خصوصی	۱۹/۴	۱۱/۷	۹/۲	۵/۹	۵/۳
نقدینگی بخش خصوصی (۱)	۱۸۷۳۴/۴	۲۰۹۲۶/۳۲	۲۲۸۵۱/۵۴	۲۴۱۹۹/۷۷	۲۵۰۴۶/۷۶

(۱) رقم مربوط به سال ۱۳۶۸ مقدار واقعی است و نه پیش بینی شده.

حال با قرار دادن حجم نقدینگی بخش خصوصی در الگوی شماره ۲ شاخص قیمتها در فاصله سالهای ۶۹-۷۲ محاسبه خواهد شد. قبلاً" ملاحظه شد که در بین الگوهای ۹ گانه سه الگوی ۲ و ۵ و تغییرات شاخص قیمتها را توسط تغییرات حجم نقدینگی بخش خصوصی توضیح میدهد و علاوه بر این الگوی ۲ فاقد متغیر مجازی است ولی در دو الگوی دیگر متغیر مجازی حضور دارد و از آنجاکه متغیر مجازی در این دو الگو بعنوان یک متغیر بی اهمیت تلقی شده است لذا بمنظور محاسبه شاخص قیمتها تنها از الگوی دوم استفاده میشود به این ترتیب که :

$$GPI_t = -36/5 + 0.063 M_{2t}$$

$$t = 1369 \text{ و } 1372$$

(۱)

$$CPI_{1369} = -36/5 + 0.063 M_{2 \text{ و } 1369} = 1281/86$$

$$CPI_{1370} = -36/5 + 0.063 M_{2 \text{ و } 1370} = 1403/15$$

$$CPI_{1371} = -36/5 + 0.063 M_{2 \text{ و } 1371} = 1488/09$$

$$CPI_{1372} = -36/5 + 0.063 M_{2 \text{ و } 1372} = 1541/45$$

باتوجه به ارقام شاخص قیمتها نرخ رشد شاخص قیمتها محاسبه و آنرا با تورم پیش بینی شده در سال پایان برنامه (۱۳۷۲) مقایسه می کنیم. مقادیر مربوط در جدول ۶ در صفحه بعد نمایش داده شده است.

(۱) منظور از M_2 نقدینگی بخش خصوصی است.

جدول شماره ۶ : شاخص قیمت‌ها و نرخ رشد آن

۱۳۶۸-۷۲

	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲
CPI	۱۱۴۸/۲	۱۲۸۱/۸۶	۱۴۰۳/۱۵	۱۴۸۸/۰۹	۱۵۴۱/۴۵
CPI* (1)	۲۲/۷	۱۲	۹	۶	۴
پیش بینی برنامه	۲۰/۵	۱۶/۸	۱۴/۳	۱۱/۴	۸/۹

بنابراین ملاحظه می‌شود علیرغم اینکه نرخ رشد نقدینگی بخش خصوصی در سال ۶۸ بی‌ش از میزان پیش بینی شده برنامه بوده است اما اگر چنانچه مقادیر پیش بینی شده برای سال‌های ۶۹ تا ۷۲ تحقق یابد آنگاه در قالب الگوی دوم حتی می‌توان انتظار داشت که نرخ رشد شاخص قیمت‌ها در سال پایان برنامه (۴ درصد) کمتر از میزان پیش بینی شده در قانون برنامه باشد (۸/۹) .

فصل چهارم : خلاصه و نتیجه گیری

یکی از اهداف برنامه اول جلوگیری از نرخ رشد و کاهش آن میباشد و در نظر است تورم نرخ تورم از ۲۸ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۸/۹ درصد در سال پایان برنامه کاهش یابد. صرف نظر از امکان یا عدم امکان تحقیق این هدف، شناخت عوامل موثر در افزایش نرخ تورم از ضروریات کنترل است. اساساً در تبیین تورم و بررسی علل آن هر تئوری دلائل خاص و مربوط به خود را ارائه میدهد و نمیتوان یک نتیجه گیری واحد و هماهنگ از مجموعه این نظریات داشت، علت این عدم هماهنگی در تنوع منشاء تورم نهفته است. اصولاً تورم منوط به وجود حداقل یکی از شرایط زیر است: اول اینکه مخارج و هزینه های کل سریعتر از جریان کالا و خدمات رشد کند، دوم وجود مازاد تقاضای کل که این ناشی از افزایش هزینه های دولت و هزینه های بخش خصوصی است، و سوم افزایش عرضه پول با نرخ رشدی بمراتب بیش از رشد تقاضای معاملاتی پول. با توجه به اینکه از نیمه اول سال ۱۳۵۲ به بعد و بویژه پس از انقلاب به سبب کسریهای مداوم بودجه، نقدینگی بطور سالیانه از رشد قابل ملاحظه ای برخوردار بوده است بنظر میرسد که در صد عمده ای از تغییرات شاخص قیمتها در ایران را بتوان بواسطه تغییرات نقدینگی تبیین کرد.

عرضه پول و حجم نقدینگی به دو عامل پایه پولی و ضریب تکاثری بستگی دارد و با تغییر هر یک از آنها میزان عرضه پول و نقدینگی تغییر مییابد. همانطور که در فصل اول اشاره شد پایه پولی را میتوان بر اساس منابع و مصارف آن تعریف کرد. دارائیهای داخلی و خارجی بانک مرکزی اقلام تشکیل دهنده منابع پایه پولی است و عبارتند از خالص دارائیهای خارجی بانک مرکزی، خالص مطالبات بانک مرکزی از بخش دولتی و مطالبات بانک مرکزی از بانکها (ناخالص) مصارف پایه پولی عبارتند از اسکناس و مسکوک در دست مردم، اسکناس و مسکوک نزد بانکها و سپرده های قانونی و آزاد بانکها نزد بانک مرکزی.

در فاصله سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۶۷ پایه پولی از ۱۸۸/۳ میلیارد ریال به ۹۵۱۹/۵ میلیارد ریال افزایش یافت. بررسی پایه پولی از بعد منابع نشان میدهد که در سالهای قبل از انقلاب خالص دارائیهای خارجی و بدهی بانکها به بانک مرکزی تاثیر افزایشی بر پایه پولی داشته بطوریکه دارائیهای خارجی بانک مرکزی از ۱۴۲/۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۲ به ۸۰۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ افزایش یافت. در همین مدت خالص بدهی بخش دولتی علاوه بر اینکه از روند نزولی برخوردار بوده و تاثیر منفی بر پایه پولی

گذارده از ارقام منفی نیز برخوردار بوده است و همین امر موجب شده بود که در سالهای قبل از انقلاب تغییرات خالص دارائیهای خارجی همواره بیش از تغییرات پایه پولی بوده و خالص مطالبات بانک مرکزی از ۲۰۹/۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ به ۸۵۸۰/۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ افزایش یابد. در مجموع میتوان اظهار کرد افزایش خالص دارائیهای خارجی در سالهای قبل از انقلاب و افزایش بدهی دولت به بانک مرکزی پس از انقلاب عاملی اصلی افزایش پایه پولی بوده است.

بررسی پایه پولی از بعد از مصارف نشان میدهد در سالهای قبل از انقلاب سهم اسکناس و مسکوک در دست مردم و سهم سپرده های بانکی نزد بانک مرکزی در کل پایه پولی برابر بوده است ولی پس از انقلاب و بخصوص در سال ۱۳۵۷ بدلیل عدم اعتماد مردم به سیستم بانکی بر سهم اسکناس و مسکوک در دست مردم به ضرر سپرده های بانکی نزد بانک مرکزی افزوده ولی با اعاده اعتماد به سیستم بانکی، در روند فوق چرخشی به نفع سهم سپرده بانکی نزد بانک مرکزی ملاحظه شد، بطوریکه در سال ۱۳۶۷، ۶۱/۳ درصد از پایه پولی را سپرده بانکی نزد بانک مرکزی و ۳۸/۷ درصد آنرا اسکناس مسکوک در دست مردم تشکیل میداد.

علاوه بر پایه پولی، ضریب تکاثری نقدینگی (حجم پول) عامل موثر دیگری در افزایش نقدینگی است. در فاصله سالهای ۵۲ تا ۶۷ ضریب تکاثری نقدینگی (حجم پول) از ۲/۷ (۱/۰۸) به ۱/۶۵ (۰/۸) کاهش یافته است. با ملاحظه ارقام جدول شماره ۵ فصل اول مشخص می شود که ضرائب تکاثری در فاصله سالهای ۵۲ تا ۵۶ تقریباً بدون تغییر بوده ولی از سال ۱۳۵۶ با شروع تشنجات سیاسی، ضرائب تکاثری همراه با نوساناتی از روند نزولی برخوردار شد. با توجه به اینکه ضریب تکاثری تابعی از نسبت ذخائر بانکی (مجموع ذخائر آزاد و قانونی) به کلیه سپرده های تودیع شده نزد آنها (K) ، نسبت سپرده های غیر دیداری به سپرده دیداری (t) و نسبت سپرده های بخش دولتی نزد بانکها به سپرده های دیداری (g) است لذا میتوان کاهش ضریب تکاثری نقدینگی در سالهای بعد از انقلاب را بواسطه افزایش k و g تبیین کرد زیرا ضریب تکاثری نقدینگی با k و g رابطه مستقیم دارد.

محاسبه در صد رشد نقدینگی، پایه پولی و ضریب تکاثری در فصل اول نشان داد که اولاً "نقدینگی بخش خصوصی و پایه پولی همواره از رشد مثبت برخوردار بوده ولی ضریب تکاثری در این سالها دارای رشد منفی بوده است، به عبارت دیگر تغییرات ضریب تکاثری در این سالها اثر منفی بر رشد نقدینگی داشته و تا حدی اثرات افزایش رشد

پایه پولی را خنثی کرده است . در مجموع میتوان اظهار داشت که افزایش نقدینگی معلول افزایش پایه پولی بوده است و ضریب تکاثری سهم بسیاری ناچیزی در آن داشته و بعضاً " سهم منفی نیز داشته است . برای مثال در سال ۱۳۶۷ سهم رشد پایه پولی در نرخ رشد نقدینگی بخش خصوصی معادل ۱۰۸ درصد است که علت فزونی آن از رقم صد ناشی از سهم منفی ضریب تکاثری در نرخ رشد نقدینگی است .

در بررسی منابع پایه پولی به نقش بدهی دولت به بانک مرکزی در کل پایه پولی اشاره شد . بودجه دولت در سالهای قبل و بعد از انقلاب خصوصاً " بعد از انقلاب بطور دائم دچار عدم تعادل بوده و همواره بدلیل تجاوز پرداختها نسبت به دریافتها، توأم با کسری بوده است . علیرغم افزایش قیمت نفت از سال ۱۳۵۳ به بعد ، بودجه دولت بدلیل رشد هزینه های دولت دچار کسری شده است . پس از انقلاب بواسطه کاهش درآمدهای نفتی از یک سو و افزایش مخارج دولت به دلیل گسترش نقش اقتصادی آن ، همچنین مخارج جنگ ، مهاجرین جنگی و افغانی ، ایجاد ارگانهای جدید و افزایش کارکنان بخش دولتی ، کسری بودجه با شدت بیشتری ادامه یافت .

منابع عمده تامین کسری بودجه عبارتند از وام^۸ اعتبارات داخلی و خارجی ، برگشتی از بودجه سال قبل و مواردی چون بیش دریافت فروش نفت . قبل از انقلاب وام و اعتبارات خارجی و فروش اوراق قرضه در کنار استقراض از سیستم بانکی رو به کسری دریافتهای بودجه دولت را تامین می کرد ، ولی بعد از انقلاب بواسطه ، خط مشی دولت در زمینه استقلال از بازارهای پولی خارجی ، تصمیم گرفته شد که از وامهای خارجی استفاده نشود . همچنین در سالهای پس از انقلاب بدلیل کوشش جهت حذف ربا از انتشار اوراق قرضه جدید ممانعت بعمل آمد و لذا یکی دیگر از شقوق تامین کسری بودجه موضوعیت خود را از دست داد و بار اعتبارات خارجی و اوراق قرضه در تامین کسری بودجه دولت یسه سایر منابع بخصوص استقراض از سیستم بانکی منتقل شد ، در طی سالهای ۶۱ تا ۶۷ همواره بیش از ۵۰ درصد کسری بودجه از طریق استقراض از سیستم بانکی تامین شده است و در بعضی سالها مثل ۶۶ و ۶۷ این رقم به بیش از ۹۰ درصد افزایش یافت . بر این اساس میتوان به تاثیر فوق العاده زیاد کسری بودجه در انبساط نقدینگی بخش خصوصی بویژه در سالهای بعد از انقلاب آگاه شد .

ملاحظه شد که نقدینگی بخش خصوصی تحت تاثیر رشد پایه پولی بشدت افزایش یافته است و این در حالی اتفاق افتاده که بانک مرکزی با اعمال سیاستهای انقباضی از طریق کاهش ضریب تکاثری در صد کنترل عرضه پول بوده است و در صورتی که در این امر توفیقی حاصل نمی شد در آنصورت میزان نقدینگی بمراتب بیش از مقدار تحقق یافته فعلی

بود، بنابراین سیستم پولی و بانکی از يك سوبا افزایش پایه پولی روبرو شد و ازسوی دیگر مجبور به کنترل ضریب تکاثری از طریق مسدودکردن منابع بانکها و تعیین حد مجاز اعتباری شد که برآیند این دو نیرو موجب شد سیستم بانکی از مازاد منابع هنگفتی برخوردار شود. منابع بانکها و تعیین حد مجاز اعتباری شد که برآیند این دو نیرو موجب شد سیستم بانکی از مازاد منابع هنگفتی برخوردار شود. منابع بانکهای تجاری و تخصصی به منابع سپرده ای و غیر سپرده ای تفکیک میشود. منابع سپرده ای که در واقع همان سپرده های بخش خصوصی نزد بانکها است به سپرده های دیداری - و غیر دیداری تقسیم میشود سایر منابع بانکها عبارتند از: بدهی بانکها به بانک مرکزی، سپرده و وجوه بخش دولتی نزد بانکها، حساب سرمایه و بدهیهای خارجی در سالهای پس از انقلاب بواسطه کسری بودجه بر حجم سپرده های بخش خصوصی شدت افزوده شد از بعد مصارف میتوان گفت که تنها قلم عمده مصارف بانکها عبارت است از وام و دادن اعتبار به بخش خصوصی.

بطور کلی اگر منابع مصارف بانکها در سالهای قبل و بعد از انقلاب یا یکدیگر مقایسه شود. مشخص میشود که قبل از انقلاب (۱۳۵۲ به بعد) علیرغم افزایش سپرده های بخش خصوصی، مصارف بانکها فراتر از منابع آزاد آنها بود و لذا همواره بانکها با کسری منابع مواجه بودند و لذا بانک مرکزی بعضاً " با کاهش نسبت قانونی و نسبت خرید اوراق قرضه از محل سپرده های بخش خصوصی و همچنین کاهش نرخ تنزیل مجدد دست بانکها را در اعطاء وام و اعتبار باز میگذاشت اما در سالهای پس از انقلاب سپرده های بخش خصوصی آنچنان افزایش یافت که حتی با اعمال سیاستهای انقباضی و مسدود کردن منابع بانکها و تعیین حد مجاز اعتباری، منابع بانکها فراتر از مصارف آنها بود و همواره بانکهای تجاری مازاد داشته اند. برای مثال مازاد بانکهای تجاری از ۶۶/۹ میلیارد ریال در سال ۵۲ به ۱۹۸۴/۷ میلیارد ریال در سال ۶۷ افزایش یافت.

در این گزارش نظر بر آن بود که نشان داده شود تغییرات شاخص قیمتها در ایران بشدت تحت تاثیر تغییرات متغیرهای پولی بوده است و به عبارت روشنتر بدنبال ثبات ایت فرضیه بودیم که " تغییرات شاخص قیمتها بخوبی توسط متغیرهای پولی توضیح داده میشود. " بر این اساس بمنظور تائید فرضیه فوق توسط شواهد آماری و با استفاده از آمار مربوط به شاخص قیمتها و متغیرهای پولی در فاصله سالهای ۶۹ - ۱۳۳۸، شاخص قیمتها در قالب ۹ الكوی رگرسیون و بطور جداگانه با نقدینگی بخش خصوصی، حجم پول و اسکناس و مسكوك در جریان، بررسی و مشخص شد تمامی الكوهای رگرسیون محاسبه شده دارای قابلیت توضیح تغییرات شاخص قیمتها به تبع تغییرات متغیرهای پولی است. لازم به توضیح است که نتایج حاصله نشان میدهد که در میان متغیرهای پولی، اسکناس و مسكوك در گردش

درمقایسه با نقدینگی بخش خصوصی و حجم پول از قدرت تورم زایی بیشتری برخوردار بوده است. توجیه این امر بدین ترتیب است که افزایش در حجم اسکناس و مسکوک بطور مستقیم و با سرعت بیشتری نسبت به افزایش در دو متغیر پولی دیگر موجب افزایش تقاضا برای کالا و خدمات و نهایتاً "منجر به تورم شده است و بواسطه اینکه سپرده دیداری و غیر دیداری در مقایسه با اسکناس و مسکوک در جریان، با تاخیر بیشتری در مجرای تقاضای کالا و خدمات قرار میگیرد لذا قدرت تورم زایی نقدینگی بخش خصوصی (که شامل سپرده دیداری و غیر دیداری است) نسبت به اسکناس و مسکوک در جریان کمتر است.

نظریه پردازان از جمله فریدمن معتقدند که وجود نرخ تورم متعارفی در حول و حوش ۴ درصد موجب تحریک انگیزه سرمایه گذاری خواهد بود. در این گزارش با فرض اینکه نرخ متعارف تورم در ایران ۶ درصد باشد میزان متغیرهای پولی محاسبه و مشخص شد که تحقق نرخ مسکوک در سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۸ با ستثنا " سال ۱۳۶۳ نقدینگی بخش خصوصی ایجاب می کند که در سال پایان برنامه سپرده دیداری بخش خصوصی به ۶۳۰۱/۴۵ میلیارد ریال، سپرده غیر دیداری ۱۲۰۴۵/۵۶ میلیارد ریال، حجم اسکناس و مسکوک به ۵۳۰۷/۱۲۲ میلیارد ریال، حجم پول به ۱۱۶۰۸/۵۷ میلیارد ریال و نقدینگی بخش خصوصی به ۲۳۶۵۴/۱۳ میلیارد ریال افزایش یابد. از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۸ با ستثنا " سال ۱۳۶۳ نقدینگی بخش خصوصی با نرخ رشد دو رقمی افزایش یافته است بنابراین تحقق نرخ رشد ۶ درصد برای نقدینگی بخش خصوصی بسیار خوشبینانه است مگر آنکه سیستم پولی استقلال خود را بازیابد.

حال با توجه به شناختی که از کلیت سیستم پولی حاصل شد بررسی میشود که آیا اهداف برنامه در مورد بخش پولی و شاخص قیمتها امکانپذیر است؟ و اساساً " چگونه و با چه نوع سیاستهایی میتوان به سمت اهداف برنامه حرکت کرد؟ پیش بینی برنامه در مورد متغیرهای پولی به این ترتیب است که رشد شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی از ۲۸ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۸/۹ درصد در سال ۱۳۷۲ کاهش یابد و در همین مدت رشد نقدینگی از ۲۳/۸ درصد به ۳/۵ درصد برسد و در همین راستا پیش بینی شده است که کسری بودجه دولت از ۲۱۴۶/۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ به ۹۲/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۲ کاهش یابد.

ملاحظه شد که در اقتصاد ایران از دو عامل تعیین کننده عرضه پول و حجم نقدینگی یعنی پایه پولی و ضریب تکاثری، پایه پولی نقش اصلی را بعهده دارد. پایه پولی در ایران و قبلاً از انقلاب بشدت تحت تاثیر تغییرات خالص دارائیهای خارجی و پس از انقلاب متأثر از خالص بدهی دولت به بانک مرکزی بوده است. سهم جزء سوم پایه پولی یعنی بدهی بانکها به بانک مرکزی در کل پایه پولی ناچیز بوده است. در میان سه عنصر پایه پولی تنها جزء

سوم تحت کنترل بانک مرکزی است و دو عنصر دیگر از کنترل مقامات پولی خارج است و بنابراین — باتوجه به سهم خالص دارائیهای خارجی درسالهای قبل از انقلاب و سهم کسری بودجه پس از انقلاب درکل پایه پولی مشخص میشود که عرضه پول درایران متأثر از میزان صادرات و واردات ، سیاستهای — بازرگانی (و درواقع تحت تاثیر میزان فروش نفت) و بودجه سالیانه بوده است و لذا بانک مرکزی تنها قادر بوده است با توسل به ابزاری چون حد مجاز اعتباری و نرخ تنزیل مجدد حجم بدهی بانکها را کنترل کند و بلحاظ اینکه سهم بدهی بانکها درکل پایه پولی ناچیز است بنابراین قادر به کنترل حجم پول نبوده است . همچنین مقامات شورای پول و اعتبار با تعیین نسبت قانونی و نسبت خرید اوراق قرضه و اقداماتی چون انسداد منابع بانکها درصدد کاهش ضریب تکاثری و نهایتاً " کنترل حجم پول بودند و از آنجا که سهم ضریب تکاثری در رشد نقدینگی بخش خصوصی و عرضه پول ناچیز بوده است بنابراین در مجموع مقامات پولی کنترل موثری بر عرضه پول درایران نداشته اند . حال باتوجه به مراتب فوق چگونه میتوان نسبت به تحقق اهداف بخش پولی و تورم (که متأثر از متغیرهای پولی است) امید بست . در همین راستا لازم باشاره است که در برنامه اول پیش بینی شده است که نقدینگی بخش خصوصی از $10/8$ درصد رسال 1368 به $2/5$ درصد در سال پایانی برنامه کاهش یابد . باتوجه به رقم نقدینگی تحقق یافته در سال 1368 که برابر $18724/4$ میلیارد است آشکار میشود علیرغم اینکه بانک مرکزی با فروش ارز به نرخ آزاد توانسته است تا حدودی از شدت کسری بودجه و نهایتاً " از — گسترش رشد نقدینگی بکاهد ولی با وجود این ، پیش بینی برنامه تحقق نیافته است . حال اگر — پیش بینی برنامه در مورد نرخ رشد نقدینگی برای سالهای $72 - 69$ تحقق یابد آنگاه با توجه به الگوهای تخمینی حتی میتوان انتظار داشت که نرخ رشد شاخص قیمتها در سال پایانی برنامه کمتر از مقدار پیش بینی شده باشد .

درسالهای اخیر توسل دولت به سیستم بانکی بمنظور پوشاندن کسری بودجه منشاء اصلی افزایش پایه پولی (عامل اصلی افزایش عرضه پول و نقدینگی) بوده است لذا بررسی بافت درآمد و هزینه دولت درسالهای گذشته در پاسخگوئی به این سوال که " آیا میتوان به کاهش حجم نقدینگی و تورم بواسطه کاهش کسری بودجه امید داشت ؟ " مفید خواهد بود . کاهش کسری بودجه از طریق کاهش هزینه ها و افزایش درآمدهای دولت و یا هر دو امکان پذیر است . با توجه به نقشی که قانون اساسی در امور اقتصادی به دولت داده و همچنین دخالت وسیعی که تاکنون اعمال کرده است و لزوم بازسازی مناطق ویران شده و تاسیسات دولتی و غیر دولتی که در هنگام جنگ آسیب دیده بنظر میرسد که امکان کاهش اساسی در هزینه های دولت وجود ندارد از طرف دیگر درآمدهای مالیاتی درسالهای اخیر از افزایش برخوردار بوده است ولی میزان آن در حدی که کسری بودجه را جبران کند . درسالهای اخیر کاهش

قیمتهای جهانی نفت موجب افزایش شکاف بین درآمدها و هزینه ها شده است. بنحویکه در سال ۱۳۶۷ هزینه های دولت ۲ برابر درآمدهایش بود یعنی معادل درآمدها، دولت با کسری روبرو بودگرچه افزایش قیمت نفت بدنبال بحران اخیر خلیج فارس (اشغال کویت توسط عراق) افق مناسبی از افزایش درآمدهای دولت را به نمایش گذارد ولی نمیتوان به حفظ قیمتهای موجود امید داشت و سبقت اعضا، اویک در استفاده از وضع موجود ممکن است موجب کاهش قیمت درآینده شود و علاوه براین در حال حاضر اقتصاد نفت ایران با مشکل ظرفیت تولید روبرو است و پائین تراز سهمیه، تولید میکند و بطور مطلوب نمیتواند از وضع موجود بهره جوید.

راه حل دیگر کاهش کسری بودجه که دولت در سالهای اخیر نیز به آن متوسل شده افزایش قیمت کالاهایی است که توسط سیستم دولتی توزیع میشود. در همین راستا در برنامه اول حذف سوبسی— بعضی از کالاهای و افزایش قیمت خدماتی چون برق، آب، مخابرات پست و ۰۰۰ مورد تاکید قرار گرفته است. بنابراین از این طریق امکان کاهش کسری بودجه وجود دارد ولی کاربرد این حربه محتاج دقت عمل و احتیاط است زیرا با افزایش قیمت کالاهای دولتی، انتظارات تورمی افراد تشدید میشود و به منظور حفظ ارزش پولشان آنرا هر چه سریعتر تبدیل به کالا میکنند و یا نیازهای مصرفی آینده را در— زمان جاری تهیه میکنند. و برای این اساس سرعت گردش پول افزایش مییابد با توجه به شکل ساده نظریه مقداری پول یعنی $MV = PY$ مشخص میشود که کوچکترین افزایش در سرعت گردش پول منجر به افزایش قابل توجهی در طرف چپ رابطه مزبور میشود در صورت عدم رشد تولیدات متناسب با افزایش طرف چپ تساوی، لاجرم سطح عمومی قیمتها افزایش خواهد یافت. بنابراین امید چندانی به کاهش کسری بودجه و جلوگیری از افزایش پایه پولی نمیتوان داشت. برای این اساس بنظر میرسد که اهداف تعیین شده برای بخش پولی و نرخ تورم غیر واقع بینانه است و سیستم پولی از طریق ضرب تکاثری و — تمهیداتی چون انسداد منابع بانکها و تعیین حد مجاز اعتباری قادر خواهد بود از گسترش بیشتر عرضه پول و نقدینگی جلوگیری کند و در برنامه اول از سیستم پولی انتظار میرود که با استفاده از چنین ابزار، به تحقق اهداف بخش پولی برنامه کمک کند اما نباید از نظر دور داشت که پیش بینی شده است در طی پنج سال برنامه اول معادل ۲۶۴۵۲ میلیارد ریال به قیمتهای ثابت سال ۱۳۶۷ سرمایه گذاری صورت گیرد و بدون استفاده از منابع بانکها جهت تامین اعتبار این سرمایه گذاریها تحقق اهداف برنامه در بخشهای مولد اقتصاد امکانپذیر نخواهد بود. بنابراین چنانچه مقامات پولی بمنظور تحقق اهداف برنامه در مورد بخش پولی (البته در حد توانائی سیستم پولی و آنهم بصورت خیلی کم رنگ) و بدون توجه به نیاز بخشهای دیگر در صد انسداد منابع و قبض اعتبارات برآید تحقق

اهداف بخشهای دیگر دچار خدشه خواهد شد. در حال حاضر بسیاری از بخشها چون صنایع و پتروشیمی با این مشکل مواجه شده که " بین اهداف برنامه و میزان اعتبارات پیش بینی شده مغایرت وجود دارد" و اساسا " تحقق اهداف مزبور درگروافزایش اعتبارات بمیزانی بیش از آنچه پیش بینی شده است که نهایتا " این مسئله موجب عدم تحقق اهداف بخش پولی خواهد شد. پس از يك سو اهداف در نظر گرفته شده برای بخش پولی غیر واقع بینانه است و از طرف دیگر اهداف این بخش با بخشهای دیگر در تضاد است .

در يك جمعبندی کلی میتوان اظهار داشت که باتوجه به عناصر تشکیل دهنده عرضه پول تحقق کامل اهداف بخش پولی برنامه بعید بنظر میرسد و ثانيا " جهت حرکت به سمت تحقق اهداف برنامه لازم است که اولاً " يك تجدید نظر کلی در بافت و ترکیب درآمدها و هزینه های دولت صورت پذیرد و با اعمال يك سیستم حسابرسی صحیح و با پی گیری و نظارت مسیر حرکت کالا از محل کارخانه یا گمرکات تا مصرف کنندگان ، منابع مالیاتی تشخیص داده شود و برحجم درآمدهای دولت افزوده و از حجم کسری بودجه کاسته شود . به عبارت روشنتر کنترل عرضه پول در ایران ایجاب میکند که سیستم پولی استقلال یابد و شدت متابعت سیاستهای پولی از سیاست مالی کاهش یابد . علاوه بر این همانطور که در فوق اشاره شد با انسداد منابع بانکها و تعیین حد مجاز اعتباری و کنترل ضریب تکاثری و همچنین با فعال کردن بازار بورس و تامین مالی شرکتها و موسسات از طریق غیر سیستم بانکی و با واگذاری — شرکتهای دولتی و کاهش بار مخارج دولت میتوان از گسترش بی رویه نقدینگی جلوگیری بعمل آورد .

منابع:

- ۱- گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی سالهای مختلف .
- ۲- سالنامه‌های آماری ، سازمان برنامه و بودجه مرکز آمار ایران .
- ۳- قانون بودجه کل کشور سالهای مختلف .
- ۴- قانون برنامه اول توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۲۲-۱۳۶۸) ، سازمان برنامه و بودجه ، ۱۳۶۹ .
- ۵- "گزارش تحولات اقتصادی بعد از انقلاب " اداره بررسیهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۳ .
- ۶- "ارزیابی اثرات سیاستهای اخیر ارزی " گزارش منتشر نشده ، گروه ارز و ذخائر ارزی معاونت اقتصادی و دارائی تیر ۱۳۶۹ .
- ۷ " عوامل تعیین کننده عرضه پول در اقتصاد ایران " (۶۲-۱۳۴۲) ، بانک مرکزی / ۱۳۶۴ .
- ۸- "ابزار جمع آوری نقدینگی در چارچوب سیاستهای پولی و اعتباری " وزارت اقتصاد، معاونت اقتصادی، ۱۳۶۵ .
- ۹- طیب نیا، علی "الگوی تورم در ایران و تحلیل سیاستهای ضدتورمی دولت " پایان نامه فوق لیسانس دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران .
- ۱۰- دکتر پژویان - جمشید ، " جزوه پول و بانکداری " انتشارات دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران ، تابستان ۱۳۶۴ .
- ۱۱- دکتر قدیری اصلی - باقر، " نظریه‌های پولی " انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۶۸ .

- 12- R.Yackman, C.Mulvey and J.Trevithick, "The Economics of- Inflation" Martin Robertson. Oxford. 1982.
- 13- R, Cagan "Persistent Inflation: Historical and Policy - Essays , "Columbia University press, New York, 1979 .
- 14- D.Laidler, "The Demand for Money : Theories and evidence." Harper and Row, 1977.
- 15- " R.Crouch" Macroeconomics, Harcourt Brace Jovanovich, - 1972 .